

کتاب پنجم

سوره کتابهای سوره و شکر است

پیل صراط

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پل صراط

نویسنده:

علیرضا زکی زاده رنانی

ناشر چاپی:

دیوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پیل صراط
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۸	تقدیم به:
۱۸	مقدمه (طرح تحقیق):
۲۵	فصل اول: کلیاتی پیرامون صراط
۲۵	مفهوم صراط
۲۷	معنای صراط
۲۷	اشاره
۲۸	مصادیق صراط مستقیم
۴۴	اعتقاد به صراط
۴۷	ویژگی های صراط
۴۹	رابطه اعمال و رفتار انسان با صراط آخرت
۵۳	گریه برای صراط
۵۶	نیایش های امام سجّاد (علیه السّلام)
۶۱	فصل دوم: موقف های صراط
۶۱	عقبه های صراط
۶۱	کلام شیخ صدوق (رحمه الله)
۶۳	روایت امام باقر (علیه السّلام)
۶۶	پرسش های عقبه های صراط
۶۷	ولایت حضرت علی (علیه السّلام)
۷۰	امانت داری و صله رحم
۷۱	دادخواهی از مظلوم

۷۱	الب ارسلان و پيرزن
۷۳	رضاخان و كشتن دو جوان
۷۳	آيت الله شاه آبادى (رحمه الله) و سرهنگ شهربانى
۷۴	نماز
۷۶	سؤال از مال
۷۸	عقبه كوودا (عقبه اى سخت)
۷۹	حكايه سيدعبدالكريم نيلى نجفى (رحمه الله)
۸۴	فصل سوم: عبور گروه هاى مردم از صراط
۸۴	عبور مردم از صراط
۸۹	فصل چهارم: عواملى كه موجب پايدارى بر صراط است
۸۹	اشاره
۸۹	اميد به رحمت خدا
۹۳	پذيرش ولايت اهل بيت (عليهم السلام)
۹۹	شناخت اهل بيت (عليهم السلام)
۱۰۱	دوست داشتن اهل بيت (عليهم السلام)
۱۰۷	زيارت اهل بيت (عليهم السلام)
۱۱۰	صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد
۱۱۱	وضو گرفتن
۱۱۲	محافظة بر نمازهاى پنجگانه
۱۱۳	شركت در نماز جماعت
۱۱۴	نماز عشاء
۱۱۴	بعد هر نماز بخواند
۱۱۵	نماز شب
۱۲۱	هشت ركعت نماز در شب شنبه
۱۲۲	نماز شب اول ماه رجب
۱۲۳	نماز شب جمعه

- ۱۲۳ حاجت درمانده ای را به حاکم رساندن
- ۱۲۴ یاری کردن برادر مؤمن
- ۱۲۷ وام دادن به برادر مؤمن:
- ۱۲۸ برطرف کردن اندوه مؤمن:
- ۱۲۸ یاری کردن مؤمن نزد حاکم:
- ۱۲۸ صدقه:
- ۱۲۹ روزه ماه رجب:
- ۱۳۲ روزه ماه شعبان:
- ۱۳۲ استغفار در ماه شعبان:
- ۱۳۳ احیای شب ۲۳ ماه مبارک رمضان:
- ۱۳۴ خوش اخلاقی در ماه مبارک رمضان:
- ۱۳۵ درخواست از خداوند متعال:
- ۱۳۶ تلاوت حکمت:
- ۱۳۶ قرائت سوره قیامت:
- ۱۳۷ پرستاری از مریض:
- ۱۳۸ علم و عمل:
- ۱۳۸ صراط طالبان علوم دینی دقیق تر و باریک تر است
- ۱۴۰ حق مال را ادا کردن:
- ۱۴۱ شرم از خداوند متعال و راضی به قضای الهی
- ۱۴۱ قربانی کردن
- ۱۴۴ فصل پنجم: پرسش هایی پیرامون صراط
- ۱۴۴ فلسفه عبور از صراط
- ۱۴۵ نخستین کسی که بر صراط می رود، کیست؟
- ۱۴۷ کتابنامه
- ۱۶۱ درباره مرکز

سرشناسه: زکی زاده رنانی، علیرضا، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: پل صراط / علیرضا زکی زاده رنانی.

مشخصات نشر: قم: دیوان، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.

فروست: مجموعه کتابهای سرنوشت انسان؛ ۵.

شابک: ۱۴۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۷۸-۰۲-۹

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

یادداشت: عنوان دیگر: پل صراط.

یادداشت: بالای عنوان: پلی که بر روی جهنم کشیده می شود = The bridge of hell.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۳۹] - ۱۵۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: پل صراط.

موضوع: رستاخیز

رده بندی کنگره: BP۲۲۲/۵/۴ ص ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۸۰۰۰۰

ص: ۱

پیشگامان راه روشن الهی

اهل بیت (علیهم السلام)

غرض نقشی است کز ما باز ماند *** که هستی را نمی بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی ز زحمت *** کند در حقّ درویشان دعایی

مقدمه (طرح تحقیق):

یکی از ارکان مهم مذهب اسلام، اعتقاد به «معاد» و جهان آخرت می باشد که از نظر اهمیت، بعد از مسأله توحید مهمترین مسأله دینی و اسلامی است.

مسأله معاد چیزی است که برای یک مسلمان، ایمان و اعتقاد به آن لازم می باشد، چرا که از ضروریات (۱) دین اسلام است، همان گونه که اعتقاد و ایمان به پیامبر لازم و ضروری است، اعتقاد به ایمان به «معاد» و جهان آخرت نیز لازم و ضروری است.

براساس روایات اسلامی، یکی از مسائل مهم «معاد» [و جهان آخرت]، بیان مسأله «صراط» می باشد، که به فرموده احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، آن در دنیا [صراط در دنیا]، راهی است .

ص: ۱۱

۱- در تعریف ضروری دین، در کتب علمای اسلام چنین آمده است: «یعنی آنچه که قرآن کریم بر آن صراحت دارد و همه اهل دین آن را جزء دین می دانند و اختلافی در آن نیز نداشته باشند. (ر.ک: خرازی، سیدمحسن، بدایه المعارف الالهیه، ج ۱، ص ۲۷۷).

که از افراط و تفریط به دور است و راه میانه است و به سوی باطل کمترین انحرافی ندارد و صراط در آخرین، پُلی است که بر روی جهنم زده می شود و همه انسان ها باید از آن عبور نمایند.

موضوع تحقیق:

«صراط»، (براساس آنچه از روایات معصومین (علیهم السّلام) آمده است) پُلی است که در روز قیامت بر روی جهنم قرار داده می شود و همه انسیان ها از آن باید عبور نمایند.

ما بر آنیم که در این نوشتار، شرح و بررسی ای جامع از صراط را بیان نموده و عوامل پایداری بر آن را در آخرت بازگو نماییم و به پرسش هایی چند پیرامون آن پاسخ گوئیم.

پرسش های تحقیق:

۱- حقیقت صراط چیست؟

۲- فلسفه عبور از صراط چیست؟

۳- اتفاقاتی که در صراط افتد؟

۴- چه عواملی باعث لغزش قدم ها در صراط است؟

۵- اسبابی که باعث پایداری بر صراط می باشد، کدامند؟

۶- اگر جهان آخرت آیینی ای از اعمال انسان ها در این دنیا است، چه رابطه ای بین صراط و اعمال این جهان وجود دارد؟

ص: ۱۲

اهداف تحقیق:

الف: بیان مواردی از آیات قرآن و روایاتی که در زمینه «صراط» وارد شده است.

ب: تصویر سازی کلی مطالب صراط و مسائل مربوط به آن.

ج: پاسخ به پرسش هایی پیرامون صراط.

انگیزه تحقیق:

نگارنده به قصد خدمت به قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السّلام) این نوشتار را به رشته تحریر درمی آورد.

امید است مورد قبول خداوند متعال و ائمه معصومین (علیهم السّلام) قرار گیرد.

پیشینه تحقیق:

بحث از «صراط» و مطالب آن سابقه ای طولانی دارد، ولیکن کتابی مستقل درباره مسائل آن نگاشته نشده است، و مطالب آن در بین مطالب کتب تفسیری و روایی وجود دارد.

نگارنده، کتابی که در مورد این موضوع باشد را نیافتم.

ضرورت تحقیق:

نبودن کتابی مستقل و جامع در زمینه صراط، موضوع فوق را روشن می سازد. بویژه آنکه بیشتر افراد جامعه از این مطالب استفاده کرده، و آنها را نقل می نمایند.

ص: ۱۳

پیش فرض های تحقیق:

۱- در قرآن کریم که مطالب آن قطعی و تحریف نشده است، بحث از قیامت و مسائل آن فراوان شده است. مطالب آن، که اشاره به صراط شده، استخراج و فصل بندی می شود.

۲- روایات ائمه معصومین (علیهم السّلام) نیز در بر گیرنده مسائل بسیاری از صراط می باشد.

روش تحقیق:

روش زمینه ای و موردی: در این روش پژوهش گسترده ای از موقعیت فعلی و قبلی درباره صراط انجام شد و مطالب آن نیز مورد ارزیابی قرار گرفت.

این نوشتار بیان می کند که چه هست و چه خواهد بود. و لذا در این نوشتار تصویر کاملی از صراط ارائه می شود.

روش جمع آوری اطلاعات: این تحقیق بیشتر به صورت استفاده از کتابخانه ها و سی دی های تحقیقاتی می باشد. که عمدتاً مطالب از کتابخانه ها می باشد، ولی برای تخریج مصادر از سی دی های تحقیقی کمک گرفته شده است.

محدودیت های تحقیق:

الف: پراکندگی مطالب صراط و مسائل مربوط به آن در تفاسیر و کتب روایی بزرگ و مفصّل، که دسترسی به همه آنها دشوار بود. نگارنده با تحقیق تمام و کوشش فراوان این محدودیت را جبران نموده اسیت.

ص: ۱۴

ب: مطالب مربوط به صراط را به کتب تفاسیر و روایی محدود کنیم، در حالی که در کتب اخلاقی، مطالب زیبایی نیز بیان شده است.

والحمد لله رب العالمین

علیرضا زکی زاده رنانی

قم مقدسه - زمستان ۱۳۸۶

ص: ۱۵

مفهوم صراط

در قرآن کریم سه کلمه «صراط»، «طریق» و «سبیل» معنایی نزدیک به هم دارند، که معمولاً هر سه به معنی «راه» ترجمه می شود.

با توجه به عظمت واژه های مهم قرآن کریم و حقیقت بیان و بکارگیری این مفاهیم، فرقی اساسی بین این سه مفهوم (و واژه) وجود دارد.

صراط: راغب اصفهانی (متوفای ۵۰۲ قمری) در مفردات خود در مورد «صراط» گوید: [\(۱\)](#)

«صراط» به معنی راه روشن است. زیرا از ماده (س ر ط) گرفته شده که به معنی بلعیدن است و گویا راه روشن، رهرو خود را بلعیده که دیگر نمی تواند به این سو و آن سو منحرف شود...»

ص: ۱۸

۱- مفردات غریب القرآن، ص ۲۳۰، ماده (س ر ط). و نیز ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۱۳؛ طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۱، حکیم، سیدمحمدباقر، تفسیر سوره حمد، ص ۲۱۹.

با توجه به این معنا، می توان چنین گفت که «صراط» به معنی یزرگراه (شاهراه) می باشد. یعنی راه اصلی، که هم عبور از آن آسان است و هم راه اصلی می باشد. مانند جاده قم - تهران که یک راه اصلی (راه آسفالت شده و خط کشی شده و...) وجود دارد و در مقابل راههای فرعی (خاکی) و ناهموار زیادی در آن نیز وجود دارد.

کلمه «صراط»، چهل و پنج بار در آیات مختلف قرآن تکرار شده (۱) و در تمام موارد آن، به صورت مفرد آمده است.

طریق: راهی که بوسیله پاپیموده و طی می شود. این واژه، در هر روشی که انسان در کاری خوب یا ناپسند در پیش می گیرد، نیز استعاره شده است. مانند آیه ۶۴ سوره طه که خداوند متعال می فرماید: *وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَىٰ؛* آئین و روش نیکوی شما را از بین می برند.

سبیل: راهی است نرم و سهل گذر که هموار می باشد، جمع آن «سُبُل» نام دارد. به راههای سخت و صعب العبور، «طریق» اطلاق می شود. (۲).

ص: ۱۹

-
- ۱- آیات: فاتحه: ۷، ۶/بقره: ۱۴۲، ۲۱۳/آل عمران: ۱۰۱، ۵۱/مائده: ۱۶/نساء: ۶۸، ۱۷۵/انعام: ۳۹، ۱۶۱، ۱۵۳، ۱۲۶، ۸۷/اعراف: ۱۶/۱۶/یونس: ۲۵/هود: ۵۶/ابراهیم: ۱/حجر: ۴۱/نحل: ۱۲۱، ۷۶/مریم: ۴۳، ۳۶/طه: ۱۳۵/حج: ۵۴، ۲۴/مؤمنون: ۷۴، ۷۳/نور: ۴۶/سبأ: ۶/یس: ۶۶، ۴، ۶۱/صافات: ۱۱۸، ۲۳/ص: ۲۲/شوری: ۵۲، ۵۳/زخرف: ۴۱، ۶۱، ۶۴/فتح: ۲/ملک: ۲۲.
- ۲- فالطریق: مأخوذ من الطریق علی الارض فی عملیه السیر، فهو السبیل الذی یطرق بالارجل، أى یضرب.... و عنه استعیر کل مسلک یسلکه الإنسان فی فعل محموداً کان أو مذموماً. (ر.ک: مفردات غریب القرآن، ص ۳۱۲، واژه طرق).

در قرآن کریم «سبیل» به صورت جمع آمده (۱) و «صراط» به صورت مفرد، و این می تواند اشاره به این نکته باشد که همه راههای فرعی و سبیل ها منتهی به صراط (بزرگراه) می شود، همچنان که به اختلاف احوال رهروان، راه عبادت و بندگی مختلف است، ولی همه آن به عبادت منتهی می شود.

به فرموده علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: «مثل صراط مستقیم نسبت به سبیل های خدا، مثل روح است به بدن که یک انسان در زندگی، اطوار مختلفی دارد و در هر یک از احوال و اطوار (مانند طفولیت، بلوغ، جوانی، کهولت و پیری) غیر آن انسان در طور و حال دیگر است. ولی در عین حال، روح همان روح است.» (۲)

معنای صراط

اشاره

آنچه در مورد «صراط» در بالا بیان شد، گزارشی از معنای صراط در حوزه لغت و قرآن کریم بود.

با توجه به اینکه جهان آخرت تابع و آینه ای از این دنیا می باشد، لذا ارتباطی تنگاتنگ بین اعمال و رفتار این جهان و مسیری که انسان در این دنیا انتخاب و طی می کند، با آن سرای وجود دارد. در حقیقت می توان این گونه بیان کرد که .

ص: ۲۰

۱- مانند آیه ۶۹ سوره عنکبوت: «والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبیلنا».

۲- نک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۰.

صراط و راه سختی که در آن وجود دارد، تابع راهی است که انسان ها در این دنیا سپری می کنند.

با توجه به این معنا می توان بسیاری از احادیث در مورد صراط را تبیین و شرح کرد، که از مو باریک تر و از شمشیر بَرَنده تر است، چرا که وقتی در اعمال و رفتار خود باریک و دقیق شویم، راهی که طی کرده ایم را بهتر می یابیم، و کاستی های اعمال و رفتار خود را در آن پیدا می کنیم.

در این مبحث، نگاهی دیگر به صراط می اندازیم، ولی با زاویه دید دیگر با کمک روایات اهل بیت معصومین (علیهم السلام) و در مورد معنای صراط مطالبی دیگر را بیان می نمائیم.

بیشترین بحثی که در مورد صراط در روایات و کتب تفسیری بیان شده است، در ذیل آیه ۶ سوره حمد می باشد.

در این آیه می خوانیم:

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

(پروردگارا!) ما را به راه راست و صراط مستقیم رهنمون باش).

منظور از این «صراط مستقیم» چیست؟

مصادیق مختلفی درباره صراط مستقیم در قرآن و روایات آمده که در حقیقت، همه آنها به یک مقصود منتهی می شود که عبارتست از همان خط عبادت و آئین توحید و دین اسلام.

مصادیق صراط مستقیم

در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) و کتاب معانی الأخبار شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) نقل شده که: یعنی ما را هدایت و

ص: ۲۱

رهبری نما به راهی که به محبت تو منجر شود و به بهشت می رساند و مانع این می شود که ما از هواهای نفسانی پیروی کنیم و خود را نابود کنیم و یا اینکه آراء و نظریات خود را ملاک قرار داده و خود را به هلاکت بیفکنیم. (۱)

در بعضی از اخبار آمده که صراط مستقیم عبارت از راهی است که به معرفت خدا می رسد. (۲)

و در روایتی دیگر گفته شده که صراط دو صراط است یک صراط در دنیا و یک صراط در آخرت، اما صراط دنیا عبارت از امام مفترض الطاعه و پیشوایی است که اطاعت او واجب است، پس آن کس که در این دنیا او را شناخت و به هدایت او راه یافت و از او پیروی نمود از صراطی هم که در آخرت است و آن همان پلی است که بر روی دوزخ کشیده شده خواهد گذشت و آن کس که در این دنیا او را شناخت بر آن صراط قدمش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد. (۳)

ص: ۲۲

۱- روایت امام صادق (علیه السلام): «ارشدنا الى الطريق المستقیم اى ارشدنا للزوم الطريق المؤدى الى محبتك و المبلغ دينك و المانع من ان نتبع اهوائنا فنعطب أو ناخذ بارائنا فنهلك». (ر.ک: تفسير منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ص ۴۴، ح ۲۰؛ معانی الأخبار، ص ۳۳، ذح ۴).

۲- روایت امام صادق (علیه السلام): «هو الطريق إلى معرفة الله عزوجل». (ر.ک: معانی الأخبار، ص ۳۲، باب معنی صراط).

۳- روایت امام صادق (علیه السلام): «هما صراطان: صراط فى الدنيا، و صراط فى الاخره. و أما الصراط الذى فى الدنيا فهو الامام المفترض الطاعه، من عرفه فى الدنيا و اقتدى بهداه مر على الصراط الذى هو جسر جهنم فى الاخره، و من لم يعرفه فى الدنيا زلت قدمه عن الصراط فى الاخره فتردى فى نار جهنم». (ر.ک: همان).

و نیز گفته شده که صراط مستقیم دو گونه است: صراط دنیا و صراط آخرت. صراط مستقیم دنیا، راهی است که از افراط و تفریط به دور است، راه میانه است و به سوی باطل کمترین انحرافی ندارد و صراط آخرت، همان راه مؤمنان به سوی بهشت است که راهی است مستقیم. (۱)

و باز در روایات آمده که مراد از صراط مستقیم امیر المؤمنین (علیه السلام) است. (۲)

امام علی (علیه السلام) در خطبه خود، در سالی که عید غدیر مصادف با روز جمعه بود، فرمود:

اندرون ما سبیل الله و من سبيله و ما صراط الله و من طریقہ، انا صراط الله الذی من لم یسلکہ بالطاعة لله هوی به الی النار، و انا سبيله الذی نصبنی الله .

ص: ۲۳

۱- روایت امام حسن عسکری (علیه السلام): «والصراط المستقیم هو صراطان: صراط فی الدنیا، و صراط فی الآخرة: و أما الصراط المستقیم فی الدنیا فهو ما قصر عن الغلو، و ارتفع عن التقصیر، و استقام فلم یعدل إلی شیء من الباطل. و أما الطريق الآخر فهو طریق المؤمنین إلی الجنة الذی هو مستقیم لا یعدلون عن الجنة إلی النار و لا إلی غیر النار سوی الجنة». (ر.ک: همان و بحار، ج ۲۴، ص ۹، ج ۱).

۲- روایت امام صادق (علیه السلام): «الصراط المستقیم امیر المؤمنین علی (علیه السلام). (ر.ک: معانی الأخبار، ح ۲). و نیز روایت خود حضرت (علیه السلام) که فرمود: «أنا الصراط المستقیم، و عروته الوثقی التي لا انفصام لها؛ صراط مستقیم خدا و دستگیره محکم و ناگسستنی او، من هستم». (ر.ک: بحار، ج ۸، ص ۸۰، ح ۱۹).

للتبّاع، بعد نبيّه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، وانا قسيم الجنّه، و النَّار، و انا حجه الله على الفجّار، و الايرار، فانتبهوا من رقدته الغفله، و بادروا العمل قبل حلول الاجل، و سابقوا الى مغفره من ربّكم، قبل ان يضرب بالسّور بباطن الرّحمه و ظاهر العذاب. (١) - (٢).

ص: ٢٤

١- قال مؤلّف: «الأنوار الساطعه» بعد ذكر هذه الروايه: «إذا علمت هذا فأذا كان الدين حسب ما نطقت به الأخبار الكثيره صراطا، و كان الدين تلك الأمور المذكوره في الحديث السابق ذكره، و كانوا (عليهم السّلام) بذواتهم المقدسه تلك الأمور، فلا محاله كانت حقيقه الصراط و صورته الخارجيه في الدنيا و الاخره صراطا حقيقياً، و كان ظاهر الدين صراطا شرعياً، فمن عرفهم (عليهم السّلام) و اقتدى بهداهم نجا، لأن معرفتهم هكذا و الاقتداء بهم هو الدين الحقيقى، كيف لا و قد علمت أنه لا يعرف الدين بجميع مراتبه من العلم به، و المعرفه و الوجدان به، إلا- بهم فإنهم (عليهم السّلام) بينوه علما و أظهروه معرفه و تمثلوه وجدانا خارجياً. ففي الحقيقه صورته الدين أيضاً هم (عليهم السّلام) إذا لم يعرف الظاهر منه إلا منهم، كما أن حقيقه الدين أيضاً هم، فيحينئذ فهم بقول مطلق الدين، و هم بقول مطلق الصراط في الدنيا و الآخره و فى الظاهر فيهما و فى الحقيقه فالإمام (عليه السّلام) حينئذ هو الصراط صورته و حقيقته، و معرفته صراط للعارف بهم، إذا علمت أن الإمام و الدين متحدلان مصداقا و إن اختلفا مفهوماً، فمعرفه الإمام هو معرفه الدين، و معرفه الدين و الامام هو الصراط، و العمل به سلوك هذا الصراط، و ليس العمل حينئذ إلا الاقتداء بهم، و الاستئناس بسنتهم و الأخذ بطريقتهم فى كل مقام لهم. و هذا الاقتداء هو عين التمسك بالدين و العمل به، و إذا كل شأن من شئونهم داخل فى الدين، و ليس للدين شأن خارج عن شئونهم (عليهم السّلام)، فهم (عليهم السّلام) أرباب الدين و حقيقه الدين و الصراط المستقيم بقول مطلق، رزقنا الله متابعتهم و الاقتداء بهم، و الكون معهم فى الدنيا و الآخره بمحمد و آلّه الطاهرين». (الانوار الساطعه، ج ٣، ص ٨٧).

٢- ر.ك: مصباح المجتهد، ص ٧٥٦؛ إقبال الاعمال، ج ٢، ص ٢٥٨؛ تفسير صافى، ج ٥، ص ١٦٨؛ بحار، ج ٩٤، ص ١١٧؛ مسند الامام الرضا (عليه السّلام)، ج ٢، ص ٢١، ح ٢٨.

«آیا می دانید راه خدا چیست و به راه خدا چه کسی است؟ آیا می دانید راه خدا کدام است و به آن راه که می رود؟ منم راه خدا، آن راهی که هر کس از آن نرود در آتش دوزخ به سر رود، و منم آن راهی که خداوند مقرر فرموده برای پیروی نمودن از آن بعد از پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، منم قسمت کننده بهشت و دوزخ، منم حجت خدا بر نیکان و بدان؛ پس از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از رسیدن مرگ به کردار نیک سبقت جوئید و پیشی بگیرید به آمزش پروردگار خود قبل از آنکه دیواری بین شما زده شود که باطنش رحمت خدا و ظاهرش عذاب خدا باشد».

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) نیز به استناد خود از جابر روایت کرده که گوید: از حضرت باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) راجع به این آیه پرسیدم: (و لئن قتلتم في سبيل الله أو متم): «اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید» فرمود:

فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَتَدْرِي مَيَا سَبِيلُ اللَّهِ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَمَا وَ اللَّهِ إِلَّا أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ. قَالَ: سَبِيلُ اللَّهِ هُوَ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ دُرِّيَّتُهُ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) وَ سَبِيلُ اللَّهِ مَنْ قُتِلَ فِي وَ لَأَيْتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ مَاتَ فِي وَ لَأَيْتِهِ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۱)

فرمود: «می دانی راه خدا چیست؟ گفتم: نه به خدا، مگر از شما بشنوم. فرمود: راه علی (عَلَيْهِ السَّلَام) و فرزندان او (عَلَيْهِمُ السَّلَام) است؛ هر که در راه ولایت او کشته شود در راه خدا کشته شده و هر که در ولایت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) بمیرد در راه خدا مرده است».

در روایتی دیگر گفته شده مراد از صراط مستقیم، معرفت امام است (۲)، و در روایت دیگر آمده که آن راه امامان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَام) است که فرمودند: ما صراط مستقیم هستیم. (۳)

همچنین روایت شده که مراد امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) و معرفت آن حضرت است و دلیل بر این که مراد امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) است قول خدای متعال است که می فرماید: «و انه في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم». (۴) که آن امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) است که در سوره فاتحه الكتاب که أم الكتاب است از او به صراط مستقیم یاد شده است. (۵)

و نیز روایت شده که آن راه انبیاء (عَلَيْهِمُ السَّلَام) است. (۶).

ص: ۲۵

۱- ر.ک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۱۶۲، معانی الاخبار، ص ۱۶۷، ح ۱؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۵؛ بحار، ج ۲۴، ص ۱۲، ح ۶.

۲- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۶.

۳- روایت امام زین العابدین (عَلَيْهِ السَّلَام): «نحن الصراط المستقیم و نحن عیبه علمه». (ر.ک: معانی الاخبار، ص ۳۵، ح ۵). و نیز روایت امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام): «نحن الصراط المستقیم». (تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱، ح ۸۹)

۴- سوره زخرف، آیه ۴.

۵- روایت امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام): «هو أمير المؤمنين (عَلَيْهِ السَّلَام) و معرفته، و الدلیل علی أنه أمير المؤمنين (عَلَيْهِ السَّلَام) قوله

عزوجل: (وإنه في ام الكتاب لدينا لعلى حكيم) و هو أمير المؤمنين (عليه السّلام) فى ام الكتاب فى قوله عزوجل: "أهدنا الصراط المستقيم".

٦- روايت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «صراط الأنبياء و هم الذين أنعم الله عليهم». (ر.ك: تفسير عياشى، ج ١، ص ٢٢، ح ١٧؛ تفسير كنزالدقائق، ج ١، ص ٦٠).

و مصادیق دیگر صراط مستقیم که عبارتند از:

- دین الهی: «قل إننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دیناً قیماً مله ابراهیم حنیفاً». (انعام: ۱۶۱). این آیه بیشتر جنبه عقیدتی را مشخص می کند.

- عبادت خداوند: «و ان اعبدونى هذا صراط مستقیم». (یس: ۶۲). که در این آیه به جنبه عملی اشاره شده است.

- ارتباط و پیوند با خداوند: «و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم». (آل عمران: ۱۰۱).

- راه رسالت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «بسم الله الرحمن الرحيم يس و القرآن الحكيم إنك لمن المرسلين على صراط مستقیم». (یس: ۱-۴).

- کتاب الهی: حضرت علی (علیه السلام): «أنه كتاب الله». (تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۸).

- فطرت انسانی: امام صادق (علیه السلام): «إن الصورة الانسانية هي الطريق المستقیم الی کل خیر و الجسر الممدود بین الجنة و النار». (ر.ک: تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۶).

ص: ۲۶

باید توجه داشت که شیطان در همین صراط مستقیم، کمین می زند و به اغوا می پردازد و مردم را گمراه می کند: «لأفعدنَّ لهم صراطك المستقیم؛ (۱) حتماً بر سر راه مستقیم تو کمین می کنم و آنها را از راه بدر می برم».

حضرت امام خمینی (قدس سره) در ضمن نمونه هایی از مصادیق صراط مستقیم، در مورد تفسیر و جمع این اخبار می فرماید:

این اخبار تناقضی با یکدیگر ندارند بلکه در بیان معنای صراط با هم مؤتلف است و هر یک از این ها ناظر به فردی از افراد آن هست، زیرا برای صراط و سایر معانی آن، حقیقت و روح، و صورت و قالبی است، و گاه می شود که حقیقت واحدی دارای صورتهای و قالب های متعددی است، بلکه کمتر حقیقتی یافت می شود که برای آن، صورتهای متعددی نباشد.

ص: ۲۷

۱- سوره اعراف، آیه ۱۹.

و الفاظ برای ارواح و حقایق وضع شده است نه برای قالب‌ها و صورتها، و هر گاه که یک حقیقت و روح در قالب‌های متعددی باشد جملگی به خاطر اتحاد در آن روح و حقیقت به یک نام نامیده می‌شوند، مثلاً لفظ «لوح» این کلمه عبارت از آلت نقش و نگارش صورتها در صفحه و یا لوحی است بدون اینکه توجهی به این شده باشد که این آلت از نی باشد یا از آهن یا غیر این‌ها، بلکه اصلاً جسمائیت قلم و یا محسوس بودن آن نقش در این نام گذاری اعتبار نشده است، همینطور لفظ «صراط» برای حقیقتی که سلوک و رفتن بر آن، انسان را به مقصود می‌رساند وضع شده است و این معنا، روح صراط است، و برای این روح قالب‌های متعددی است، یکی از آنها همین راه هائی است که برای رفت و آمد بین شهرها و آبادی‌ها کشیده می‌شود، یکی دیگر طریق معرف خدا، و راه تقرّب به ذات ذوالجلال الهی و جوار او در بهشت می‌باشد، که این راه عبارت از عمل به دین و شریعت، و معرفت امام و اطاعت از او، و معرفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خصوص، و معرفت و شناخت صورت انسانیت، یعنی اوصاف و اخلاق و حدود آن در این دنیا است، دیگر از مصادیق طریق و راه، پلی است که بر دوزخ کشیده شده است.

اما راه هائی که برای معرفت به خدا و تقرّب به او در این دنیا هست از میانه آنها بعضی صراط مستقیم و راه راست است، و آن همان راهی است که بین مقامی که انسان در آن هست و مقصدی که در نظر دارد راهی نزدیک تر از آن تصور نشود، و بعضی از این راهها چنین نیست، آن اولی نمی‌تواند بیش از

یک راه باشد ولی دوّمی بسیار است هر چه بخواهی از راه های کج و معوّج إلی ما شاء الله، و می توان تعداد آن ها را به اندازه نفوس آدمیانی که به مرحله کمال نرسیده اند دانست، ولی همه به یک گونه نیست بعضی از این راه ها به آن صراط مستقیم نزدیکتر، و بعضی دور، و دورتر است تا برسیم به آن راهی که راه دشمن ترین مخلوقات خدا و دورترین آن ها از جوار قرب حضرت حق هست که همان راه ابلیس و هم ردیفان او باشد. و کامل ترین راه رسیدن به جوار حق تعالی نزدیک ترین راه ها است، و آن راه کسی است که معرفتش به خدا و به اسماء و صفات و افعال او کامل ترین معارف، و اخلاق او نیکوترین اخلاق، و مزاج او متعادل ترین مزاج ها باشد، این راه از میان همه راه ها کامل ترین و نزدیکترین راه است این مطالب بالنسبه به مجموع راه ها است. اما اگر بخواهیم نسبت به هر یک از افراد بشر نزدیک ترین راه را مشخص کنیم می بایست که حال فعلی آن ها را ملاحظه کنیم.

و تفصیل این اجمال اینک: برای هر انسانی یک قوس نزولی است که از عالم غیب شروع و به این عالم ختم می گردد و یک قوس صعودی است که از این عالم شروع و به عالم غیب پایان می یابد، و انسان از هنگام تولّدش، و بلکه از اوّل پیدایش نطفه، و بلکه پیش از آن، همان تربت و خاکش در آن عالم در سیر و حرکت به سوی عالم غیب است، بلی مادامی که روح در او دمیده نشده سیرش در این عالم، و پس از دمیده شدن روح، با همان روح در عالم غیب به سیر و حرکت خواهد پرداخت، اما سیر تربت او به عالم غیب، از

جهت ترقی آن خاک از عالم جماد به عالم نبات است، و پس از این مرحله است که غذاء انسان می شود، و پس از اینکه آن خاک به صورت نبات درآمد و غذا انسان شد و با تناول آن، جزئی از بدن انسان گشت، از همین غذا نطفه پدید می آید، و سپس به صورت علقه، و پس از آن به استخوان مبدل می شود، سپس بر آن استخوان ها گوشت می روید و آفرینشی دیگر انجام می گیرد و انسانی پدید می آید: فتبارک الله احسن الخالقین. (۱)

پس از ولادت مراحل ترقی و تکامل را یکی پس از دیگری پشت سر می گذارد تا به سن بلوغ می رسد، اینجاست که عقلش کامل می گردد به گونه ای که به تشریف تکلیف مشرف می شود، و در این منزل است که او بر سر دو راهی قرار می گیرد، یا اینکه حرکت در عوالم غیب، و سیر در طریق سعادت و قرب و معرفت و بهشت را بر می گزیند، و یا اینکه قدم در راه شقاوت و دوری از خدا و جهل و پرتگاه های دوزخ می گذارد، و هر یک را که اختیار کند به اراده خود اختیار نموده، چرا که از طریق شرع و عقل راه سعادت و شقاوت و بهشت و دوزخ و قرب و بعد برای او روشن گشته است، پس یا اینست که راه سعادت را در پیش می گیرد و به تحصیل اخلاق روحانی و تکمیل ملکاتی که وسیله قرب او به خدا می شود و دستیابی به معارف اهل یقین از اهل ایمان به خدا و ملائکه و کتب و فرستادگان او، و روز قیامت می پردازد و در این راه قدم می نهد تا اینکه به علیین ملحق شود، و یا اینکه راه .

ص: ۳۰

شقاوت را برمی‌گزیند و در پی شهوات نفسانی می‌افتد و به راه شیاطین قدم می‌نهد و برای دستیابی به لذات از هر حيله و مكری استفاده می‌كند و در منجلاّب شهوات این دنیای پست، و زرق و برق آن غرق می‌شود و به خدا و ملائكه و كتب و رسولان او و روز قیامت كافر شده و منكر همه این‌ها می‌گردد و به قول قرآن به زمین می‌چسبد تا اینکه به حزب شیاطین ملحق گشته و روانه دركات دوزخ گردد.

انسان باید توجه داشته باشد كه هر حرکتی كه از روی اختیار از او سر بزند، در روح و حقیقت و قلبش اثری به جای خواهد گذاشت، حال یا آن اثر سبب تقرب او به خدا و به روحانیات می‌شود و یا اینکه باعث بُعد و دوری او از جوار حق تعالی می‌گردد، این امر حتی در مباحات هم هست، هم اثری كه در روح و قلب آدمی پدید می‌آید به منزله قدمی است كه انسان در حرکت به سوی بهشت، و یا دوزخ برمی‌دارد، پس اگر این حرکت در همین هنگام از هر حرکت دیگری كه بتوان تصور آن را نمود در حصول قرب به خداوند و رسیدن به روحانیات مؤثرتر و كارسازتر و سریعتر باشد آن قدم بر راهی برداشته شده كه نزدیکترین راه، و صراط مستقیم است، والاّ كه اگر چنین نبود هر اندازه كه این حرکت در حصول تقرب به خدا ناقص و كند باشد راه دورتر، و فاصله اش از صراط مستقیم بیشتر خواهد بود. و حكمت الهی بر این قرار گرفته كه هر عملی كه از انسان سر می‌زند، و در قرب به خدا و بعد از او در دل اثری می‌گذارد برای آن تأثیری در توفیق و خذلان قرار داده است....

حال اگر به این مطالبی که بیان شد دقت نموده باشی، برایت روشن خواهد شد که اطلاق کلمه «صراط» بر صورت انسانیت که عبارت از همان صفات انسانیت باشد، و بر امام و بر هدایت او و بر شریعت، و بر پلی که بر دوزخ کشیده شده جملگی صحیح است، زیرا همه این ها که بیان شد راه بهشت و طریق عالم نور و وسیله تقرب به خداست.

مطلب دیگر اینکه آن راه مستقیم حقیقی جز برای کسی که به خدا و به اسماء و صفات و افعال و فرشتگان و کتب و رسولان و شرایع او معرفت داشته باشد به گونه ای که هر حرکت و سکونی که از او سر می زند از روی علم و مطابق با آنچه که بدان حکم گردیده و به کم و کیف حکمت پروردگار حکیم در آن امر آگاه باشد و اخلاقی در حد اعتدال، و به دور از افراط و تفریط، و مزاجش معتدل ترین مزاجها باشد، چرا که مزاج را در افعال و اعمال انسان تأثیر بسزائی است، همانگونه که اخلاق در این زمینه مؤثر است، و با همه این ها توفیق و عصمت از جانب خداوند متعال او را یار و کمک کار باشد، تا اینکه حقیقتاً در نزدیکترین راه حرکت کند، امّا اینکه با همه این امور باز توفیق و عصمت را شرط نمودیم، بدین خاطر است که حوادث عالم نیز در این موارد تأثیراتی دارد، و آدمی بدون اینکه این دو صفت که توفیق، و عصمت باشد یار او گردد نمی تواند بر این راه ثابت و استوار باشد، و به همین خاطر است که ذات اقدس حق، معصومین (علیهم السلام) را به روح القدس مؤید نمود، بلکه چنانکه در بعضی از زیارات آمده است، بواسطه لطف و عنایتی که به آنها

دارد ریاضت دل های آنان را بوسیله خوف و رجاء خود به عهده دارد، این صراط مستقیم، بطور مطلق است.

امّا صراط مستقیم و راه راست برای هر مکلفی، عبارت از نزدیک ترین راه برای او در بین راهها است، که با توجه به صفات ذاتی او، او را به مقام قرب حضرت حق آن هم مقامی که برای او دستیابی به آن ممکن است، برساند، و این امر بدین صورت است که جمیع حرکات اختیاری انسان، در هر مرتبه ای که هست، در رساندن او به رضای پروردگار، سودمندتر و کارسازتر باشد، حتی اگر فرضاً اشتغال به نماز شبهای ماه رجب را از اشتغال به مطالعه کتب علمی برای خود نافع تر دید و یا بالعکس، و یا اینکه اگر دید چنانچه روزه مستحبی نگیرد بهتر می تواند به انجام عبادات پردازد تا اینکه روزه بگیرد و بر اثر ضعف روزه از عبادات باز ماند، نزدیکترین راه، همان راهی است که برای تقرب به خدا و جلب رضایت او نافع تر تشخیص داده شود.

بلکه گاه می شود که ترک اعمال خیر به حال انسان نافع تر است، چنانکه در روایات آمده است که بنده یک یا دو شب از تهجد و شب زنده داری محروم می گردد برای اینکه به خود عجب نکند، بلکه روایت شده که گاهی مؤمن به بعضی از لغزشها مبتلا می شود تا از عجب که گنااهش به مراتب بیش از آن لغزش است در امان بماند. و خلاصه کلام آنکه صراط مستقیم برای هر کسی و در هر شرایطی و روزی، بلکه در هر نفسی و هر حرکت و سکونی همان کار و همان عمل و همان راهی است که بالنسبه به حال حاضر، و پس از آن، در سلوک

طریق خیر و سعادت نافع تر و کارسازتر باشد، و تنها کسانی می توانند بدین گونه باشند که توفیق الهی رفیق راهشان گردد، والاّ - که با این علوم اکتسابی نمی توان این بار را به منزل رسانید، . همه این جوانب را مورد نظر قرار داد، و شاید اینکه گفته شده صراط از موی باریک تر است، با توجه به همین مطلب است، و باز پس ازدانستن این مطلب که در هر شرایطی چه کاری نافع تر است، و بعد از اینکه خداوند انسان را بدین امر هدایت نمود، عمل به آن کاری بس دشوار است و لذا گفته شده که «صراط» از شمشیر تیزتر است.

و اما آن روایتی که از مولا علی (علیه السّلام) رسیده که مراد از طلب هدایت در سوره حمد، ثبات بر هدایت پیشین است. این یا به این صورت است که مقصود از صراط مستقیم همان ایمان است چنانکه در بعضی از روایات به این مطلب اشاره شده است، و با اینکه مقصود آن حضرت مختص به خود و امثال خود از معصومین (علیهم السّلام) بوده است، چرا که آنان هستند که احوالشان نسبت به انواع هدایت ها و جهات آن، تفاوت نمی کند و مطلوب آنها این است که خداوند همانگونه که در گذشته آنها را هدایت نموده در آینده هم هدایت نماید. و معنای طلب ثبات در هدایت همین است.

و اما اینکه در بعضی از اخبار آمده است که صراط مستقیم همان صورت انسانیت است، به این معنا است که حرکت انسان به طرف کمالاتی که برای او است - که هر خیر و سعادت است که هست در همین کمالات نهفته است - یک حرکت کیفی، و حرکت جوهری است، اما طریق و راه برای

این حرکت، عبارت است از همان مراتب کیف، و صورتهائی که در پی این حرکت در جوهر انسان پدید می آید عبارت از همان ملکات شریفه و انوار معارف ربانی است، بنابراین، سالک و رهرو، جوهر انسان، و مقصد، کمال او، و راه، تحصیل این ملکات و انوار معارف و علوم است، و در این حرکت، راه، در حین حرکت و سیر و با خود حرکت است که پیدا می شود نه قبل و بعد از آن، و نور معرفت عبارت از ظهور مراتب نفس و روح و عقل است، بنابراین، همین نور، به یک لحاظ راه، و به یک لحاظ مقصد، و به یک لحاظ سالک است.

اما اینکه از حقیقت علی ابن ابی طالب و ائمه (علیهم السّلام) تعبیر به صراط شده است بدین خاطر است که این ها نور الأنوار، و اصل هر نور، و نور خداوند در عالم هستی، می باشند. پس اینان در حقیقت همان صراط مستقیم خداوندی هستند، بدون اینکه نیاز به تجوّز و لفظ را به غیر معانیش استعمال نمودن باشد، اینان همان وجه اللّهی هستند که اولیاء خدا به آنان توجّه می کنند و همان جنب اللّهی هستند که مصیر و بازگشت بندگان به سوی آنها است، چنانکه در زیار جامعه آمده است که: وایاب الخلق إلیکم: و بازگشت خلق به سوی شما است.

امّا اینکه صراط مستقیم به راه کسانی که نعمت بر آنها داده شده تفسیر شده است. ممکن است به خاطر ارشاد و راهنمایی بندگان به این حقیقت باشد که صراط مستقیم عبارت از طریق وسط، و به دور از افراط و تفریط در حق ولی، و حد میانه در اخلاق یا در حق غیر است، تا کسی چنین توهم نکند

که مقصود از صراط مستقیم، صراط و راه و روش هر نفسی است به کمالی که لایق و شایسته شخص او است و ذات و لوازم ذاتش، به حکم اقتضاء اسماء خدای متعال آن را اقتضا می کند و مثلاً صراط مستقیم را به همان راهی که به خاطر ماهیت و صفات ذاتیش او را به پائین ترین درکات دوزخ می برد تفسیر نکند، گویا آیه [صراط الذین أنعمت علیهم....] چنین می گوید: که ما را به صراط مستقیمی هدایت کن که دارای استقامت واقعی است و ما را به رضا و جوار قرب تو می رساند که آن همان راه کسانی است که بر آنها نعمت دادی از شیعیان امیرالمؤمنین، نه راه کسانی که استقامت آن، به آنچه که مقتضای ذات و صفات من است مرا می رساند و به عبارت دیگر مرا به راهی هدایت نما که مقتضای فضل و انعام تو است نه به آن راه که مقتضای عدل تو است و آن همان راه کسانی است که نعمت ولایت امیرالمؤمنین را بر آنها ارزانی داشتی.

غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین یعنی غیر آن کسانی که مورد غضب واقع شدند و راه انکار در پیش گرفتند، و یا آن کسانی که بواسطه غلو گمراه گشتند. (۱)

اعتقاد به صراط

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب «تصحیح الاعتقادات» خود در مورد اعتقاد بر صراط گوید: .

ص: ۳۶

«عقیده ما در مورد صراط این است که آن حق است و آن پلی است بر روی جهنم و همه انسان‌ها باید از آن عبور نمایند. خداوند متعال می‌فرماید: و إن منكم إلا واردها كان على ربك حتما مقضيا؛^(۱) و هیچ کس از شما نیست مگر اینکه در آن (جهنم) وارد می‌شود؛ (این حکم) حتمی است که برای پروردگارت پایان یافته است».^(۲)

در اخبار معصومین (علیهم السّلام) نیز اعتقاد به صراط از جمله صفات شیعیان شمرده شده است:

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب «صفات الشیعه» به اسناد از افضل بن شاذان از امام رضا (علیه السّلام) روایت می‌کند که حضرت فرمود: «هر کس اقرار به رجعت و بازگشت مجدد به این جهان داشته باشد، و به معراج رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و سؤال در قبر و حوض کوثر و شفاعت و خلقت بهشت و دوزخ و صراط و میزان و برانگیختن و پاداش و حساب ایمان داشته باشد، او مؤمن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت می‌باشد».^(۳)

در دعاهای بسیاری که از ائمه معصومین (علیهم السّلام) نیز نقل شده است، اشاره به حق بودن و حتمی بودن صراط آمده .

ص: ۳۷

۱- سوره مریم، آیه ۷۱. (نکته: با توجه به تأیید کلام شیخ با استفاده از این آیه، شاید به نظر آید که مرحوم شیخ (رَحْمَهُ اللهُ) جمله «واردها» در آیه را به معنی دخول و وارد شدن نمی‌دانند، بلکه آن را به معنی عبور و مرور بر آن می‌دانند). همچنانکه البهوتی، (متوفای ۱۰۵۱ قمری) عالم فقه حنبلی از اهل تسنن در کتاب «کشف القناع» خود قائل به این تفسیر است. (ر.ک: کشف القناع، ج ۲، ص ۱۸۸).

۲- نک: الاعتقادات، ص ۷۰ و نیز ر.ک: تصحیح الاعتقادات الإمامیه، ص ۱۰۸.

۳- ر.ک: صفات الشیعه، ص ۵۱؛ و نیز: بحار، ج ۶۶، ص ۹، ح ۱۱.

است، مانند زیارت آل یاسین که از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر ارواحنا له الفدا به محمد بن عبدالله حمیری در مورد درخواست از توجه به حضرت، آمده است: «و أشهد أن النّشر و البعث حق، و أن الصّراط حق، و المرصاد حق». (۱)

ابان بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق (علیه السّلام) آمد و عرض کرد: پدر و مادرم فدایت، مرا اندرزی ده.

امام (علیه السّلام) فرمود:

فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ بِالرِّزْقِ فَاهْتَمِّمْكَ لِمَاذَا؟! وَإِنْ كَانَ الرَّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ الثَّوَابُ مِنَ اللَّهِ فَالْكَسَلُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقًّا فَالْبِخْلُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَتِ الْعُقُوبَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ فَالْمَعْصِيَةُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ الْمَوْتُ حَقًّا فَالْفَرَحُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ الْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقًّا فَالْمَكْرُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ عَيْدُومًا فَالْغَفْلَةُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ الْمَمَرُّ عَلَى الصِّرَاطِ حَقًّا فَالْعَجْبُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءٍ وَ قَدَرٍ فَالْحُزْنُ لِمَاذَا؟! وَ إِنْ كَانَتِ الدُّنْيَا فَايِيَهُ فَالطُّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَاذَا؟! (۲)

«اگر خداوند تبارک و تعالی روزی آفریدگان را به عهده گرفته است، پس اندوه تو برای چیست؟ اگر .

ص: ۳۸

۱- ر.ک: بحار، ج ۹۹، ص ۸۱، ح ۱.

۲- ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۴، ح ۵۸۳۶؛ التوحيد، ص ۳۷۶، ج ۲۱.

روزی آفریدگان تقسیم شده است، پس زیاده خواهی از برای چیست؟ اگر حسابرسی خدا حقیقت دارد، پس گرد آوردن و انباشتن مال از چه روست؟ اگر عوض دهی خداوند [برای کارهای نیک] حقیقت دارد، پس بخل ورزی ز چه روست؟ اگر کیفر دوزخ وجود دارد، پس گناه و نافرمانی ز چه روست؟ اگر مرگ حقیقت دارد، پس شادمانی ز چه روست؟ اگر هر کرداری به پیشگاه پروردگار عرضه می شود و هر کاری بر او نمایان است، پس نیرنگ و فریب ز چه روست؟ اگر گذر از پل صراط حقیقت دارد، پس خود بزرگ بینی ز چه روست؟ اگر هر چیزی بر پایه قضا و قدر الهی است، پس اندوه ز چه روست؟ و اگر دنیا فنا ناپذیر است، پس اعتماد بر آن ز چه روست؟».

ویژگی های صراط

در اخبار بسیاری که از اهل بیت (علیهم السلام) رسیده است در وصف صراط فرموده اند: «بر روی جهنم پُلی است [= صراط] که از مو باریک تر و از لبه شمشیر تیزتر است».^(۱)

از این تعبیر استفاده می شود که جهنم بین خلایق و بهشت قرار دارد و لذاست که همه باید از آن عبور نمایند. .

ص: ۳۹

۱- إن علی جهنم جسراً أدق من الشعر و أحد من السیف. و فی روایه أخرى: الصراط أدق من الشعر و من حدّ السیف. (ر.ک: الکافی، ج ۸، ص ۳۱۲، ح ۴۸۶؛ أمالی شیخ صدوق، ص ۲۴۲، ح ۲۵۷؛ روضه الواعظین، ص ۴۹۸؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: مسند احمد، ج ۶، ص ۱۱۰؛ کنز العمال، ح ۳۹۰۳۶).

برخی همانند برق می گذرند، برخی مانند اسب به تاخت می روند، برخی با سینه خیز می گذرند و بعضی هم در حالی می گذرند که خود را به آن آویخته اند و آتش مقداری از بدن آنها را گرفته است.

عده ای ویژگیهای ذکر شده در مورد صراط را پذیرفته و گفته اند: [\(۱\)](#) «صحيح نیست که در مورد صراط گفته شود از مو باریک تر و از شمشیر بَرَنده تر است، بلکه صحيح آن است که گفته شود، آن عريض و طولانی می باشد»، که البته این کلام از این نظر که فقط عريض بودن ملاک باشد، قابل اعتنا نیست، چرا که روایات معتبر و فراوانی از اهل بیت (علیهم السّلام) در مورد ویژگی های ذکر شده در مورد صراط، آمده است که ظاهر و صریح آنها در آنچه گفته شد، آمده است.

ویژگی های ذکر شده برای صراط [از مو باریک تر...] می تواند به خاطر این باشد که روز قیامت، شخص کافر و مجرم از شدتی ترس و هولهای وحشتناک قیامت، نمی تواند قدمی پایدار و ثابت بر صراط گذارد، چرا که در صراط دنیا نیز قدمی ثابت انتخاب نکرد، هر روز رنگی تازه به خود گرفت و از مسیر دین دور شد.

آری، هر چه قدر انسان در این دنیا ثابت قدم باشد و بر فرائض الهی ثابت باشد و از محرّمات آن دوری کند، آنجا نیز ثابت قدم خواهد بود. چرا که آنجا آینه ای از اعمال و رفتار این سرای می باشد.

ص: ۴۰

۱- مانند قرافی که از علمای مالک مذهب اهل تسنن می باشد. (ر.ک: صالح عبد السمیع الآبی الأزهری (متوفای ۱۳۳۰ قمری)، الثمر الدانی، ص ۱۸).

حضرت امام خمینی (قدس سره) در کتاب «چهل حدیث» خود در ضمن اشاره به اعمال و رفتار انسان و رابطه آن با صراط آخرت می فرماید:

«... پس اگر حساب خود را کشیدی، در موقف حساب گرفتاری نداری و از آن باکی برای تو نیست و همین طور سایر مهالک و مواقف آن عالم تابع اعمال این عالم است. مثلاً اگر در این عالم به راه راست نبوت و طریق مستقیم ولایت قدم زده باشی و از جاده ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) اعوجاج پیدا نکرده باشی و لغزش پیدا نکنی، خوفی برای تو در گذشتن از صراط نیست، زیرا که حقیقت صراط صورت باطن ولایت است، چنانچه در احادیث وارد است که امیرالمؤمنین صراط است. و در حدیث دیگر است که «ماییم صراط مستقیم.» و در زیارت مبارکه جامعه است که *أنتم السبیل الأعظم و الصیراط الأقوم*.

و هر کس در این صراط به استقامت حرکت کند و پای قلبش نلرزد، در آن صراط نیز پایش نمی لغزد و چون برق خاطف از آن بگذرد. و همین طور اگر اخلاق و ملکاتش عادلانه و نورانی باشد، از ظلمت ها و وحشت های قبر و برزخ و قیامت و از أهوال آن عوالم در امان است، و خوفی از آن نشأت برای او نیست. پس، در این مقام درد از خود ما اسیت و دوای آن نیز در خود ما است»^(۱).

و در جایی دیگر از همین کتاب (چهل حدیث) در فصل مذمت ریا می فرمایند:

ص: ۴۱

«بسیار اتفاق افتد که شخص ریاکار خودش هم ملتفت نیست که ریا در اعمال او رخنه کرده و اعمالش ریایی و ناچیز است، زیرا که مکاید شیطان و نفس به قدری دقیق و باریک است و صراط انسانیت به طوری نازک و تاریک است که تا انسان موشکافی کامل نکند نمی فهمد چه کاره است. خودش گمان می کند که کارهایش برای خداست، ولی برای شیطان است. انسان چون مفتور به حبّ نفس است، لهذا پرده خودخواهی معایب او را بر خود او می پوشاند.

منزل اوّل انسانیت «یقظه» است. و آن بیدار شدن از خواب غفلت و هشیار شدن از سکر طبیعت است، و فهمیدن اینکه انسان مسافر است، و هر مسافر زاد و راحله می خواهد. زاد و راحله لانسان، خصال خود انسان است. مرکوب این سفر پر خوف و خطر و این راه تاریک و باریک و صراط احدّ السیف (بژنده تر از شمشیر) و ادقّ از شعر (باریک تر از مو)، همّت مردانه است. نور این طریق مظلم، ایمان و خصال حمیده است. اگر سستی کند و فتور نماید، از این صراط نتواند گذشت، به رو در آتش افتد و با خاک مذلت یکسان شده به پرتگاه هلاکت افتد. و کسی که از این صراط نتواند گذشت، از صراط آخرت نیز نتواند گذشت.

ای عزیز، همّت کن و پرده جهل و نادانی را پاره کن و از این ورطه هولناک خود را نجات ده. حضرت مولای متقیان و یگانه سالک راه و راهنمای حقیقی در مسجد فریاد می زد به طوری که همسایه های مسجد می شنیدند: تجهّزوا رحمکم الله،

فقد نودی فیکم بالرحیل. (۱) هیچ تجهیزی سفر آخرت برای شما مفید نیفتد الا کمالات نفسانیه و تقوای قلب و اعمال صالحه و صفای باطن، بی عیب بودن و بیغش بودن.

فرضاً که اهل ایمان ناقص صوری باشی، باید از این غشها خالص شوی تا در زمره سیدها و صالحین قرار گیری. رفع غش با آتش توبه و ندامت و گذشتن نفس را در کوره عتاب و ملازم و ذوب کردن آن را به آتش پشیمانی و برگشت به سوی خداست. در این عالم خودت بکن، والا در کوره عذاب الهی و نار الله الموقده قلبت را ذوب کنند و خدا می داند چند قرن از قرنهای آخرت این اصلاح طول می کشد. پاک شدن در این عالم سهل و آسان است، تغییرات و تبدیلات در این نشئه خیلی زود واقع می شود، و امّا در آن عالم تغییر به طور دیگری است و زوال یک ملکه از ملکاتش قرن ها طول دارد. پس، ای برادر تا عمر و جوانی و قوت و اختیار باقی است اصلاح نفس کن. اعتنا به این جاه و شرفها مکن، این اعتبارات را زیر پا بگذار. تو آدمزاده ای، صفت شیطان را از خود دور کنم. (۲).

ص: ۴۳

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۴، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۲۳۸: «آماده شوید و اسباب سفر خود را مهیا کنید، خدا شما را رحمت کند، همانا منادی مرگ ندای «الرحیل» در میان شما داده، و کم کنید توقف خود را بر دنیا و بیرون روید از دنیا در حالی که با خود داشته باشید زاد و توشه ای از اعمال صالحه، به درستی که در جلوی شما عقبه های «کئود» یعنی جاهای بسیار دشوار و منزلهای هولناک است که باید از آنها عبور کنید و چاره ای نیست از آن».

۲- چهل حدیث، ص ۴۸.

در برخی از روایات آمده است: «صراط، باریکتر از مو و بَرّنده تر از شمشیر است همانند سیره امیرالمؤمنین (علیه السّلام)».^(۱) چرا که زندگی آن حضرت در نهایت دقت و به تعبیری دیگر از مو باریک تر بود. آن حضرت (علیه السّلام) بیت المال را بین بزرگان از صحابه - مانند سهل بن حنیف - و دوستان فقیر خود به طور مساوی تقسیم می کرد. خشن ترین لباس ها را می پوشید که با فقرا یکسان باشد، نیمه شب ها برای یتیمان و بیوه زنان نان و خرما به دوش می کشید، هر روز جمعه مال خدا را بین مردم تقسیم می کرد سپس به بیت المال می آمد و در آن مکان نماز می خواند، در تقاضای برادرش عقیل از سهم بیت المال آتشی مقابل صورتش گرفت و اینچنین او را متنبه کرد، برای خود پایین ترین طعام ها را در نظر می گرفت. در دادخواهی اش نزد قاضی، تقاضای عدالت بین خود و دشمنش را نمود. و موارد دیگر که نمونه های فراوان آن حکایت از سیره زیبا و دقیق حضرت (علیه السّلام) دارد.

آری، سیره چینی حضرت (علیه السّلام) از مو باریک تر است، و عدالت او سرمشقی برای پیروان حضرتش خواهد بود. و لذاست که در روایات ائمه معصومین (علیهم السّلام) یکی از مصادیق صراط مستقیم، حضرت (علیه السّلام) نام برده شده است.

ص: ۴۴

۱- الصراط الممدود بین النار و الجنة كالشعره دقه، و كالسيف حده بسیره الامام أميرالمؤمنين (عليه السّلام). (ر.ك: تصحيح الاعتقادات الإمامية، پاورقی (۱)، ص ۱۰۹؛ احمد رحمانی همدانی، الامام علی (عليه السّلام)، ص ۴۷۱).

سیره و زندگی اهل بیت (علیهم السّلام) فراوان است از ناله های جانسوز و گریه هایی که برای منزل های سخت و خطرناک قیامت می نمودند، که آن نیز به خاطر آن بود که می دانستند راهی که در پیش دارند چقدر مشکل و سخت است.

مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السّلام) روایت می کند که حضرت (علیه السّلام) در مورد سیره امام حسن مجتبی (علیه السّلام) فرمود:

أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) كَانَ اعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجًّا مَاشِيًّا وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًّا وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْبَعْثَ وَ النَّشُورَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً بُعِثَ عَلَيْهِ مِنْهَا وَ كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ كَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ كَانَ عَ لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا قَالْ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ....

«حسن بن علی بن ابیطالب (علیه السّلام) عابدترین و زاهدترین و با فضیلت ترین اهل زمانش بود، همیشه پیاده به حج می رفت و بسا با پاهاى برهنه بود. همیشه چون یاد مرگ می کرد می گریست و چون یاد قبر می کرد می گریست و چون یاد قیامت و نشور می کرد

می گریست و چون یاد گذشتن بر صراط می کرد می گریست و چون یاد ملاقات با خدا می کرد ناله ای می زد که از آن بیهوش می شد و چون به نماز می ایستاد برابر خدا لرزه بر اندامش می افتاد و چون یاد بهشت و دوزخ می افتاد چون مار گزیده پریشان می شد و از خدا بهشت می خواست و به او از دوزخ پناه می برد و همیشه آیه ای از قرآن نمی تواند که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا داشت جز آنکه می گفت: لِيَكُ اللَّهُمَّ لِيَكُ. (۱)»

و چه خوب سروده شاعر که:

إلهي ليت شعري كيف حالي *** لدى الميزان أو عند الصراط

وحولي من خصومي كل شاك *** إليك صنوف ظلمي و اشتطاطي

«پروردگارا! کاش می دانستم کنار میزان و پل صراط حال من چگونه است و در آن هنگام که دشمنان و شاکیان اطراف منند و انواع ستم و یاوه گویی های من به حضور عرضه می شود».

حضرت امام (قدس سره) در مورد گریه های اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَام) برای مواقع قیامت و صراط می فرماید:

شما خیال می کنید که گریه های ائمه طاهرين و ناله های حضرت سجاد (عليه السلام) برای تعلیم بوده و می خواسته اند به دیگران بیاموزند؟ آنان با تمام آن معنویات و مقام شامخی که داشتند از خوف خدا می گریستند و می دانستند راهی که در پیش دارند .

ص: ۴۶

پیمودنش چه قدر مشکل و خطرناک است. مشکلات، سختیها، ناهمواریهای عبور از صراط، که یک طرف آن دنیا و طرف دیگرش آخرت می باشد و از میان جهنم می گذرد، خبر داشتند از عوالم قبر، برزخ، قیامت، و عقبات هولناک آن، آگاه بودند از این روی هیچ گاه آرام نداشتند همواره از عقوبات شدید آخرت به خدا پناه می بردند.

شما برای این عقبات هولناک توانفرسا چه فکری کرده و چه راه نجاتی یافته اید؟ چه وقت می خواهید در مقام اصلاح و تهذیب خود برآید؟ شما که اکنون جوانید، نیروی جوانی دارید، بر قوای خود مسلط می باشید و هنوز ضعف جسمی بر شما چیره نشده است، اگر به فکر تزکیه و ساختنیش نباشید، هنگام پیری که ضعف، سستی، رخوت و سردی بر جسم و جان شما چیره شد و نیروی اراده، تصمیم و مقاومت را از دست دادید و بار گناه و معصیت قلب را سیاهتر ساخت، چگونه می توانید خود را بسازید و مهدّ کنید؟ هر نفسی که می کشید، هر قدمی که برمی دارید، و هر لحظه ای که از عمر شما می گذرد، اصلاح مشکلتگرز گردیده مکن است ظلمت و تباهی بیشتر شود. هر چه سن بالا رود، مور منافی با سعادت انسان زیادتر شده، قدرت کمتر می گردد پس، به پیری که رسیدید دیگر مشکل است موافق به تهذیب و کسب فضیلت و تقوی شوید نمی توانید توبه کنید زیرا توبه با لفظ اتوب إلى الله تحقق نمی یابد بلکه ندامت و عزم بر ترک لازم است. پشیمانی و عزم بر ترک گناه برای کسانی که پنجاه سال یا هفتاد سال

غیبت و دروغ مرتکب شده، ریش خود را در گناه و معصیت سفید کرده اند، حاصل نمی شود» (۱).

و سخن آخر این بخش، گزیده ای از نیایش های امام سجاد (علیه السلام) که در آن حضرت، از خداوند متعال، تقاضای ثبات قدم بر صراط را، مسئلت می نمودند.

نیایش های امام سجاد (علیه السلام)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا وَاحِدًا، يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْقِصَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغِبَاتِ، يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ، يَا كَافِيَ الْمِهْمَاتِ إِكْفَانِي مَا أَهَمَّنِي، وَ أَقْضِ دِينِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اكْتُبْ لِي بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَ أَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ، وَ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَ نَصِيبًا مِنَ الْجَنَّةِ، وَ ادْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ، وَ ارْزُقْنِي مَرَافِقَهُ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي جَنَّاتِ الْخُلْدِ، وَ سُرُورِ الْإِيدِ فِي دَارِ الْمُرُوءَةِ بِمَنْكَ وَ فَضْلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ عَظَمَتِهِ، وَ بِحَقِّ الْكُرْسِيِّ وَ سِعَتِهِ، وَ بِحَقِّ الْقَلَمِ وَ جَرِيَّتِهِ، وَ بِحَقِّ اللَّوْحِ وَ حِيَاطَتِهِ، وَ بِحَقِّ الْمِيزَانِ وَ حِدَّتِهِ، وَ بِحَقِّ الصِّرَاطِ وَ .

ص: ۴۸

دِقَّتِهِ، وَ بِحَقِّ جِبْرَائِيلَ وَ أَمَانَتِهِ وَ بِحَقِّ ميكائيلَ وَ طَاعَتِهِ، وَ بِحَقِّ إِسْرَافِيلَ وَ نَفْخَتِهِ، وَ بِحَقِّ عِزْرَائِيلَ وَ صَوْلَتِهِ....

سَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَرَحَّمُ إِلَّا الْمُجِدِّدِينَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِلَى مَنْ يَفْزِعُ الْمُقْصِرُونَ؟! وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ، فَإِلَى مَنْ يَلْجَأُ الْخَاطِئُونَ؟! وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَكْرُمُ إِلَّا أَهْلَ الْإِحْسَانِ فَكَيْفَ يَصْنَعُ الْمُسِيئُونَ؟! وَ إِنْ كَانَ لَا يَفُوزُ يَوْمَ الْحَشْرِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ، فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمَذْتَبُونَ؟! سَيِّدِي إِنْ كَانَ لَا يَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ أَجَازَتْهُ بَرَاءَةُ عَمَلِهِ، فَأَنْتَى بِالْجَوَازِ لِمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ إِلَيْكَ قَبْلَ دُنُوِّ أَجَلِهِ؟! وَ إِنْ لَمْ تَجِدْ إِلَّا عَلَى مَنْ عَمَرَ بِالزُّهْدِ مَكْنُونُ سِرِّرَتِهِ، فَمَنْ لِلْمُضْطَرِّ الَّذِي لَمْ يَرْضَهُ بَيْنَ الْعَالَمِينَ سَعَى نَقِيَّتِهِ.

«خدایا اگر مهر و رحمت تو تنها شامل کوشایان در اطاعت و فرمانبرداریت گردد پس تقصیر کاران به که پناه برند؟ و اگر جز کوشش کنندگان در عبادت را نپذیری پس کوتاهی کنندگان به که التجا کنند؟ و اگر جز به نیکوکاران احسان نفرمائی پس گنهکاران بدکار چه کنند؟ و اگر بجز پرهیزکاران، شخص دیگری در روز رستاخیز برستگاری و سعادت نرسد پس بزهکاران مجرم به که استغاثه کنند؟ معبودا! اگر از پل صراط جز آن کس که برات عبور اعمال نیکی دارد نگذرد، پس کسی که

پیش از مرگ به درگاه تو توبه نکرده چگونه از آن عبور کنند؟ خدایا اگر جز آنان که بوسیله زهد و پارسائی اندرون دل خویش را آباد کرده اند دیگری را مشمول جود و بخشش خویش قرار ندهی، پس آن بیچاره درمانده ای که کوشش در میان مردم جهان او را مورد پسند نکرده است به کجا رود؟».

ص: ۵۰

عقبه های صراط

یکی از سختی های صراط، وجود عقبه ها و به تعبیر دیگر، وجود ایست و بازرسی هایی است که در آن وجود دارد.

کلام شیخ صدوق (رحمه الله)

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) در مورد عقبه های صراط گوید:

«اعتقاد ما در عقباتی که در راه محشر است، آن است که هر عقبه ای از عقبات صراط اسم واجب و فرضی است از اوامر و نواهی الهی، پس انسان به هر عقبه ای برسد که مسمی به اسم آن واجب است اگر تقصیر در آن واجب کرده است او را در آن عقبه هزار سال باز می دارند و طلب حقّ خدا در آن واجب از او می کنند، اگر بیرون آمد از آن از عهده آن به عمل صالحی که در پیش فرستاده باشد یا به رحمتی از خدا که او را دریابد، نجات می یابد، از آن و می رسد به عقبه دیگر، پس پیوسته او را از عقبه ای به عقبه دیگر می برند و نزد هر عقبه سؤال می کنند از آنچه او در صاحب اسم آن عقبه تقصیر کرده است، پس اگر از همه سلامت بیرون رفت منتهی می شود به

دار بقاء، پس حیاتی می یابد که هرگز مرگ در آن نمی باشد و ساکن می شود در جوار خدا با پیغمبران و حُجَج و صدیقین و شُفَعَا و صالحان از بندگان خدای تعالی، و اگر او را بر عقبه ای حبس کنند و طلب کنند از او حَقِّی را که تقصیر در آن کرده و نجات ندهد آن را عمل صالحی که پیش فرستاده باشد و در نیابد او را رحمتی از جانب حق تعالی، قدمش در آن عقبه می لغزد و در جهنم فرو می رود.

پناه می بریم به خدای تعالی از آن و این عقبات همه بر صراط است و اسم یک عقبه از آنها «ولایت» است که همه خلائق را نزد آن عقبه باز می دارند و از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السَّلام) و ائمه بعد از او (علیهم السَّلام) سؤال می کنند. اگر اتیان به آن کرده است از آن نجات می یابد و اگر نه، به سوی جهنم فرو می رود، چنانکه حق تعالی فرموده است: «وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (۱) نگاهشان دارید که از اینها سؤال باید بشود».

و اهمّ عقبات «مرصاد» است به معنی کمینگاه، اینست معنی قول الهی: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» (۲) بدرستی که پروردگار تو هر آینه در کمینگاه است». و حق تعالی می فرماید: به عَزَّتْ و جلال خود سوگند یاد می کنم که از من نمی گذرد ظلم ظالمی.

و اسم یک عقبه، «رحم» است، و اسم دیگری، «امانت» است و اسم دیگری «نماز»، و به اسم هر فرض یا امر و نهی، .

ص: ۵۴

۱- سوره صافات، آیه ۲۴.

۲- سوره فجر، آیه ۱۳.

عقبه ای هست که بنده را نزد آن عقبه باز می دارند و از آن فرض سؤال می کنند. (۱)

روایت امام باقر (علیه السلام)

در روایت است از امام باقر (علیه السلام) که می فرماید: پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود که:

أَخْبَرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ أَنَّ اللَّهَ لَمَّا أَلَّهُ غَيْرُهُ إِذَا وَقَفَ الْخَلَائِقُ وَجَمَعَ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ أَتَى بِجَهَنَّمَ تُقَادُ بِأَلْفِ زَمَامٍ أَخَذَ بِكُلِّ زَمَامٍ مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ مِنَ الْغَلَاظِ الشُّدَادِ وَلَهَا هِدَةٌ وَ .

ص: ۵۵

۱- اعتقادنا فی ذلك أن هذه العقبات أسم عقبه منها على حده اسم فرض، أو أمر، أو نهى. فمتى انتهى الإنسان إلى عقبه اسمها فرض، و كان قد قصر فى ذلك الفرض، حبس عندها و طولب بحق الله فيها. فإن خرج منه بعمل صالح قدمه أو برحمه تداركه، نجا منها إلى عقبه أخرى. فلا يزال يدفع من عقبه إلى عقبته، و يجبس عند كل عقبه، فيسأل عما قصر فيه من معنى اسمها. فإن سلم من جميعها انتهى الى دار البقاء، فحیی حياه لا موت فيها أبدا، و سعد سعاده لا شقاوه معها أبدا، و سكن جوار الله مع أنبيائه و حججه و الصديقين و الشهداء و الصالحين من عباده. و إن حبس على عقبه فطولب بحق قصر فيه، فلم ينجه عمل صالح قدمه، و لا أدركته من الله عزوجل رحمه، زلت قدمه عن العقبه فهوى فى جهنم نعوذ بالله منها. و هذه العقبات كلها على الصراط. اسم عقبه منها: الولايه، يوقف جميع الخلائق عندها فيسألون عن ولايه أمير المؤمنين (عليه السلام) و الاثمه من بعده (عليهم السلام) فمن أتى بها نجا و جاز، و من لم يأت بها بقى فهوى، و ذلك قوله تعالى: (وقفوهم إنهم مسئولون). و اسم عقبه منها: المرصاد، و ذلك قوله تعالى: (إن ربك لبالمرصاد). و يقول تعالى: (و عزتى و جلالى لا يجوز بى ظلم ظالم). و اسم عقبه منها: الرحم. و اسم عقبه منها: الامانه. و اسم عقبه منها: الصلاه. و باسم كل فرض أو أمر أو نهى عقبه يجبس عندها العبد فيسأل. انتهى كلام الشيخ (رَحْمَهُ اللهُ) (ر.ك: الإعتقادات شيخ صدوق، ص ۷۱؛ حق اليقين علامه مجلسى (رَحْمَهُ اللهُ)، ص ۵۶۵).

تَحَطَّمٌ وَ زَفِيرٌ وَ شَهِيْقٌ وَ إِنَّهَا لَتَزْفِرُ الزَّفْرَةَ فَلَوْ لَمَا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْرَجَهَا إِلَى الْحِسَابِ لَمَا هَلَكَتِ الْجَمِيعُ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا عُنُقٌ يُحِيطُ بِالْخَلَائِقِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ فَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ مَلَكٌ وَ لَا نَبِيٌّ إِلَّا وَ يُنَادِي يَا رَبِّ نَفْسِي نَفْسِي وَ أَنْتَ تَقُولُ يَا رَبُّ أُمَّتِي أُمَّتِي ثُمَّ يُوضَعُ عَلَيْهَا صِرَاطٌ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ عَلَيْهِ ثَلَاثُ فَنَاطِرِ الْأُولَى عَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ الثَّلَاثَةُ عَلَيْهَا رَبُّ الْعَالَمِينَ لَمَا إِلَهَ غَيْرُهُ فَيُكَلَّفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهَا فَتَحْبِسُهُمْ الرَّحْمَةُ وَ الْأَمَانَةُ فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا حَبَسَتْهُمْ الصَّلَاةُ فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا كَمَا انْتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ وَ النَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ تَزَلُّ قَدَمُهُ وَ تَثْبُتُ قَدَمُهُ وَ الْمَمَائِكُ حَوْلَهَا يُنَادُونَ يَا كَرِيمُ يَا حَلِيمُ اعْفُ وَ اصْفَحْ وَ عُمِدَ بِفَضْلِكَ وَ سَلِّمْ وَ النَّاسُ يَتَهَاوَتُونَ فِيهَا كَالْفَرَاشِ فَإِذَا نَجَّاجَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانِي مِنْكَ بَعْدَ يَأْسٍ بِفَضْلِهِ وَ مَنْهُ إِنَّ رَبَّنَا لِعَفُورٌ شَكُورٌ. (۱)

«روح الامين به من خبر داد که آن خدایي که جز او خدایي نیست هنگامی که خلائق را در رستاخیز نگاه دارد و نخستین و واپسین ایشان را گرد هم آورد در آن هنگام است که جهنم را با هزار مهار بیاورند و هر مهاری صد هزار فرشته خشن گرفته است و آن را بانگ .

ص: ۵۶

۱- ر.ک: الکافی، ج ۸، ص ۳۱۲، ح ۴۸۶؛ شرح اصول کافی، ج ۱۲، ص ۴۳۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۷۳، ح ۲۳ و ص ۵۷۲،

ح ۹.

و ناله و فریادی است، و ناله ای زند که اگر خدای متعال عذاب آن را تا پایان حساب عقب نینداخته بود همه را از میان می برد. آن گاه از جهنم زبانه ای کشیده شود که همه خلایق را خواه نیکوکار یا بدکار در بر گیرد. در آن هنگام بنده ای نیست و نه فرشته ای و پیامبر مگر آنکه فریاد زند. پروردگارا! مرا، مرا [نجات بده] و تنها تویی که می گویی: پروردگارا! اتمم را، اتمم را.

سپس بر روی آن پلی بنهند که از موباریک تر و از شمشیر تیزتر است، و بر آن پل سه بازداشتگاه قرار دارد. بر روی بازداشتگاه نخست امانتداری و رحمت قرار دارد، و روی دومی نماز، و روی سومی حسابی که خود پروردگار جهانیان که معبودی جز او نیست حساب کشد. پس به مردم دستور دهند از آن پل بگذرند. نخستین بار، رحمت و امانتداری، آنان را باز دارد، اگر از آن جا نجات یافتند نماز ایشان را نگه دارد و اگر از آن هم جان به سلامت بردند انجام کار آنها با پروردگار جهانیان است و این است مفهوم این آیه شریفه که: **إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ**.

مردم که از آن پل می گذرند گاهی پایشان می لغزد و آویزان می شوند و گاهی در جای خویش استوار می مانند و فرشتگان پیرامون آنها فریاد می زنند: ای خدای کریم و ای خدای بردبار! چشم بپوش و به فضل خویش بدانها نگر و امانشان ده، و این در حالی است که مردمان چونان پروانه در آتش می ریزند. و چون

کسی به رحمت خدا از آن نجات یابد بدان بنگرد و گوید: ستایش خدایی را پس از نومی‌دی به فضل و رحمت خود از تو نجاتم بخشید، همانا خدای ما بخشنده سپاس پذیر است».

نیز در اخبار بسیاری از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) رسیده که: روز قیامت پلی بر روی دوزخ کشیده می‌شود که اول آن موقف و جایی ایستادن برای حساب و واریسی است و آخر آن بر در بهشت است، هر که خدا را اطاعت کرده از آن می‌گذرد و به بهشت می‌رود و هر که او را معصیت نموده از دو سمت آن به آتش می‌افتد، و در وصف آن رسیده: که از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است، و مؤمن مانند برق تندرو از آن می‌گذرد.

و در بعض اخبار رسیده: صراط و پل دوزخ می‌لرزد و اهلش را می‌لرزاند به طوری که مفاصل و پیوندهای اندام ایشان به هم زده می‌شود، و مردم مانند مورچه‌های ریز در آتش می‌افتند، و جز کسی را که خدا رحم می‌کند از آن رهائی نمی‌یابند. (۱)

پرسش‌های عقبه‌های صراط

همانگونه که در بالا اشاره کردیم و احادیث بسیاری نیز در این موضوع وارد شده است، یکی از موضوعات قطعی پل صراط وجود عقبه‌ها و بازرسی‌هایی است که بر آن می‌باشد، و از این مسائل سؤال می‌نمایند: .

ص: ۵۸

۱- چهل حدیث حضرت امام (قدس سره).

یکی از پرسش های پل صراط، سؤال از ولایت حضرت علی (علیه السلام) می باشد. نمونه ای از روایات آن چنین است:

ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» خود به اسناد از ابن جبیر از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ مَالِكًا أَنْ يُسَعِّرَ النَّيِّرَانَ السَّبْعَ وَ أَمَرَ رِضْوَانَ أَنْ بُزْحِرَفَ الْجَنَانَ الثَّمَانَ وَ يَقُولُ يَا مِيكَائِيلُ مُيِّدَ الصِّرَاطِ عَلَى مَتْنِ جَهَنَّمَ وَ يَقُولُ يَا جِبْرِئِيلُ انصِبْ مِيزَانَ الْعَدْلِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ يَقُولُ يَا مُحَمَّدُ قَرِّبْ أُمَّتَكَ لِلْحِسَابِ ثُمَّ يَا مُرَّ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعْقِدَ عَلَى الصِّرَاطِ سَبْعَ قَنَاطِرَ طُولُ كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ فَرَسِيخٍ وَ عَلَى كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْأَلُونَ هَذِهِ الْأُمَّةَ نِسَاءَهُمْ وَ رِجَالَهُمْ عَلَى الْقَنْطَرَةِ الْأُولَى عَنْ وَلَائِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) فَمَنْ أَتَى بِهِ حِزَابَ الْقَنْطَرَةِ الْأُولَى كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ وَ مَنْ لَا يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِهِ سَقَطَ عَلَى أُمَّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَلَوْ كَانَ مَعَهُ مِنْ أَعْمَالِ الْبِرِّ عَمَلٌ سَبْعِينَ صَدِيقًا. (۱)

«چون روز قیامت شود خداوند متعال ملکی را امر کند که افروخته کند آتش های هفتگانه [جهنم را] و رضوان را امر کند که بهشت های هشتگانه را زینت دهد. آنگاه به میکائیل گوید که صراط را بر روی .

ص: ۵۹

۱- ر.ک: المناقب، ج ۲، ص ۳؛ تأویل الآيات، ج ۲، ص ۴۹۴، ح ۴؛ نهج اليمان، ص ۵۰۸؛ الاربعين محمد طاهر قمی، ص ۴۶۳؛ بحار، ج ۷، ص ۳۲۱، ح ۱۲ و ج ۲۷، ص ۱۱۱، ح ۸۲.

جهنم کشد و به جبرئیل گوید که میزان عدالت را زیر عرش نصب نماید. و گوید: ای محمّد! اُمّت را برای حساب بیاور. سپس خداوند تبارک و تعالی امر کند که بر صراط، هفت کمینگاه (گذرگاه) بسته شود که طول هر یک از آن، هفده هزار فرسخ راه است و بر هر کمینگاهی هفتاد هزار ملک است که از مرد و زن این امت در گذرگاه اول از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السّلام) و دوستی اهل بیت محمّد (علیهم السّلام) سؤال می کنند، پس هر کس آن را ادا نموده باشد همچون برق جهنده یاز این گذرگاه عبور می نماید و هر کس یا اهل بیت پیامبر (علیهم السّلام) را دوست نداشته باشد، از سر در جهنم انداخته می شود، حتّی اگر اعمال نیک هفتاد صدّیق همراه او باشد».

ابن شاذان قمی (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب «مأه منقبه من مناقب أمير المؤمنين (عليه السّلام)» نیز به اسناد از ابی سعید خدری روایت می کند که گوید: از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شنیدم که می فرمود:

إذا كان يوم القيامة أمر الله تعالى ملكين يقعدان على الصراط، فلا يجوز [بهما] أحدا إلا براءة، على بن أبي طالب (عليه السّلام)، و من لم تكن له براءة، أمر الله تعالى الملكين الموكلين على الجواز أن يوقفاه و يسألاه، فلما عجز عن جوابهما فيكبا على منخريه في و ذلك قوله تعالى «وقفوهم إنهم مسؤولون» (١).

ص: ٦٠

«هنگامی که روز قیامت شود خداوند تبارک و تعالی دو ملک را امر می کند که بر صراط بایستند، و کسی را اجازه عبور ندهند مگر اینکه براثت نامه ای از علی بن ابیطالب (علیه السلام) داشته باشد، در غیر اینصورت او را نگه می دارند، و در مورد علی (علیه السلام) از او سؤال می کنند، اگر از جواب دادن عاجز بماند، به امر خداوند تبارک و تعالی آن دو ملک او را به صورت در آتش می اندازند و این است معنای کلام الهی که فرمود: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ؛ (۱) نگاهشان دارید که از اینها سؤال باشد بشود».

ابوسعید می گوید: عرض کردم: یا رسول الله، پدر و مادرم فدای تو باد، منظور از براثتی که علی (علیه السلام) عطا می کند چیست؟ فرمود:

«نوشته ای است با نور ساطع و درخشان به این متن: لا أله إلا الله محمد رسول الله علی ولی الله».

قاضی نعمان مغربی (رَحْمَهُ اللهُ) (متوفای ۳۶۳ قمری) که از عالمان شیعی است، نیز در کتاب شرح الأخبار خود به نقل از ابن عباس روایت کرده است که:

یوقف الناس علی الصراط فیسألون عن ولایه علی (علیه السلام)..

ص: ۶۱

«مردم بر صراط نگه داشته می شوند تا از ولایت حضرت علی (علیه السلام) از آنان سؤال شود».

امانت داری و صله رحم

دیگر از مسائلی که در پل صراط از آن می پرسند، بحث امانت داری و صله رحم می باشد. هر کس به این دو فریضه عمل نموده باشد، به سلامت از این گذرگاه عبور می نماید.

حسین سعید اهوازی از امام محمّد باقر (علیه السلام) روایت کرده که: مردی آمد نزد حضرت ابی ذر (رَحْمَهُ اللهُ) و او را به اولاد آوردن گوسفندانش بشارت داد، و گفت: ای ابوذر! مژده باد تو را که گوسفندان او را آورده و بسیار شدند! فرمود: مرا بسیاری ایشان مسرور نمی سازد و این را دوست ندارم، آنچه کم باشد و کفایت کند نزد من بهتر است از آنچه بسیار باشد و مشغول کند، همانا شنیدم که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می فرمود:

حَافِتِيَا الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ (۱) وَ الْأَمِيَانَةُ فَإِذَا مَرَّ الْوَصِيُولُ لِلرَّحِمِ الْمُؤَدِّي لِلْأَمِيَانَةِ نَفَذَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِذَا مَرَّ الْخَائِنُ لِلْأَمِيَانَةِ الْقَطُوعُ لِلرَّحِمِ لَمْ يَنْفَعُهُ مَعَهُمَا عَمَلٌ وَ تَكْفَأُ بِهِ الصِّرَاطُ فِي النَّارِ. (۲)

«رحم و امانت روز قیامت در دو جانب صراطند، چون صله رحم کننده و امانت نگهدار بر صراط گذرد به .

ص: ۶۲

۱- البته می توان آن را به سکون نیز خواند [همچنانکه برخی آن را چنین نیز خوانده اند]، که معنای آن به معنی رحم کردن می باشد، نه صله رحم.

۲- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۶۸، ح ۲۷۱۶۹.

بهشت رسد، و چون خائن امانت و قاطع رحم از آن بگذرد، هیچ عملی با وجود این دو گناه سودش نبخشد و صراط در آتش دوزخ سرنگونش کند».

یعنی: «یک طرف صراط در قیامت، امانت است و طرف دیگرش، رحم، وقتی انسانی که به ارحام و بستگانش رسیدگی داشت و امانتدار بود، بخواهد عبور کند، به بهشت می رسد، اما اگر فرد خائن در امانت و بی اعتنا به بستگان بخواهد عبور نماید، اعمال دیگرش برایش فایده ای نداشته و صراط او را به آتش می اندازد».^(۱)

دادخواهی از مظلوم

یکی از مهمترین عقبه های صراط، «مرصاد» نام دارد که خداوند متعال در این عقبه، خود در کمین طالمان و ستمگران است. و آیه ۱۳ سوره فجر [إِنَّ رَبَّكَ لَبَلْمُرْصَادِ] نیز به همین مطلب اشاره دارد.

شیخ کلینی به اسناد خود از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که در تفسیر این آیه [إِنَّ رَبَّكَ لَبَلْمُرْصَادِ] فرمود: (آن کمینگاه) پلی است بر صراط که از آن نگذرد بنده ای که مظلومه و حقوقی از دیگران بر گردن اوست.^(۲)

الب ارسلان و پیرزن

ملا احمد نراقی در کتاب «معراج السعاده» نقل کرده که: سلطان ملک شاه سلجوقی در کنار زاینده رود شکار می نمود، ساعتی در مرغزاری آسایش نمود. یکی از غلامان .

ص: ۶۳

۱- غفاری ساروی، حسین، آئین بندگی و نیایش، ص ۱۴۸.

۲- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱، ح ۲؛ الرسالة السعدیه، ص ۱۴۹؛ ثواب الاعمال، ص ۲۷۲.

خاص، گاوی را در کنار نهری دید که می چرید، آن را ذبح کرد و پاره ای از گوشتش را کباب نمود. آن گاو از پیره زنی بود که چهار یتیم داشت و وجه معیشتشان از شیر آن حاصل می شد. چون آن عجوزه [پیرزن] از این واقعه مطلع شد دود از نهاد او بر آمد و مقنعه از سر کشیده بر سر پلی که گذرگاه آن سلطان بود نشست تا سلطان به آنجا رسید. با قد خمیده از جای جست و با دیده گریان روی به سلطان کرده گفت: ای پسر «الب ارسلانو» اگر داد مرا در سر این پل نمی دهی در سر پل صراط دست دادخواهی بر آرم و دست خصومت از دامنم برندارم. بگو تا از این دو پل کدام را اختیار می کنی؟

سلطان از هیبت این سخن بر خورد بلرزید و پیاده گشته گفت: مرا طاقت سر پل صراط نیست بگو تا چه ستم بر تو شده؟ پیره زال صورت حال را به موقف عرض رسانید. سلطان متأثر گشته اول فرمود: تا آن غلام را به سزایش رسانیدند. و به عوض آن ماده گاو، هفتاد گاو، و به روایتی دویست گاو از سر کار خاصه به آن پیره زال دادند. گویند که: چون ملک شاه از دنیا رفت آن پیره زال بر سر قبر او نشست و گفت: پروردگارا من بیچاره بودم او مرا دستگیری کرد امروز او بیچاره است تو او را دستگیری کن. یکی از نیکان، سلطان را در خواب دیده گفت: خدا با تو چه کرد؟ گفت: اگر نه دعای آن پیره زن بود مرا عذابی می کردند که اگر بر همه اهل زمین قسمت می نمودند همگی معذب می شدند. (۱).

ص: ۶۴

باید توجه داشته باشیم که خداوند متعال در همین دنیا نیز در کمین ظالمان و ستمگران می باشد، و جزای بسیاری از آنها را در همین دنیا می دهد:

رضاخان و کشتن دو جوان

مرحوم حاج سیدرضا بهاءالدینی (رَحْمَهُ اللهُ) گوید: اوایل حکومت رضاخان بود. او شبی از شبها وارد قم شد و در کوچه و خیابان رفت و آمد می کرد و برای ارباب مردم شهر، دو جوان را دستگیر کرد و بدون آنکه - در ظاهر - کاریکرده باشند و محاکمه و سؤال و جوابی در میان باشد، آن دو را در مقابل چشمان مردم به قتل رسانید!

بنده از این کار زشت و کشتار ناجوانمردانه این مرد وحشی بسیار ناراحت شدم؛ ولی از این که چرا این اشخاص انتخاب شدند، در حیرت بودم. نزد خود گفتم باید حسابی در کار باشد. تحقیق کردم و از افرادی درباره یکی از آن دو نفر پرسش کردم. گفتند: روز قبل از این حادثه گربه ای را گرفته و برای تفریح و خوشگذرانی خود و به خنده انداختن دیگران، نفت بر سر حیوان ریخته و زنده زنده او را آتش زده و این گونه فردای آن روز به دست ظالمی دیگر، به سزای عمل خود رسیده است.

آیت الله شاه آبادی (رحمه الله) و سرهنگ شهربانی

نیز نقل شده است روزی مرحوم آیت الله محمدعلی شاه آبادی (رَحْمَهُ اللهُ) برای استحمام به حمام محله خود می روند زمانی که از حمام خارج می شوند دقت زیادی داشتند که ترشّحی نشود تا نجس شوند، این کار باعث توجه یک سرهنگ شهربانی در حمام می شود، او با زبان گزنده ای که داشت

ایشان را مورد نکوهش قرار می دهد تا اینکه مرحوم شاه آبادی بدون توجه به او از حمام خارج می شود.

فردای آن روز وقتی معظّم له در بیرون منزلشان مشغول تدریس بودند، به ناگه صدای «لا اله الا الله» عده ای که مرده ای را تشییع می کردند توجه ایشان را جلب می نماید و سؤال می کنند چه کسی مرده است؟ عرض می کنند همان سرهنگی بود که به حضرت تعالی جسارت کرد. در سر زبانش تبخال جوشی زد و بر اثر همان سریعاً فوت کرد. مرحوم آیت الله شاه آبادی می فرمایند: ای کاش پاسخ او را می دادم تا لافل نمی مرد.

از این حکایت نتیجه می گیریم که انسان باید مواظب زبانش باشد و با زبان قلب کسی را آتش نزند، مخصوصاً جسارت به کسی که مورد توجه خداست، تحقیر کردن کسی که عزیز و محبوب خداست در روایت به منزله اعلام جنگ کردن با خدا تلقی شده است، لذا در چنین مواقعی غیرت حقتعالی کار خودش را خواهد کرد. (۱)

نماز

به فرموده روایات ائمه معصومین (علیهم السّلام) یکی از پرسشهای صراط دربار «نماز» می باشد. پرسش از اینکه با نماز چه کردی؟ آیا آن را اقامه نمودی؟ چگونه به این فریضه مهمّ الهی عمل کردی؟ و....

روایت شده که وجود مقدس نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: .

ص: ۶۶

چون بنده به نماز ایستد و به چیزی جز معبود (سبحانه و تعالی) توجه کند، خداوند فرماید: بنده من به چه می اندیشی مگر از من مهربان تر و بزرگوارتر سراغ داری؟ و اگر بار دیگر وجه خود به جایی معطوف دارد، فرماید، بنده من، آن کیست که از من بهتر یافته و به او توجه کرده ای؟ و چون بار سوم، به غیر خداوند متعال توجه کند، حق تعالی او را از رحمت خود دور و مهجور سازد و به فصاحت تمام به او گوید:

«فضحك الله فی الملا الا علی کما فضحتنی علی رؤوس الاشهاد: یعنی خداوند تو را در برابر عالم بالا رسوا و مفتضح سازد، همانگونه که مرا نزد همگان، رسوا و مفتضح نمودی»^(۱).

مرا غرض ز نماز آن بود که یک ساعت *** غم فراق تو را با تو زار بگذارم

و گرنه این چه نمازی بود که من بی تو *** نشسته روی به محراب و دل به بازارم

یکی از بزرگان را از چگونگی نماز پرسیدند، گفت: «چون وقت نماز در آید، وضو می سازم و به جائی که می خواهم نماز گزارم می روم، و می نشینم تا اعضاء و جوارحم آرام گیرد، سپس به نماز می ایستم، و کعبه را میان ابروان خود قرار می دهم، و صراط را در زیر گام خودم و بهشت را در طرف راست، و جهنم را در طرف چپ، و فرشته مرگ را در پشت سر به نظر می آورم، و پندارم که این آخرین نماز من است. پس میان امید و بیم قرار می گیرم، و تکبیره الاحرام می گویم، و قرآن را شمرده قرائت می کنم، و با فروتنی رکوع .

ص: ۶۷

۱- نک: نشان از بی نشانها، ص ۳۲۹.

می‌کنم، و با خشوع به سجده می‌روم، و بر سرین چپ می‌نشینم، و پشت قدم چپ را فرش می‌سازم و قدم راست را بر ابهام قرار می‌دهم، و با اخلاص نماز را تمام می‌کنم، با این حال نمی‌دانم که نمازم قبول شده یا نه» (۱).

سؤال از مال

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: «در قیامت صاحب مالی را می‌آورند که خدا را درباره آن اطاعت کرده و مال او در پیش روی اوست، و چون به صراط می‌رسد هرگاه رفتن بر او مشکل شود مالش به او می‌گوید: بگذر که تو حق خدا را در من ادا کردی. سپس دنیا داری را می‌آورند که خدا را اطاعت ننموده، دلش نزد اوست، و چون بخواهد از صراط بگذرد و رفتن نتواند مال او گوید: وای بر تو چرا حق خدا را در من نپرداختی؟ و پیوسته چنین خواهد بود تا به عذاب و جهنم افتد و هلاک شود» (۲).

طبرانی [از عالمان اهل سنت، متوفای ۳۶۳ قمری] نیز با اسناد خود از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت کرده که فرمود:

«چون بنده ای بر صراط آید از بدهی هایش از او سؤال کنند، و به او گویند آنها را بپردازد. گوید: اینجا برایم چیزی نیست. پس از حسناش آنقدر بردارند که تمام شود، و چیزی.»

ص: ۶۸

۱- ر.ک: معراج السعاده، ص ۴۹۷.

۲- نک: علم اخلاق اسلامی، ج ۲، ص ۶۷.

از حسنات برای او باقی نماند، ندا شود گناهان طلبکار را برداشته و بر او گذارید، و به آتش انداخته شود» (۱).

آنچه در روایات [بیشتر روایات کتب اهل سنت که از مقاتل بن سلیمان و ایفیع بن عبدالکلاعی نقل شده است]، در مورد سؤال از خمس و زکات در صراط روایت شده است، نیز ملحق به همین مال می شود.

و عقبه های دیگر که هر کدام پرسش در مورد اوامر یا نواهی الهی می باشد، که از آنها سؤال می شود.

مانند حج و عمره و ماه رمضان و لایمان که این موارد بیشتر در روایات کتب اهل تسنن بدان اشاره شده است. (۲).

ص: ۶۹

۱- إن فی جهنم جسرا له سبع قناطر علی أوسطهن القضاء فیجاء بالعبء حتی إذا انتهى إلى القنطرة الوسطی قیل له ماذا علیک من الدین و تلا هذه الآیه: (ولا یکتبون الله حدیثا) قال فیقول یا رب علی کذا و کذا فیقال له اقض دینک فیقول ما لی شیء و ما أدری ما أقضی فیقال خذوا من حسناته فما زال یؤخذ من حسناته حتی ما تبقى له حسنه حتی إذا أفنیت حسناته قیل قد فنیت حسناته یقال خذوا من سیئات من یطلبه فرکبوا علیه. (ر.ک: المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۰۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۴، ص ۶۹؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۳۵۴؛ کنز العمال، ح ۴۴۲۳۸؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۴۸).

۲- دو نمونه حدیث آن چنین می باشد: - أخرج ابن أبی حاتم عن ایفیع بن عبد الکلاعی قال ان لجهنم سبع قناطر و الصراط علیهن فیحبس الخلائق عند القنطرة الاولی فیقول قفوهم انهم مسؤولون فیحاسبون علی الصلاه و یسألون عنها فیهلك فیها من هلك و ینجو من نجا فإذا بلغوا القنطرة الثانیة حوسبوا علی الامانه کیف أدوها و کیف خانوها هیهلك من هلك و ینجو من نجا فإذا بلغوا القنطرة الثالثه سئلوا عن الرحم کیف وصلوها و کیف قطعوها فیهلك من هلك و ینجو من نجا و الرحم یومئذ متدلیه إلى الهوی فی جهنم تقول اللهم من وصلنی فصله و من قطعنی فاقطعه و هی التي یقول الله ان ربک بالمرصاد. - و عن مقاتل بن سلیمان قال: أقسم الله ان ربک بالمرصاد یعنی الصراط، و ذلک ان جسر جهنم علیها قناطر علی کل قنطره ملائکه قیام و جوههم مثل الجمر و أعینهم مثل البرق یسألون الناس فی أول قنطره عن الايمان و فی الثانیه یسألونهم عن الصلوات الخمس و فی الثالثه یسألونهم عن الزکاه و فی الرابعه یسألونهم عن شهر رمضان و فی الخامسه یسألونهم عن الحج و فی السادسه یسألونهم عن العمره و فی السابعه یسألونهم عن المظالم فمن أتى بما سئل عنه كما أمر جاز علی الصراط و الاحبس فذلک قوله ان ربک بالمرصاد. (ر.ک: المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۰۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۴، ص ۶۹؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۳۵۴؛ کنز العمال، ح ۴۴۲۳۸؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۴۸).

عقبه كؤودا (عقبه اى سخت)

انس گوید: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در ذیل آیه (فلا اقتحم العقبه) فرمود:

انس قال: قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فى قوله تعالى: (فلا اقتحم العقبه): إن فوق الصراط عقبه كؤودا طولها ثلاثه آلاف عام: ألف عام هبوط، و ألف عام شوک و حسک و عقارب و حیات، و ألف عام صعود، أنا أول من يقطع تلك العقبه، و ثانى من يقطع تلك العقبه على بن أبى طالب (عليه السّلام). و قال بعد كلام: لا يقطعها فى غير مشقه إلا محمّد و أهل بيته (عليهم السّلام). (1).

ص: ۷۰

۱- ر.ك: المناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۶؛ بحار، ج ۸، ص ۶۶، ح ۷؛ تتمه الحقائق الناضره، ج ۱، ص ۱۷۱؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۲۶۴.

«بالای صراط عقبه کژوداست [عقبه ای سخت و بد عبور] که طول آن سه هزار سال راه است و هزار سال پایین رفتن و هزار سال سختی راه و خار گیاهان تیز و عقرب ها و مارها و هزار سال بالا رفتن، من اولین کسی هستم که این عقبه را طی می کنم و دومین کسی که این عقبه را طی می کند علی بن ابیطالب (علیه السّلام) است.»

سپس پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: «همه، این عقبه را با سختی طی می کنندم، جز محمّد و اهل بیتش (عَلَيْهِمُ السَّلَام)».

حکایت سید عبدالکریم نیلی نجفی (رَحْمَهُ اللهُ)

و سخن آخر حکایتی که شیخ عباس قمی (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب «منازل الآخرة» نقل کرده است که:

سید اکمل مؤید، علامه نحیر بهاء الدینی سیدعلی بن سید عبدالکریم نیلی نجفی (رَحْمَهُ اللهُ) که جلالت شأنش بسیار، و مناقبش بی شمار است و تلمیذ شیخ شهید و فخر المحققین است در کتاب «انوار المضيئه» در ابواب فضایل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السّلام) به مناسبتی این حکایت را از والدش نقل کرده که: در قریه نیله که قریه خودشان باشد شخصی بود که تولیت مسجد آن قریه با او بود، روزی از خانه بیرون نیامد، او را طلبیدند عذر آورد که نمی توانم، چون تحقیق کردند معلوم شد که بدن او به آتش سوخته سوای دو طرف رانهای او تا طرف زانوها که از آسیب سوخته محفوظ مانده و دیدند درد و ألم او را بیقرار کرده.

سبب آن را از او پرسیدند، گفت: در خواب دیدم که قیامت بر پا شده و مردم در حرج عظیمند و بسیار به آتش می روند و من از کسانی بودم که به بهشت مرا فرستادند، همین که رو به بهشت می رفتم به پلی رسیدم که عرض و طول آن بزرگ بود، گفتند این صراط است؛ پس ما از آن عبور کردیم و هر چه از آن طی می کردیم عرضش کم، و طولش بسیار می گشت تا رسید که مثل تیزی شمشیر شد، نگاه کردیم در زیر آن دیدیم که وادی بسیار بزرگی است و در آن، آتش سیاهی است و در آن، جمره هایی مثل قلّه کوه ها، و مردم بعضی نجات می یابند و بعضی در آتش می افتند و من پیوسته میل می کردم از طرفی به طرف دیگری مثل کسی که بخواهد بیفتد تا خود را رسانیدم به آخر صراط، به آنجا که رسیدم نتوانستم خودداری کنم که ناگاه در آتش افتادم و فرو رفتم در میان آتش، پس خود را رساندم به وادی و هر چه دست انداختم دستم به جایی بند نشد و آتش مرا پائین می کشید به قوت جریان خود و من استغاثه می کردم، عقل از من پریده بود، پس مُلهم شدم به آنکه گفتم: یا علی بن ابیطالب، پس نظر افکندم دیدم مردی به کنار وادی ایستاده، در دلم افتاد که او علی بن ابیطالب (علیه السلام) است. گفتم: ای آقای من یا امیرالمؤمنین، فرمود: دست خود را بیاور نزدیک، پس کشیدم دست خود را به جانب آن حضرت، پس گرفت دست مرا و کشید مرا بیرون و افکند مرا در کنار وادی، پس آتش را از دو طرف ران من دور کرد به دست شریف خود که من وحشت نموده از خواب

جستم و این حال خود را دیدم که ببینید سالم نمانده بدن من از آتش مگر آنجائی که امام دست مالیده.

پس مدت سه ماه مرهم کاری کرد تا سوخته ها بهتر شد و بعد از آن کم بود که نقل کند این حکایت را جهت احدی مگر آنکه تب او را می گرفت. (۱).

ص: ۷۳

۱- منازل الآخرة، ص ۱۱۹.

عبور مردم از صراط

حسین بن سعید اهوازی (متوفای قرن دو هـ.ق) در کتاب «الزهد» خود و نیز شیخ صدوق (رَحِمَهُ اللهُ) در کتاب «أمالی» خود به اسناد از ابوصیر از امام صادق (علیه السّلام) روایت کرده اند که فرمود:

النَّاسُ يَمُرُّونَ عَلَى الصِّرَاطِ طَبَقَاتٍ: وَالصِّرَاطُ أَدْقُ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ الْبَرَقِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ عَدُوِّ الْفَرَسِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ حَبَوًّا وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مُتَعَلِّقًا قَدْ تَأَخَذَ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَتَتْرُكُ شَيْئًا. (۱)

«مردم در گذشتن از صراط به چند گروه تقسیم می شوند و پل صراط باریک تر از موی و بَرَنده تر از لبه شمشیر است، برخی مانند برق می گذرند، برخی؛

ص: ۷۶

۱- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص ۱۷۷، ح ۲۵۷؛ روضه الواعظین، ص ۴۹۹؛

مانند اسب به تاخت می روند، برخی با سینه خیز می گذرند و بعضی در حالی می گذرند که خود را به آن آویخته اند و آتش مقداری از بدن آنها را گرفته است».

از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نیز روایت شده که فرمود:

مردم بر صراط باشند، برخی آویزان، بعضی لغزان و برخی پابرجا.

و در جایی دیگر فرمودند:

وَالنَّاسُ عَلَى الصَّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ وَقَدَمٌ تَزَلُّ وَقَدَمٌ تَسْتَمْسِكُ. (۱)

«در گذشتن از صراط برخی از مردم چون برق می گذرند، و برخی چون چشم به هم زدنی و برخی مانند اسیان و شتران تندرو و برخی مانند افراد پای بسته. پس عده ای حتماً نجات می یابند و عده ای زخمی و خونی به آهستگی می گذرند و عده ای در آن (دوزخ) می افتند».

و فرمود:

وَالنَّاسُ عَلَيْهِ كَالْبَرْقِ وَكَطَرْفَةِ الْعَيْنِ وَكَأَجَاوِدِ الْخَيْلِ وَالرُّكَّابِ وَشَدَّاءَ عَلَى الْأَقْدَامِ، فَنَاجٍ مُسَيِّئٌ، وَمَخْدُوشٍ مُرْسَلٌ، وَمَطْرُوحٍ فِيهَا. (۲)

ص: ۷۷

۱- ر.ک: الکافی، ج ۸، ص ۳۱۲، ح ۴۸۶؛ أمالی شیخ صدوق، ص ۱۷۷؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۱؛ روضه الواعظین، ص ۴۹۸؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۲۷؛ بحار، ج ۷، ص ۱۲۶.

۲- ر.ک: صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۸۲؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۱۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۳۰، ح ۴۲۸۰، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷ و ج ۶، ص ۱۱۰ و....

«عده ای از صراط همچون برق می گذرند و عده ای همچون باد و به عده ای نوری داده می شود که جلوی پایشان را روشن می بینند و عده ای چهار دست و پا می گذرند و به سبب گناहانی که کرده اند آتش قسمتی از آنها را می گیرد».

از این روایت دانسته می شود که صراط تاریک است و مردمان به قدر نور خود آن را طی می کنند. نوری که به کمک اعمال خود در این دنیا کسب نموده و آنجا آن را جلوه می دهند.^(۱)

و این نور، بستگی به قُرب انسان به نور حضرت حق دارد، هر چه قدر انسان به حق تعالی قرب پیدا کند نور وجودش بیشتر می شود و به تبع آن از صراط عبورش سریع می گردد. و لذا در روایات تعبیر شده که عده ای همچون چشم بر هم زدن عبور می نمایند و عده ای سینه خیز و این به تفاوت شناخت انسان از حق تعالی می باشد.

ص: ۷۸

۱- اشاره به روایت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) «يرد الناس الصراط، ثم يصدرون عنها باعمالهم فاولها كلمح البرق ثم كالريح، ثم كحصر الفرس ثم كالكواكب في رهاه، ثم كشد الرجل ثم كمشيه»: مردم کنار پل صراط می رسند و سپس به کمک اعمال خود از آن می گذرند. گروهی به سرعت برق، گروهی دیگر به سرعت باد و گروهی دیگر همچون اسبی که در حال تاخت و تاز است و گروهی همچون حرکت ستاره در مدار خود و گروهی چون مردی که در حال دویدن باشد و گروهی همچون راه رفتن معمولی. (ر.ك: سنن ترمذی، ج ۴، ص ۳۷۸؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۵۳).

اشاره

در مجموع عواملی که باعث پایداری قدم ها بر صراط می گردد عبارتند از:

امید به رحمت خدا

عبدالرحمان بن سَیْمَره گوید: روزی نزد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بودیم فرمود: من دیشب عجایبی دیدم. عرض کردیم: یا رسول الله جان ما و اهل و اولاد ما فدای شما، چه دیدید؟ آن را برای ما نقل فرمائید.

فرمود: (۱)

رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَ قَدْ أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَهُ فَجَاءَهُ بِرُّهُ بِوَالِدَيْهِ فَمَنَعَهُ مِنْهُ؛ وَ رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ بُسِطَ عَلَيْهِ عِذَابُ الْقَبْرِ فَجَاءَهُ وَضُوءُهُ فَمَنَعَهُ مِنْهُ؛ وَ رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ احْتَوَشَتْهُ الشَّيَاطِينُ فَجَاءَهُ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَجَاءَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ؛ وَ رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَلْهَثُ عَطْشًا كُلَّمَا وَرَدَ حَوْضًا مَنَعَ مِنْهُ؛ .

ص: ۸۱

۱- به خاطر زیبایی و اهمیت حدیث، تمام روایت نقل شده است.

فَجَاءَهُ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَسَقَاهُ وَأَرَوَاهُ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدِ احْتَوَشَتْهُ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ فَمَنَعَتْهُ مِنْهُمْ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَالنَّبِيُّونَ حَلَقًا حَلَقًا كُلَّمَا أَتَى حَلَقَهُ طُرِدَ فَجَاءَهُ اغْتِسَالُهُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَجْلَسَهُ إِلَيَّ جَنِبِي؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ ظُلْمَةٌ وَمِنْ خَلْفِهِ ظُلْمَةٌ وَعَنْ يَمِينِهِ ظُلْمَةٌ وَعَنْ شِمَالِهِ ظُلْمَةٌ وَمِنْ تَحْتِهِ ظُلْمَةٌ مُسْتَنْفَعًا فِي الظُّلْمَةِ فَجَاءَهُ حُجُّهُ وَعُمَرَتُهُ فَأَخْرَجَاهُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَأَدْخَلَاهُ النُّورَ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يُكَلِّمُ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يُكَلِّمُونَهُ فَجَاءَهُ صِلَاتُهُ لِلرَّحِمِ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ كَلِّمُوهُ فَإِنَّهُ كَانَ وَاصِلًا لِرَحِمِهِ فَكَلَّمَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَصَدَفُوهُ وَكَانَ مَعَهُمْ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَتَّقِي وَهَجَّ النَّيْرَانَ وَشَرَّهَا بِيَدِهِ وَوَجْهَهُ فَجَاءَتْهُ صِدْقَتُهُ فَكَانَتْ ظِلًّا عَلَى رَأْسِهِ وَسِتْرًا عَلَى وَجْهِهِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدِ أَخَذَتْهُ الزَّبَانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَجَعَلَاهُ مَعَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي جَائِعًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَحْمَةِ اللَّهِ حِجَابٌ فَجَاءَهُ حُسْنُ خُلُقِهِ فَأَخَذَهُ بِيَدِهِ وَأَدْخَلَهُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا

مِنَ أُمَّتِي قَدْ هَوَتْ صَيْحِيْفَتُهُ قَبْلَ شِمَالِهِ فَجَاءَهُ خَوْفُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ صَيْحِيْفَتُهُ فَجَعَلَهَا فِي يَمِينِهِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَجَاءَهُ إِفْرَاطُهُ فِي صَيْلَاتِهِ فَتَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ [فَجَاءَهُ أَفْرَاطُهُ فَتَقَلُّوا مَوَازِينَهُ]؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَائِمًا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ فَجَاءَهُ رَحِيْأُوهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاسْتَنْفَذَهُ مِنْ ذَلِكَ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ هَيَّوَى فِي النَّارِ فَجَاءَتْهُ دُمُوعُهُ الَّتِي بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فَاسْتَخْرَجَتْهُ مِنْ ذَلِكَ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصُّرَاطِ يَرْتَعِدُ كَمَا يَرْتَعِدُ السَّعْفَةُ فِي يَوْمِ رِيحٍ عَاصِفٍ فَجَاءَهُ حُسْنُ ظَنِّهِ بِاللَّهِ فَسَيَّرَهُ رَعْدَتُهُ وَ مَضَى عَلَى الصُّرَاطِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصُّرَاطِ يَزْحَفُ أَحْيَانًا وَ يَحْبُو أَحْيَانًا وَ يَتَعَلَّقُ أَحْيَانًا فَجَاءَتْهُ صَلَاحَاتُهُ عَلَى فِاقَمَاتِهِ عَلَى قَدَمَيْهِ وَ مَضَى عَلَى الصُّرَاطِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي انْتَهَى إِلَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ كُلَّمَا انْتَهَى إِلَى بَابٍ أُغْلِقَ دُونَهُ فَجَاءَتْهُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا بِهَا فَفَتَحَتْ لَهُ الْأَبْوَابَ وَ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (١)

«مردی از ائمترا دیدم که ملک الموت آمده بود جانش را بگیرد و احسان به پدر و مادر آمد و او را بازداشت، .

ص: ٨٣

١- ر.ك: أمالی شیخ صدوق، ص ٣٠٢، ح ٣٤٢؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ١١٣.

مردی از امتم را دیدم که عذاب قبر بر او چنگال گشوده وضویش آمده و آن را بازداشت، مردی از امتم را دیدم که شیاطین گردش را گرفته بودند ذکر خدا عزوجل آمد از میان آنها نجاتش داد، مردی از امتم را دیدم که فرشته های عذاب دورش کرده بودند و نمازش آمد و جلو آنها را گرفت، مردی از امتم را دیدم که از تشنگی له له می زد و به هر حوضی می رسید ممنوع می شد، روزه ماه رمضان آمد و او را سیراب کرد، مردی از امتم را دیدم که به هر حلقه ای از انبیاء نزدیک می شد او را می راندند و غسل جنابتش آمد دست او را گرفت و پهلوی من نشانید، مردی از امتم را دیدم که از شش جهت در تاریکی فرو بود حج و عمره اش آمدند و او را از تاریکی درآوردند و به روشنی رسانیدند، مردی از امتم را دیدم که با مؤمنان سخن می گفت و با او سخن نمی گفتند و صله رحمش آمد و گفت: ای گروه مؤمنان با او سخن کنید که او صله رحم می کرد مؤمنان با او سخن کردند و دست دادند و با آنها همراه شد، مردی از امتم را دیدم که دست و روی خود را سپر شراره آتش کرده بود، صدقه اش آمد سرپوش سر و سپر روی او شد، مردی از امتم را دیدم که مأموران دوزخ او را از هر سو در گرفته بودند و امر به معروف و نهی از منکرش آمدند و او را از دست آنها رها کردند و به ملائکه رحمت سپردند، مردی از امتم را دیدم که به زانو درآمده و میان او و رحمت خدا پرده ایست، حُسن خلقش آمد و او را وارد رحمت خدا کرد، مردی از امتم را دیدم که نامه عملش از سمت چپ روان بود خوف او از خدا آمد و نامه

عملش را گرفت و به دست راستش داد، مردی از اَتم را دیدم که میزانش سبک بود و بسیاری از نمازها را خوانده بود آمد و میزانش را سنگین کرد، مردی از اَتم را دیدم که بر پرتگاه دوزخ بود و امید او به خدا آمد و او را نجات داد، مردی از اَتم را دیدم در آتش سرازیر بود اشک ها که از خوف خدا ریخته بود آمدند او را در آوردند، مردی از اَتم را دیدم چون شاخه خرما در برابر باد سخت بر صراط می لرزید، خوش گمانی او به خدا آمد و او را آرام کرد و از صراط گذشت، مردی از اَتم را دیدم روی صراط گاهی سینه می کشید و گاهی سر دست می رفت و گاهی آویزان می شد صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و او را بر پا داشت و از صراط گذشت، مردی از اَتم را دیدم که به درهای بهشت می رفت و به هر دری می رسید به روی او بسته می شد شهادت او به یگانگی خدا از روی راستی آمد و درهای بهشت را به روی او گشود».

پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم السّلام)

ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا (علیه السّلام) و آن حضرت از پدران بزرگوار خویش (علیهم السّلام) روایت کرده که حضرت علی (علیه السّلام) فرمود: پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اینچنین به من فرمود:

.... أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَحُوزُ الصِّرَاطَ مَعِيَ وَان رَّبِّي عَزَّ وَجَلَّ اقْسَمَ بَعَزَّتْهُ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ عَقْبَهُ الصِّرَاطَ إِلَّا مَنْ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بُولَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْإِثْمَةِ مِنْ وَلَدِكَ. (۱)

«یا علی! توئی اوّل کسی که از صراط با من بگذرد و پروردگار به عزّت خود قسم یاد کرده که احدی از آستانه صراط نگذرد مگر آنکه بسبب دوستی تو و دوستی ائمه و اولاد تو برائت از آتش جهنم حاصل کرده باشد».

نیز فرمود:

انه لا يجوز على الصراط الا من كان معه كتاب من ولايه على بن ابي طالب (عليه السلام). (۱)

«عبور بر صراط جایز نیست مگر برای کسی که همراه او نوشته ایاز ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) باشد».

امام باقر (علیه السلام) از پدران بزرگوار خود (علیهم السلام) نقل می کند که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند:

من سره أن يجوز على الصراط كالريح العاصف و يلج الجنه بغير حساب، فليتول و لبي و وصبي و صاحبي و خليفتي على أهلي و أمتي على بن أبي طالب، و من سره أن يلج النار فليترك ولايته، فرعه ربي و جلاله إنه لباب الله الذي لا يؤتى إلا منه، و إنه الصراط المستقيم، و إنه الذي يسأل الله عن ولايته يوم القيامة. (۲).

ص: ۸۶

۱- ر.ك: كاشف الغطاء، شيخ جعفر، كشف الغطاء، ج ۱، ص ۱۱.

۲- ر.ك: أمالي شيخ صدوق، ص ۳۶۳، ح ۴۴۷؛ بشاره المصطفى، ص ۹۴، ح ۵۱؛ بحار، ج ۳۸، ص ۹۸، ح ۱۶؛ الامام على (عليه السلام)، ص ۴۶، ح ۷.

«هر که را خوش آید که چون برق جهنده بر صراط گذرد و بی حساب به بهشت رود، باید ولایت ورزد با ولی و وصی و رفیق و جانشین من بر خاندان و ائمه علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ و هر که را خوش آید به دوزخ رود ترک ولایتش کند، به عزت و جلال پروردگرم که او است باب الله که جز از آن نیایند و او است صراط مستقیم و او است که روز قیامت از ولایتش پرسش شود».

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

إذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على سفير جهنم لم يجر عليه إلا من كان معه كتاب بولايه على بن ابى طالب (عليه السلام) و لمحبيه ايضاً المرتبه العاليه. (۱)

«هنگامی که روز قیامت شود و صراط را بر آتش سخت جهنم گذارند، هیچ کس از صراط عبور نمی نماید مگر اینکه همراه او ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) باشد».

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

يا على بشر شيعتك و أنصارك بخصال عشر: أولها طيب المولد، وثانيها حسن إيمانهم بالله، و ثالثها حب الله .

ص: ۸۷

۱- ر.ك: ابن البطريق، العمده، ص ۳۶۹، ح ۷۲۶؛ سيد بن طاووس، الطرائف، ص ۸۲، ح ۱۱۴؛ ابن جبر، نهج الايمان، ص ۵۰۶؛ كشف اليقين، ص ۳۰۴؛ شرح اصول کافی، ج ۵، ص ۸۵؛ بحار، ج ۲۷، ص ۱۴۱، ح ۱۴۸.

عزوجل لهم، و رابعها الفسحة في قبورهم، و خامسها النور على الصراط بين أعينهم، و سادسها نزع الفقر من بين أعينهم، . غنى قلوبهم، و سابعها المقت من الله عزوجل لاعدائهم، و ثامنها الامن من الجذام [و البرص و الجنون]، يا علي و تاسعها انحطاط الذنوب و السيئات عنهم، و عاشرها هم معي في الجنة و أنا معهم. (۱).

«ای علی! شیعیان و یاران خویش را به ده ویژگی مزده ده: حلال زاده هستند ایمان درستی به خداوند دارند، خدای گرامی و بزرگ آنان را دوست دارد، فراخی گور دارند، بر روی پل صراط پرتوی راه را بر ایشان روشن می سازد، تهی دستی از نزدشان رخت بر می بندد و دلهایشان استوار و بی نیاز است، خدا با دشمنانشان دشمنی می کند و بر آنان سخت می گیرد، از جذام و برص و دیوانگی در امانند، ای علی، گناهان و بدیهایشان فرو می ریزد و در بهشت آنان با من و من با ایشان هستم».

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

أَنْ وَلِيَّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَرَاءَةٌ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَيْثُ يَسْرُهُ عِنْدَ الْمَوْتِ يَوْمَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْحَوْضِ. (۲).

ص: ۸۸

۱- ر.ك: الخصال، ص ۴۳۰، ح ۱۰؛ مشكاه الأنوار، ص ۱۵۰؛ روضه الواعظين، ص ۲۹۳؛ أعلام الدين، ص ۴۵۰؛ بحار، ج ۲۷، ص ۱۶۲، ح ۱۲.

۲- ر.ك: من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۳۶۹؛ منتهی المطلب، ج ۱، ص ۴۶۹.

«دوست و طرفدار امیرالمؤمنین (علیه السّلام) آن حضرت را در سه موضع می بیند به گونه ای که شادمانش سازد: اول به هنگام مرگ، دوم نزدیک صراط یا هنگام عبور از صراط، و سوم در کنار حوض کوثر».

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

معرفة آل محمد (عليهم السّلام) برائه من النار و حبّ آل محمد (عليهم السّلام) جواز على الصراط و الولاية لآل محمد (عليهم السّلام) أمان من العذاب. (۱)

«شناخت خاندان محمد (عليهم السّلام) باعث بیزاری از آتش، و دوستی خاندان محمد (عليهم السّلام) وسیله عبور از صراط، و ولایت خاندان محمد (عليهم السّلام) سبب ایمنی از عذاب است».

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

يا على! إخوانك يفرحون في ثلاثه مواطن: عند خروج أنفسهم و أنا شاهدهم و أنت، و عند المسأله في قبورهم، و عند العرض الاكبر، و عند الصراط إذا سئل الخلق عن إيمانها فلم يجيبوا. (۲)

ص: ۸۹

۱- ر.ك: الشفا بتعريف حقوق المصطفى، القاضي عياض، ج ۲، ص ۴۷؛ الأربعين محمد طاهر قمی، ص ۴۷۵؛ كشف الغطاء، ج ۱، ص ۸؛ النص و الاجتهاد، ص ۵۴۵.

۲- ر.ك: أمالی شیخ صدوق، ص ۶۵۶، ح ۸۹۱؛ فضائل الشيعه، ص ۱۵؛ المحتضر، ص ۱۵؛ بحار، ج ۳۹، ص ۳۰۷، ح ۱۲۲؛ الامام علی (عليه السّلام)، ص ۴۲۶.

«ای علی! برادرانت در سه جا شادند: هنگام جان دادن که من بالین آنهایم و تو هنگام سؤال و جواب در قبر وقت سان بزرگ و در صراط که از خلق بازپرسی کنند و نتوانند جواب دهند».

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

یا علی! إذا كان يوم القيامة أقعد أنا و جبرئيل على الصراط فلا يجوز أحد إلا من كان معه براءة بولايتك. (۱)

«ای علی! چون روز قیامت شود، من و تو و جبرئیل بر صراط می نشینم و هیچ کس از صراط نخواهد گذشت مگر اینکه پروانه ولایت تو را با خود داشته باشد».

زید حشام گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رفتم، به من فرمود:

يَا زَيْدُ جَدِّدْ عِبَادَةَ وَ أَحْدِثْ تَوْبَةً. قَالَ نَعَيْتَ إِلَيَّ نَفْسِي جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ يَا زَيْدُ مَا عِنْدَنَا خَيْرٌ لَكَ وَ أَنْتَ مِنْ شَيْعَتِنَا قَالَ وَ قُلْتُ وَ كَيْفَ لِي أَنْ أَكُونَ مِنْ شَيْعَتِكُمْ قَالَ فَقَالَ لِي أَنْتَ مِنْ شَيْعَتِنَا إِلَيْنَا الصُّرَاطُ وَ الْمِيزَانُ وَ حِسَابُ شَيْعَتِنَا وَ اللَّهُ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ كَأَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ رَفِيقِكَ فِي دَرَجَتِكَ فِي الْجَنَّةِ. (۲)

ص: ۹۰

۱- ر.ك: تصحيح اعتقادات الإماميه، شيخ مفيد، ص ۱۰۸؛ بشاره المصطفى، ص ۱۹۶، ح ۱۳؛ روضه الواعظين، ص ۱۲۸؛ تأويل الآيات، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲- ر.ك: بصائر الدرجات، ص ۲۸۵، ح ۱۵؛ دلائل الامامه طبري، ص ۲۸۱، ح ۲۲۴.

«ای زید! عبادت را از سر بگیر و توبه کن. عرض کردم: آقا خبر مرگ به من می دهید. فرمود: زید! آنچه نزد ما است برای تو بهتر است، تو از شیعیان مائی. عرض کردم: آقا آیا ممکن است من از شیعیان شما باشم؟! فرمود: بلی تو از شیعیان ما هستی، صراط و میزان حساب شیعیان به دست ما است، به خدا قسم من به شما از خودمان مهربانترم و گوئی می بینم تو و رفیقت را در بهشت».

شناخت اهل بیت (علیهم السلام)

اصبغ بن نباته (رَحِمَهُ اللهُ) گوید: نزد امیرمؤمنان (علیه السلام) نشسته بودم که ابن کَوَّاء آمد و عرض نمود: ای امیرمؤمنان، مفاد آیه: (وَ عَلَى الْأَعْرَافِ (۱) رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ) (۲) چیست؟ .

ص: ۹۱

۱- اعراف بنابر آنچه در تفاسیر آمده است: گذرگاه مرتفع و سختی است میان بهشت و جهنم، که مانع از مشاهده یکدیگر بهشتیان و جهنمیان می شود، و افرادی که خوبی و بدی را به هم آمیخته باشند در این مسیر وا می مانند. علی بن ابراهیم قمی (رَحِمَهُ اللهُ) در تفسیر خود (تفسیر قمی) از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «اعراف، تپه ای است میان بهشت و دوزخ، و امامان آن مردانی هستند که بر اعراف در کنار شیعیان (گناهکارشان) قرار می گیرند، در حالی که مؤمنان خالص بدون نیاز به حساب در بهشت جای گرفته اند.... امامان و پیشوایان در این موقع به پیروان گناهکار خود می گویند خوب نگاه کنید، برادران با ایمان خود را چگونه بدون حساب به سوی بهشت شتافته اند، و این همان است که خداوند می گوید: (وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ) (اعراف: ۴۶): یعنی: «آنها به بهشتیان درود می فرستند در حالی که خودشان هنوز وارد بهشت نشده اند و آرزو دارند». سپس به آنها گفته می شود، دشمنان حق را بنگیرد که چگونه در آتشند و این همان است که خداوند می فرماید: (وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) بعد به دوزخیان می گویند اینها (پیروان و شیعیانی که آلوده گناهای بوده اند) همانها هستند که شما می گفتید هرگز مشمول رحمت الهی نخواهند شد، (سپس رحمت الهی شامل حال آنها شده) و به این دسته از گناهکاران (که بر اثر ایمان و اعمال صالحی شایستگی عفو و آمرزش دارند) از طرف امامان و پیشوایان دستور داده می شود که به سوی بهشت بروید نه غمی دارید و نه ترسی». (ر.ک: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۹۰).

۲- سوره اعراف، آیه ۴۶: «و بر اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو را از سیمایشان می شناسند».

امام (علیه السّلام) فرمود:

نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ، نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسَيِّمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفْنَا. (۱)

«ما بر اعراف هستیم و یاران خود را از سیمای آنها می شناسیم و ما اعراف (و عارفان به حضرت حق هستیم) که خداوند متعال جز از طریق شناخت و معرفت ما شناخته نمی شود و ما هستیم که بین بهشت و جهنم .

ص: ۹۲

۱- ر.ک: بصائر الدرجات، ص ۵۱۶، ح ۶؛ این روایت به نقل مقرّن از امام صادق (علیه السّلام) نیز روایت شده است. (نک: الکافی، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۹).

می ایستیم. کسی وارد بهشت نمی شود مگر اینکه ما او را بشناسیم و او ما را بشناسد. و کسی وارد آتش نمی شود مگر اینکه ما او را نشناسیم و او ما را نشناسد».

دوست داشتن اهل بیت (علیهم السّلام)

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

أَثْبِتْكُمْ قَدَمًا عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدَّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي. (۱)

«پایدارترین شما بر صراط، کسی است که محبتش به اهل بیت من بیشتر باشد».

جابر بن عبدالله انصاری گوید: روزی نزد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بودم که صورت خود را به جانب علی بن ابی طالب (علیه السّلام) کرد و فرمود:

أَلَا أُبَشِّرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ! قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ هَذَا جِبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ أَعْطَى شَيْعَتَكَ وَ مُجِيبِكَ سَبْعَ خَصَائِلٍ: الرَّفْقَ عِنْدَ الْمَيُوتِ وَ الْأُنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَ النُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْفَرَعِ وَ الْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ الْجَوَازَ عَلَى الصِّرَاطِ وَ دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ النَّاسِ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ. (۲)

ص: ۹۳

۱- ر.ك: فضائل الشيعة، ص ۴۸، ح ۳.

۲- ر.ك: الخصال، ص ۴۰۳، ح ۱۱۲؛ روضه الواعظين، ص ۲۹۷.

«ای ابوالحسن آیا به تو مزده ندهم؟ گفت: آری یا رسول الله. فرمود: اینک جبرئیل به من از جانب خداوند خبر می دهد که به شیعیان و دوستانان تو هفت خصلت عطا کرده است: آسانی در هنگام مرگ و انس در هنگام وحشت و نور در تاریکی و امتی در هنگام فزع قیامت و عدل و داد در میزان عمل و عبور از پل صراط و وارد شدن در بهشت پیش مردم. نور آنان در برابر آنان و سمت راستشان است».

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَنْ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَغْفِرِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا حَيَاءً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْكِرَامَةِ وَ أَلْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا مَرَّ عَلَى الصُّرَاطِ كَمَا تَبْرَقُ الْخَاطِطُفِ وَ لَمْ يَرِ ضِعُوبَهُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةً مِنَ النَّفَاقِ وَ جَوَازاً عَلَى الصُّرَاطِ وَ أَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَمْ يَنْشُرْ لَهُ دِيْوَانٌ وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصُّرَاطِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صَافَحَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَتْهُ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ أَلَا

وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُعْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ كُنْتُ أَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ. (۱)

«بدانید، کسی که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد فرشته ای از زیر عرش الهی صدایش می کند و گوید ای بنده خدا عمل خالصی شروع کردی خداوند گناهان ترا بیامرزد، هر کس علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد مانند ماه تابان شب چهارده به صحرای محشر وارد می گردد، کسی که او را دوست داشته باشد تاجی بر سر او گذاشته شده و لباسهای عزت بر او پوشانیده می شود، کسی که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد از پل صراط مانند برق جهنده می گذرد، هر که او را دوست داشته باشد امان از آتش دوزخ و عذاب الهی و اجازه عبور از صراط به وی عطا می شود و برای او حسابی نیست و دیوان عمل او را باز نمی کنند و اعمال او را نمی سنجند و به او می گویند بدون حساب به بهشت داخل شو، کسی که دوستدار علی (علیه السلام) است فرشتگان با وی مصافحه کنند و انبیا زیارتش نمایند و خداوند متعال حاجاتش را برآورد، کسی که آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را دوست بدارد از پس دادن حساب و سنجش اعمال و لغزش از پل صراط ایمن .

ص: ۹۵

۱- ر.ک: فضائل الشیعه، ص ۵؛ بشاره المصطفی، ص ۷۰، ح ۲؛ نهج الایمان، ص ۲۷؛ تأویل الآیات، ج ۲، ص ۸۶۴؛ بحار، ج ۲۷، ص ۱۱۵، ص ۸۹.

است، شخصی که بر دوستی آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بمیرد من ضامن بودن او با انبیا در بهشت، بر حذر باشید کسی که بر دشمنی آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بمیرد بوی بهشت را استشمام نمی کند».

حارث همدانی (رَحِمَهُ اللهُ) گوید: روزی خدمت امیرالمؤمنین (علیه السَّلام) رفتم، فرمود: چه سبب شد که اینجا آمدی؟ عرض کردم: به خدا قسم، (فقط) دوستی شما. فرمود:

قال (علیه السَّلام): ان كنت صادقاً لتراني في ثلاثه مواطن: حيث تبلغ نفسك هذه - و أوماً بيده الي حنجرته - و عند الصراط، و عند الحوض. (۱)

«اگر راست گفته باشی حتماً مرا در سه جایگاه می بینی: موقعی که جانت به اینجا برسد - و حضرت به انگشت اشاره به حنجره خود نمودند - و نزد پل صراط و کنار حوض کوثر».

امام باقر (علیه السَّلام) از پدران بزرگوار خویش (علیهم السَّلام) روایت می کند که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به علی (علیه السَّلام) فرمود:

يَا عَلِيُّ مَا ثَبَّتُ حُبُّكَ فِي قَلْبِ أَمْرِي مُؤْمِنٍ فَزَلَّتْ بِهِ قَدَمُهُ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَّا ثَبَّتَ لَهُ قَدَمٌ حَتَّى يُدْخِلَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِحُبِّكَ الْجَنَّةَ. (۲)

ص: ۹۶

۱- ر.ك: الدعوات راوندی، ص ۲۴۹، ح ۶۹۹؛ بحار، ج ۶، ص ۱۹۵، ح ۴۶.

۲- ر.ك: امالی شیخ صدوق، ۶۷۹، ح ۹۲۷؛ فضائل الشیعه، ص ۶.

«ای علی! دوستی تو در قلب مرد مؤمنی پا بر جا نشود، مگر اینکه خداوند متعال قدم او را بر صراط پایدار نگه دارد و او را به سبب دوستی تو وارد بهشت گرداند».

حضرت علی (علیه السلام) از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت کرده که فرمود:

.... ثُمَّ يُنَادِي مَنَادٌ مِّنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْقِيَامَةِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ فَهَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تَمُرٌّ عَلَى الصَّرَاطِ فَتَمُرُّ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَشِيعَتُهَا عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ. (۱)

«چون روز رستاخیز شود ندا کننده ای از طرف خداوند فریاد زند: ای اهل قیامت! چشمان خود را ببندید، این فاطمه دختر محمد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است که می خواهد از صراط عبور کند، پس فاطمه (علیها السلام) عبور نماید و شیعیان و دوستان او چون برق جهنده از صراط می گذرند».

و در روایتی دیگر آمده که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٌ تَحْتَ الْحُجْبِ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكَّسُوا رُءُوسَكُمْ فَهَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ تُرِيدُ أَنْ تَمُرَّ عَلَى الصَّرَاطِ. (۲).

ص: ۹۷

۱- ر.ک: ثواب الاعمال، ص ۲۲۰.

۲- ر.ک: مسند زینب علی، ص ۴۶۰؛ فوائد العراقيين ابن نقاش، ص ۷۷؛ ذخائر العقبی، ص ۴۸؛ کنز العمال، احادیث: ۳۴۲۰۹-

«چون روز رستاخیز شود ندا کننده ای فریاد زند: ای اهل محشر چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به پایین افکنید، اینک فاطمه دختر محمّد رسول خدا می خواهد از صراط عبور کند».

در برخی روایات آمده که: همراه حضرت زهرا (علیهاالسلام) هفتاد هزار کنیز از حورالعین می باشد که همراه آن حضرت مانند برق از صراط عبور می نمایند. (۱)

محمّد بن جعفر بن راشد که یکی از راویان اهل سنت است، روایت کرده که:

پدرم به من گفت که: من از حسین بن علوان شنیدم که او از سعد بن طریف شنیده که اصیغ بن نباه گفته: روزی در مجلس منور شاه اولیا، علی المرتضی (علیه السلام) نشسته بودم که، عبدالله بن کوّاء آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین، مرا آگاه کن از تفسیر آیه «وَعَلَى الْاَعْرَافِ رِجَالٌ» (۲). آن حضرت فرمود که:

ای پسر کوّاء! آگاه باش ما که اهلیت نبوت و معدن رسالتیم، فردای قیامت زمام اختیار به دست ما دهند و خطاب عزّت به ما رسد، که آن کس که اهل دوزخ باشد، او را به دوزخ فرستید و هر که از اهل بهشت است، او را به بهشت در آرید. آن کسانی که در دار دنیا نصرت ما کرده باشند و در محبت ما کوشیده و شراب محبت ما نوشیدند ایشان را به .

ص: ۹۸

۱- ر.ک: دلائل الامامه ابن جریر (متوفای اوائل قرن چهارم هجری)، ص ۱۴۲، ح ۴۹.

۲- اعراف، آیه ۴۶.

علامات دوستی بشناسیم و به تعظیم تمام در بهشت عنبر سرشت در آریم. و آنان که در این جهان، عداوت ما ورزیده باشند و ایذا و آزار به محبان ما رسانیده، ایشان را به علامات بغض بشناسیم و به عذا جحیم و عقاب الیم رسانیم. (۱)

در روایت دیگر است: حارث همدانی، که یکی از محبان امیر متقیان است و اکثر اوقات در ملازمت آن حضرت می بود، روزی به آن حضرت عرض نمود: یا امیرالمؤمنین! من از دو حالت ترسان و هراسانم، یکی در حالت جان دادن و دوم در حالت گذشتن از صراط.

حضرت فرمود: ای حارث! بشارت باد تو را که من دوستان خود را در این دو حالت فرو نگذارم و در این دو وقت، خود را به ایشان رسانم و من ایشان را بشناسم و ایشان نیز مرا بشناسند، و من شفیع ایشان باشم و آتش دوزخ را گویم که: ایشان را بگذار که از محبان و مخلصان من هستند، و ایشان را به مقصد خود رسانم. (۲)

زیارت اهل بیت (علیهم السلام)

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب امالی خود از ابن عباس نقل می کند که گفت: یک روز پیغمبر معظم اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نشسته بود، ناگاه امام حسن (علیه السلام) آمد و پیامبر خدا پس از دیدن او .

ص: ۹۹

۱- ر.ک: شرح مصباح الشریعه، ص ۳۶۲.

۲- همان.

گریان شد، و به امام حسن (علیه السلام) فرمود: الیّ الیّ یا بنی! یعنی: ای پسر کوچک و عزیزم! نزد من بیا، رسول خدا او را همچنان نزد خویشان برد تا وی را بر سر زانوی راست خود نشانید. تا آنجا که فرمود:

وَأَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ ابْنِي وَوَلَدِي وَبَضْعَةٌ مِنِّي وَقُرَّةُ عَيْنِي وَضِيَاءُ قَلْبِي وَثَمَرَةُ فُؤَادِي وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَإِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ تَذَكَّرْتُ مَا يَجْرِي عَلَيْهِ مِنَ الذُّلِّ بَعْدِي فَلَمَّا يَزَالُ الْأَمْرُ بِهِ حَتَّى يُقْتَلَ بِالسَّمِّ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَبَكَّى الْمَلَائِكَةُ وَالسَّبْعُ الشَّدَادُ لِمَوْتِهِ وَيَبْكِيهِ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الطَّيْرُ فِي جَوْ السَّمَاءِ وَالْحَيْثَانِ فِي جَوْفِ الْمَاءِ فَمَنْ بَكَاهُ لَمْ تَعَمْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَعْمَى الْعُيُونُ وَمَنْ حَزَنَ عَلَيْهِ لَمْ يَحْزَنْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَحْزَنُ الْقُلُوبُ وَمَنْ زَارَهُ فِي بَقِيَعِهِ ثَبَّتَتْ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. (۱)

«این حسن پسر من، از من، نور چشم من، روشنی قلب من، میوه دل من، بزرگ جوانان اهل بهشت، حجت خدا است برای امت، امر او امر من، قول وی قول من می باشد. کسی که تابع حسن گردد از من و کسی که از فرمان او سرپیچ باشد از من نخواهد بود. .

ص: ۱۰۰

هنگامی که من به حسن نظر کردم به یاد آن ذلت هائی آمدم که بعد از من خواهد دید! وضع حسن همچنان خواهد بود تا اینکه بوسیله زهر کشته خواهد شد. در همان موقع است که ملائکه و آسمانهای هفت گانه برای شهادت او گریان می شوند و هر چیز برای مظلومیت حسن گریه می کنند، حتی پرندگان هوا و ماهیان دریا. هر کسی برای حسنم گریه کند چشمش در آن روزی که کلیه چشمها کور می شوند کور نخواهد شد. کسی که برای او محزون گردد قلبش در آن روزی که همه قلب ها محزون می شوند محزون نخواهد شد. هر کسی حسنم را در بقیع زیارت کند قدم او در آن روزی که قدم ها در صراط می لغزند لغزش نخواهد یافت».

به سند صحیح و در کتبی معتبر، از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی روایت شده که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود:

مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَيْثِي أُخْلِصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَعِنْدَ الْمِيزَانِ. (۱).

ص: ۱۰۱

۱- ر.ک: من لا- يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸۴؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۳، ح ۱۸۹؛ الخصال، ص ۱۶۸، ح ۲۲۰؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۸۵؛ المقنعه شیخ مفید، ص ۴۷۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۸۵، ج ۱۶۹؛ الدروس شهید اول، ج ۲، ص ۱۴؛ کامل الزیارات، ص ۵۰۶، ح ۷۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۱، ح ۱۹۷۹۹.

هر کس مرا در غربت زیارت کند من به روز قیامت در سه جا به نزد او خواهم آمد تا از ترسهای آن ها نجاتش بخشم: هنگامی که نامه های اعمال مردم از راست و چپ پُران شود و در نزد صراط و در نزد میزان».

صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَنُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ، وَنُورٌ فِي الْجَنَّةِ. (۱)

«بر من زیاد درود و صلوات فرستید که آن نور در قبر و نوری بر پل صراط، و نوری در بهشت می شود».

و در روایتی دیگر حضرت (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

رَأَيْتُ رِجَالَ ضُفَى فِي الْمَنَامِ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصِّرَاطِ يَرْجِفُ أَحْيَانًا وَيَجْبُوا أَحْيَانًا وَيَتَعَلَّقُ أَحْيَانًا فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ عَلَيَّ وَإِقَامَتُهُ عَلَيَّ قَدَمِيهِ حَتَّى مَضَى عَلَى الصِّرَاطِ. (۲)

«در خواب مردی از امت خودم را بر پل صراط دیدم که سخت افتان و خیزان بود. گاه آویخته می شد و گاهی به جلو برمی داشت و گاهی به عقب می رفت..»

ص: ۱۰۲

۱- ر.ك: بحار، ج ۷۹، ص ۶۴ و ج ۹۱، ص ۷۰؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۴۶۶.

۲- ر.ك: روضه الواعظین، ص ۳۲۲.

در این هنگام صلوات فرستادن او بر من آمد و او را استوار داشت تا از پل صراط بگذرد».

وضو گرفتن

انس بن مالک گوید: روزی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به من فرمود:

يَا أَنَسُ أَسْبَغِ الْوُضُوءَ تَمَّرًا عَلَى الصَّرَاطِ مَرَّ السَّحَابِ وَ أَفْشِ السَّلَامَ يَكْثُرُ خَيْرٌ بَيْتِكَ أَكْثَرَ مِنْ صَدَقَةِ السَّرِّ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

«ای انس وضو را کامل بگیر (و آب را به همه اعضای وضوء برسان) تا از پل صراط همانند ابر بگذری و سلام را آشکارا بگو تا خیر و برکت خانه ات زیاده شود و صدقه پنهانی بسیار ده که صدقه به پنهانی دادن آتش خشم پروردگار عزوجل را خاموش می کند».

آداب وضو را رعایت کردن، دعاهای آن را قرائت نمودن، نیز باعث پایداری بر صراط می گردد.

به سند معتبر روایت شده است که حضرت علی (علیه السلام) در دعای وضو برای مسخ پا چنین می فرمود:

اللَّهُمَّ تَبَّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصَّرَاطِ [ثُبَّتِنِي عَلَى الصَّرَاطِ] يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يَرْضِيكَ عَنِّي. (۲).

ص: ۱۰۳

۱- ر.ك: الخصال، ص ۱۸۱، ح ۲۴۶؛ وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۴۸۹، ص ۱۲۹۳.

۲- ر.ك: الكافي ج ۳، ص ۷۱، ح ۶؛ فقه الرضا (عليه السلام)، ص ۷۰؛ المقنعه، ص ۴۶.

«خدایا دو گامم را بر صراط بر جا دار روزی که گامها بلغزند و تلاشم را بدان کاری قرار ده که ترا از من خشنود کند».

و قرائت این دعاها در وضو اثر گذاشته و حق عضو (پا) را ادا می کند و همین باعث می گردد که انسان از محرمات الهی دوری کند. (۱)

ثابت بن دینار (ابوحزمه ثمالی) گوید: امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

وَ حَقُّ رِجْلَيْكَ أَنْ لَا تَمْشِيَ بِهِمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ فِيهِمَا تَفُفْ عَلَى الصِّرَاطِ فَانظُرْ أَنْ لَا تَزِلَّ بِكَ فَتَرُدَّ فِي النَّارِ. (۲)

«حق پا بر تو این است که به وسیله آن به سوی محرمات حرکت نکنی، چه اینکه فردای قیامت با همین پاها بر صراط می ایستی پس مواظب باش که پاهایت از صراط نلغزد که در آتش جهنم خواهی افتاد».

محافظت بر نمازهای پنجگانه

از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت شده که فرمود: .

ص: ۱۰۴

۱- امروزه این تأثیر بوسیله آزمایش و علوم تجربی به اثبات رسیده است. «کیوموتو» دانشمندی است که در این باره تحقیق کرده و تحت عنوان «مولکول آب» بسیاری از فرضیات را به اثبات رسانیده است و لذاست که هر کلامی - چه خوب چه بد - در انسان تأثیر گذار است.

۲- ر.ک: تحف العقول، ص ۲۵۷؛ بحار، ج ۷۱، ص ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۶.

من حافظ علی الصلوات الخمس حیث کان و این کان جاز الصراط یوم القیامه کالبرق اللامع (۱).

«کسی که بر نمازهای پنجگانه اش محافظت نماید، در هر حالتی که بود و هر کجا که بود، روز قیامت چون برق از صراط عبور نماید».

شرکت در نماز جماعت

از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت شده که فرمود:

مَنْ حَافَظَ عَلَيَّ الْجَمَاعَةَ حَيْثُ مَا كَانَ مَرَّ عَلَيَّ الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زُمْرِهِ مَعَ السَّابِقِينَ وَ وَجْهُهُ أَضْوَاءٌ مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَيْدِ
وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يُحَافِظُ عَلَيْهَا ثَوَابٌ شَهِيدٍ. (۲)

«هر کس مراقب باشد که هر کجا هست نماز خود را به جماعت بخواند، روز قیامت در میان اولین گروه از سبقت گیرندگان، با چهره ای تابناک تر از ماه شب چهاردهم، از صراط همچون برق جهنده می گذرد، و برای او به هر شبانه روزی که بر خواندن نماز جماعت مواظبت داشته پاداش یک شهید خواهد بود».

ص: ۱۰۵

۱- ر.ک: المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۳۶۹؛ المجروحین ابن حبان، ج ۳، ص ۱۵۵؛ علل دارقطنی، ج ۸، ص ۳۰؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۳۹؛ کنز العمال، ج ۲۰۲۹۰.

۲- ر.ک: ثواب الاعمال، ص ۲۹۱؛ بحار، ج ۷۳، ص ۳۷۰.

نماز عشاء

از امام حسن مجتبی (علیه السلام) روایت شده است که چند نفر یهودی خدمت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آمدند و از آن حضرت پرسشهایی را نمودند.... رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در مورد علت وجوب نماز عشاء به آنها فرمودند:

و أما صلاة العشاء الآخرة فإن للقبر ظلمه أمرني الله و أمتي بهذه الصلاة في ذلك الوقت لتتور لهم القبور و يعطوا النور على الصراط و ما من قدم. مشى إلى صلاة العتمة ألا حرم الله جسدها على النار. (۱)

«نماز عشاء برای آنست که گور تاریک است و قیامت تاریکی دارد و خدا مرا و ائمت را به این نماز در این وقت فرمان داده تا قبرشان روشن گردد و بر صراط نوری به آنها عطا شود و هر گامی که برای نماز عشاء بر دارند خدا تن آنها را بر آتش حرام کند».

بعد هر نماز بخواند

از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده که می فرماید: از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شنیدم که می فرمود:
من قرأ فی دبر کل صلوة مكتوبه (قل هو الله أحد) مائة مره جاز الصراط يوم القيامة، و عن يمينه ثمانية .

ص: ۱۰۶

۱- ر.ك: المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۳؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۳۸؛ فلاح السائل، ص ۱۲۶.

إذرع و عن شماله ثمانيه إذرع، و جبرئيل آخذ بحجزته و هو ينظر في النار يمينا و شمالا، فمن رأى فيها من يعرفه دخل بذنوبه غير الشرك أخذ بيده فأدخله الجنة بشفاعته. (۱)

«هر کس نماز واجب «قل هو الله احد» را صد مرتبه بخواند، روز قیامت از صراط عبور نماید و از جانب راست او هشت ذراع (حدود چهار متر) و از جانب چپ او نیز هشت ذراع باشد و جبرئیل (علیه السلام) دامن او را گیرد در حالی که او از چپ و راست به آتش دوزخ نگاه می کند، پس اگر کسی از آشنایان را دید که به غیر گناه شرک در آتش است، دست او را گرفته و با شفاعتش داخل بهشت گرداند.»

نماز شب

امام صادق (علیه السلام) از پدران خود (علیهم السلام) از حضرت علی (علیه السلام) که فرمود: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرموده:

صَلَاةُ اللَّيْلِ مَرْضَاهُ لِلرَّبِّ وَ حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ سُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نُورَ الْمَعْرِفَةِ وَ أَصْلُ الْإِيمَانِ وَ رَاحَةُ الْأَبْدَانِ وَ كَرَاهِيَةُ لِلشَّيْطَانِ وَ سَلَامٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ إِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ وَ قَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ وَ بَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ وَ شَفِيعٌ بَيْنَ صَاحِبِهَا وَ بَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ سِرَاحٌ فِي قَبْرِهِ وَ فِرَاشٌ مِنْ تَحْتِ جَنَّتِيهِ .

ص: ۱۰۷

وَجَوَابُ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَ مُونِسٌ وَ زَائِرٌ فِي قَبْرِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَتْ الصَّلَاةُ ظِلًّا عَلَيْهِ وَ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ وَ لِبَاسًا عَلَى يَدَيْهِ وَ نُورًا يَسْعَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَ سِتْرًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَ حُجَّةً لِلْمُؤْمِنِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى وَ ثِقْلًا فِي الْمَوَازِينِ وَ جَوَازًا عَلَى الصَّرَاطِ وَ مِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ. (۱)

«نماز شب موجب رضایت پروردگار و محبت ملائکه، و سنت انبیاء، و نور معرفت و اصل ایمان، و راحتی بدنم، و کراهت و ناخشنودی شیطان، و سلاح بر دشمنان، و موجب اجابت دعاء، و قبولی اعمال، و برکت در رزق، و شفیع بین انسان و ملک الموت، و چراغ گور انسان، و فرش زیر پهلوی انسان در قبر، و جواب نکیر و منکر، و مونس و زائر انسان در قبر تا روز قیامت است، و چون روز قیامت شود، سایه ای بر بالای سر او، و تاجی بر سر او، و لباسی بر بدن او، و نوری که پیشاپیش او در حرکت است، و پوششی بین او و آتش، و حجتی بین او و بین خداوند متعال، و مایه سنگینی میزان او، و جواز و گذرنامه عبور از صراط، و کلید بهشت است.»

جابر بن اسماعیل از امام صادق و آن حضرت از پدرش (علیهم السلام) روایت کرده مردی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد .

ص: ۱۰۸

شب زنده داری به خواندن قرآن یا تلاوت قرآن در نماز سؤال کرد، آیا حضرت به او فرمود: (۱)

أَبَشِّرْ مَنْ صَلَّى مِنَ اللَّيْلِ عَشْرَ لَيْلٍ لِلَّهِ مُخْلِصًا ابْتِغَاءً ثَوَابِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ اكْتُبُوا لِعَبْدِي هَذَا مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَا أَنْبَتَ فِي اللَّيْلِ مِنْ حَبِّهِ وَوَرَقِهِ وَشَجَرِهِ وَعَدَدَ كُلِّ قَصْبَةٍ وَخُوصٍ وَمَرَعَى.

وَ مَنْ صَلَّى تُسْعَ لَيْلَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَشْرَ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ.

وَ مَنْ صَلَّى ثَمَنَ لَيْلَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ صَابِرٍ صَادِقِ النَّيِّهِ وَ شُفِّعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ.

وَ مَنْ صَلَّى سَبْعَ لَيْلٍ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يَوْمَ يُبْعَثُ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصُّرَاطِ مَعَ الْأَمِينِ.

وَ مَنْ صَلَّى سُدُسَ لَيْلَةٍ كُتِبَ فِي الْأَوَّابِينَ وَ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.

وَ مَنْ صَلَّى خُمْسَ لَيْلَةٍ زَاوَمَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ فِي قُبَّتِهِ.

وَ مَنْ صَلَّى رُبْعَ لَيْلَةٍ كَانَ فِي أَوَّلِ الْفَائِزِينَ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصُّرَاطِ كَالرَّيْحِ الْعَاصِفِ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

وَ مَنْ صَلَّى ثَلَاثَ لَيْلٍ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ إِلَّا غَبَطَهُ بِمَنْزِلَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ قِيلَ لَهُ ادْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شِئْتَ..

ص: ۱۰۹

وَمَنْ صَلَّى لَيْلَهُ فَلَوْ أُعْطِيَ مِائَةَ الْأَرْضِ ذَهَبًا سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ لَمْ يَعْدِلْ جَزَاءَهُ وَكَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَقَبَةً يُعْتَقُهَا مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ.

وَمَنْ صَلَّى ثُلْثِي لَيْلِهِ كَانَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ قَدْرُ رَمْلِ عَالِجٍ أَدْنَاهَا حَسَنَةٌ أَنْقَلُ مِنْ جَبَلٍ أَحَدٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ.

وَمَنْ صَلَّى لَيْلَهُ تَامَةً تَالِيًا لِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَاكِعًا وَسَاجِدًا وَذَاكِرًا أُعْطِيَ مِنَ الثَّوَابِ مَا أَدْنَاهُ يَخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ يُكْتَبُ لَهُ عِدَدُ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ مِثْلَهَا دَرَجَاتٌ وَ يَثْبُتُ النُّورُ فِي قَبْرِهِ وَ يُنْزَعُ الْإِثْمُ وَ الْحَسِيدُ مِنْ قَلْبِهِ وَ يُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ يُعْطَى بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ يُبْعَثُ مِنَ الْأَمِينِ وَ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَيَّ عَبْدِي أَحْيَا لَيْلَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي أَسْكِنُوهُ الْفِرْدَوْسَ وَ لَهُ فِيهَا مِائَةُ أَلْفِ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ جَمِيعُ مَا تَشْتَهَى الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ وَ لَمْ يَخْطُرْ عَلَى بَالِ سَوْمِي مَا أَعَدَدْتُ لَهُ مِنَ الْكِرَامَةِ وَ الْمَزِيدِ وَ الْقُرْبَةِ. (١)

«بشارت باد تو را، هر کس یک دهم از شب را با اخلاص برای خداوند و تحصیل پاداش او نماز خواند، خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان خود گوید: به عدد آنچه از دانه و برگ و درخت و نیز به عدد هر .

ص: ١١٠

١- ر.ک: من لا- يحضره، ج ١، ص ٤٧٥، ح ١٣٧٤؛ امالی شیخ صدوق، ص ٣٦٧، ح ٤٥٩؛ وسائل الشیعه (چاپ اسلامیة ٩)، ج ٤، ص ٨٠٤؛ تفسیر نورالثقلین، ج ٣، ص ٢٠٥.

شاخ و برگ خرما و هر چه از گیاهان که شب در چراگاهها می روید برای این بنده من (که یک دهم شب را نماز کرده) از حسنات ثواب و پاداش بنویسید.

و هر کس یک نهم شب را نماز کند، خداوند او را ده دعای اجابت شده و قبول یافته عطا فرماید، و در روز قیامت نامه اعمالش را بدست راست او دهد.

و هر کس یک هشتم از شب را نماز کند، خداوند متعال ثواب و پاداش شهید صابری که با صدق نیت در راه خدا جهاد کرده به او عطا فرماید، همچنین شفاعتش را در مورد اهل بیت و خانواده اش بپذیرد.

و هر کس یک هفتم شب را نماز شب خواند، روز برانگیخته شدن در حالی از گور خود بیرون آید که چهره اش همچون ماه در شب چهارده زیبا و درخشان باشد تا اینکه همراه با کسانی که از عذاب و هول قیامت ایمن هستند از صراط بگذرد.

و هر کس یک ششم شب را نماز کند نام او را در زمره توبه کنندگان حقیقی نویسند و همه گناهان گذشته اش را بیامرزند.

و هر کس یک پنجم شب را نماز کند در خیمه و بارگاه حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) در بهشت همنشین و انیس او باشد.

و هر کس یک چهارم شب را نماز کند در صف اول رستگاران باشد تا وقتی که همچون تند بادی از صراط عبور کند، و بدون حساب وارد بهشت شود.

و هر کس یک سوّم شب را نماز کند فرشته ای نباشد مگر اینکه به منزلت و مقام او نزد خداوند عزّوجلّ رشک (حسد) برد و آن را آرزو کند. و به او بگویند: از هر یک از درهای هشتگانه بهشت که خواهی وارد شو.

و هر کس نیمی از شب را نماز کند اگر هفتاد هزار بار همه زمین را پر از طلا کرده و به او دهند باز هم با پاداش او برابری نخواهد کرد، و پاداشی که بواسطه عبادت شبانه اش نزد خداوند متعال دارد، بیش از ثواب آزاد کردن هفتاد بنده است که همگی از فرزندان اسماعیل باشند.

و هر کس دو سوّم شب را نماز کند پاداش او از حسنات به قدر ریگهای در هم فشرده بیابان است که کمترین آن حسنات ده بار سنگین تر از کوه احد باشد. و هر کس یک شب کامل نماز کند در حالی که کتاب (قرآن) عزّوجلّ را تلاوت کند و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گاه به ذکر پردازد، چندان ثواب به او عطا کنند که کمترین آن این باشد که از گناهان خود بدر آید همچون روزی که مادرش او را زاده است و برای او به عدد مخلوقات خداوند عزّوجلّ از حسنات منظور کنند و همانند آن درجاتش را نیز بالا برند، و در گور او چراغی برافروزند که پیوسته روشن باشد و گناه و حسد را از دل او جدا و بیرون کنند، و از عذاب قبر ایمن گردد،

و به او براتی دهند که از آتش دوزخ آزاد است، و در حالی که از عذاب آخرت ایمن است از گور خود برانگیخته شود، و پروردگار تبارک و تعالی به فرشتگان خود فرماید: فرشتگان من! بنده مرا بنگرید که به خاطر رضای من شبی را بیدار بوده و عبادت کرده است او را در فردوس جای دهید، و در آن بهشت صد هزار شهر باشد که در هر شهری همه آنچه که نفسها آرزو و خواهش آن را دارند و چشمها از دیدن آن لذت می برد و به خاطرها خطور نمی کند، در آنجا برایش فراهم باشد، و این جمله غیر از آن پادشاهانی است که نزد خود برایش مهیا ساخته ام از کرامتهای بیشمار و نعمتهای زیاده بر استحقاق و همچنین مرتبه و قرب و نزدیکی مقام».

هشت رکعت نماز در شب شنبه

از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت شده که فرمود:

من صلی لیلہ السبب ثمانی رکعات، یقرأ فی کل رکعہ فاتحہ الكتاب و الکوثر، مره مره، و قل هو الله أحد سبع مرات، فإذا فرغ من صلاته، استغفر الله سبعین مره، کان کمن حج، و كأنما اشتری ألف رجل من المشرکین فأعتقهم، و غفر له ذنوبه، و إن کانت مثل زبد البحر، و رمل عالج، قطر المصر، و ورق الشجر، و جاز

ص: ۱۱۳

«هر کس شب شنبه هشت رکعت نماز بخواند، در هر رکعتی حمد و کوثر یک مرتبه و «قل هو الله احد» هفت مرتبه و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار نماید، (این) مانند کسی است که حج انجام داده، و هزار مرد از مشرکین را خریده و آزاد کرده باشد، گناهانش بخشوده می شود هر چند به اندازه کف های روی آب دریا و تپه ریگ ها و قطره های باران و برگ های درختان باشد و بر صراط همچون برق عبور کند و بدون حساب وارد بهشت گردد».

نماز شب اول ماه رجب

سید بن طاوس (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب «إقبال الأعمال» خود نقل کرده که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند:

«کسی که بعد از به جا آوردن نماز مغرب شب اول رجب، بیست رکعت نماز بجا آورده که در هر رکعتی سوره «فاتحه» و «اخلاص» را یک مرتبه خوانده و برای هر دو رکعتی یک سلام بدهد - در اینجا رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: آیا ثواب این نماز را می دانید؟ اصحاب عرض کردند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: روح الامین این نماز را به من یاد دادند. و آستین های خود را بالا زدند - خود و خانواده و مال و .

ص: ۱۱۴

فرزندانش محفوظ مانده و از عذاب قبر پناه داده می شود و از صراط، بدون حساب، مانند برق می گذرد».(۱)

نماز شب جمعه

شیخ طوسی (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب «مصباح المجتهد» خود از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت کرده که فرمود:

من صلى ليلة الجمعة بين المغرب و العشاء الاخره اثنتي عشرة ركعه، يقرأ في كل ركعه فاتحه الكتاب، و قل هو الله أحد أربعين مره لقيته على الصراط و صافحته، و من لقيته على الصراط و صافحته كفيته الحساب و الميزان.(۲)

«هر کس شب جمعه بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز بخواند، در هر رکعتی یک مرتبه فاتحه کتاب یک مرتبه و قل هو الله احد چهل مرتبه، من او را بر صراط ملاقات کنم و با او مصافحه کنم، و هر کس مرا بر صراط ملاقات کند و با من مصافحه نماید، حساب و میزان او را کفایت می کند».

حاجت در مانده ای را به حاکم رساندن

به سند معتبر از امام کاظم (عليه السلام) روایت شده که فرمود: .

ص: ۱۱۵

۱- ر.ک: اقبال الأعمال، فصل اعمال ماه رجب.

۲- ر.ک: مصباح المتجدد، ص ۲۵۹؛ منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۶۲.

مَنْ أَبْلَغَ سُلْطَانًا حَاجَتَهُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أِبْلَاغَهَا - أُثْبِتَ - اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَدَمِيهِ عَلَى الصِّرَاطِ. (۱)

«هر که برساند به سلطان حاجت کسی که خودش نتواند برساند، خدا قدمهایش را بر صراط بر جا دارد.»

یاری کردن برادر مؤمن

ابوحمزه ثمالی (رَحِمَهُ اللهُ) از امام زین العابدین (علیه السَّلام) روایت کرده است که فرمود: (۲)

مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ حَاجَةً فِيحَاجُهُ اللَّهُ بِهَا [فِيحَاجَهُ اللَّهُ يَدُؤُا] وَقَضَى اللَّهُ بِهَا مَائَةَ حَاجَةٍ فِي إِحْدَاهُتَّ الْجَنَّةِ وَ مَنْ نَفَسَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْغَا مَا بَلَغَتْ وَ مَنْ أَعَانَهُ عَلَى ظَالِمٍ لَهُ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى إِجَارِهِ الصِّرَاطِ عِنْدَ دَحْضِ الْأَقْدَامِ وَ مِنْ سَعَى لَهُ فِي حَاجِهِ حَتَّى قَضَاهَا لَهُ فَسِيرَ بِقَضَائِهَا فَكَانَ كَادِخَالَ السُّرُورِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَلَمٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ وَ مَنْ أَطْعَمَهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ كَسَاهُ مِنْ عُرِيٍّ كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ حَرِيرٍ وَ مَنْ كَسَاهُ مِنْ غَيْرِ عُرِيٍّ لَمْ يَزَلْ فِي ضَمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى الْمَكْسُوفِ مِنَ الثُّوبِ سَلِكُكَ وَ مَنْ كَفَاهُ بِمَا هُوَ يَمْتَنُّهُ وَ يَكْفُ وَجْهَهُ .

ص: ۱۱۶

۱- ر.ك: تحف العقول، ص ۵۹؛ حلی، ابن ادریس، السرائر، ج ۳، ص ۵۷۴.

۲- به خاطر اهمیت، تمام روایت نقل گردید.

وَ يَصِلُ بِهِ يَدَيْهِ يُخْدِمُهُ الْوَالِدَانِ وَ مَنْ حَمَلَهُ مِنْ رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقِهِ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ يُبَاهِي بِهِ الْمَلَائِكَةَ وَ مَنْ كَفَّنَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَكَانَتْ أُمَّهُ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ إِلَى يَوْمِ يَمُوتُ وَ مَنْ زَوَّجَهُ زَوْجَةً يَأْنَسُ بِهَا وَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا أَنَسَهُ اللَّهُ فِي قَبْرِهِ بِصُورِهِ أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ وَ مَنْ عَادَهُ عِنْدَ مَرَضِهِ حَفَّتْهُ الْمَلَائِكَةُ تَدْعُو لَهُ حَتَّى يَنْصِيرَ وَ تَقُولُ طِبْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ وَ اللَّهُ لَقَضَاءَ حَاجَتِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعِينَ بِاعْتِكَافِهِمَا فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ. (۱)

«کسی که حاجت برادر ایمانی خود را برآورد به برآوردن حاجت خداوند شروع کرده، و خدا صد حاجت او را برآورده می کند که یکی از آنها بهشت است.

و کسی که گرفتاری او را برطرف سازد، خداوند تمام گرفتاریهای روز قیامت را از او دور می کند، هر اندازه که باشد.

و کسی که او را بر علیه دشمنش یاری کند، خداوند او را در عبور از پل صراط یاری خواهد کرد هنگامی که قدمها به لغزش درمی آیند.

و کسی که در انجام خواسته او تلاش کند تا آن را برآورده کند و او را شادمان سازد، به منزله آن است .

ص: ۱۱۷

که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را شادمان کرده باشد. و کسی که او را سیراب کند، خداوند از شربت سر به مهر بهشتی او را سیراب خواهد ساخت.

و کسی که او را اطعام کرده و گرسنگی او را چاره کند، خداوند از میوه های بهشتی به او عطا فرماید.

و کسی که برهنگی او را بپوشاند، خداوند بر اندام او از جامه های استبرق و ابریشمین بهشتی خواهد پوشاند. و کسی که او را با آنکه برهنه نیست بپوشاند، همواره در پناه خدا خواهد بود تا زمانی که از آن جامه تاز و پودی باقی باشد.

و کسی که او را از آنچه که باعث خواری و سرشکسنگی اوست نجات دهد، و آبرویش را حفظ کند و به یاری او بشتابد، خداوند ولدان مخلصین را در بهشت به خدمت او خواهد گمارد.

و کسی که او را با مرکبش بردارد خداوند او را در روز قیامت سوار بر ناقه بهشتی به محشر درآورد، به گونه ای که بر فرشتگان ببالد.

و کسی که او را پس از مرگ کفن کند، مانند این است که بدن او را از روزی که به دنیا آمده تا روزی که از دنیا رفته است پوشانده باشد.

و کسی که برای او همسری برگزیند که مایه انس و آرامش خاطر او شود، خداوند او را در قبر با محبوب ترین بستگانش مأنوس می سازد.

و کسی که به هنگام بیماری از او عیادت کند، فرشتگان اطراف او را می گیرند و در حق او دعا می کنند تا زمانی که (به خانه خود) باز گردد، و به او می گویند: خوشا بر تو! و بهشت بر تو خوش باد.

و فرمود: «به خدا سوگند بر آوردن درخواست و نیاز برادر مؤمن در پیشگاه الهی، از دو ماه روزه و اعتکاف متوالی در ماه حرام محبوب تر است».

وام دادن به برادر مؤمن:

از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت شده:

وَمَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَأَن لَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ - أَقْرَضَهُ وَزَنَ جِبِلُّ أَحُدٍ وَ جِبَالِ رَضْوَى - وَ جِبَالِ طُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٍ فَإِنْ رَفَقَ بِهِ فَيَ طَلَبْتَهُ بَعْدَ أَجَلِهِ جَازَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ لَا عَذَابٍ. (۱)

«و کسی که به برادر مسلمان خود وام دهد، خداوند به ازای هر درهمی به وزن کوه احد و کوههای رضوی و طور سیناء، برای او حسنه می نویسد؛ و چنانچه پس از سر آمدن مهلت باز پرداخت وام بر او سخت نگیرد و با او مدارا نماید، (در روز قیامت) به سرعت برق و بدون هیچ حساب و کتاب و عذابی از پل صراط خواهد گذشت».

ص: ۱۱۹

۱- ر.ک: ثواب الاعمال، ص ۲۸۹؛ بحار، ج ۷۳، ص ۳۶۹.

برطرف کردن اندوه مؤمن:

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

من فرج علی مؤمن کربه جعل الله له شعلتين من نور، علی الصراط يستضيء بضوئها عالم، لا یحصیه إلا رب العزه. (۱)

«هر کس اندوهی را بر مؤمن گشایش دهد و آن را برطرف نماید خداوند متعال برای او دو نور قرار دهد که بر صراط با آن حرکت نماید، نوری که روشنی آن را فقط خداوند متعال می داند».

یاری کردن مؤمن نزد حاکم:

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

من اعان اخاه المؤمن علی سلطان جائر اعانه الله علی اجازة الصراط عند زلزه الاقدام. (۲)

«هر کس برادر مؤمن خود را بر سلطان ستمگری یاری دهد، خداوند او را هنگام لغزش قدمها بر صراط یاری دهد».

صدقه:

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: .

ص: ۱۲۰

۱- ر.ک: الرسالة السعدیه، ص ۱۶۲؛ عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۹۳.

۲- ر.ک: شهید ثانی، الرسائل، ص ۳۳۱؛ بحار، ج ۷۲، ص ۳۶۴.

والصدقه ستر من النار و جواز علی الصراط و أمان من العذاب. (۱)

«صدقه پوششی است بر آتش دوزخ و جواز عبور بر صراط و امان از عذاب روز قیامت است».

در مورد فضیلت صدقه شب قدر روایت شده است که:

حضرت موسی (علیه السلام) به خداوند متعال عرض کرد: الهی رحمت تو را می خواهم. فرمود: رحمت من برای کسی است که رحم کند فقرا را در شب قدر. گفت: خدایا من گذشتن از صراط را می خواهم. فرمود: برای کسی است که تصدق کند به صدقه ای در شب قدر. گفت: خدایا از درختهای بهشت و میوه های آن می خواهم. فرمود: این برای کسی است که تسبیح کند به تسبیحه ای در شب قدر. گفت: خدایا نجات می خواهم. فرمود: نجات از آتش؟ گفت: آری. فرمود: این برای کسی است که استغفار کند در شب قدر. گفت: خدایا نجات می خواهم. فرمود: نجات از آتش؟ گفت: آری. فرمود: این برای کسی است که استغفار کند در شب قدر. گفت: خدایا رضای تو را می خواهم. فرمود: خشنودی من از برای کسی است که دو رکعت نماز بخواند در شب قدر». (۲)

روزه ماه رجب:

شیخ صدوق (رحمه الله) به سند معتبر از سالم روایت کرده که گوید: رفتیم به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود، چون نظر مبارک آن حضرت بر .

ص: ۱۲۱

۱- ر.ک: طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۳۶.

۲- ر.ک: امام خمینی قدس سره، آداب الصلوا، ص ۳۳۴.

من افتاد فرمود که آیا در این ماه روزه گرفته ای؟ گفتم: نه والله ای فرزند رسول خدا!

فرمود: آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را به غیر خدا کسی نمی داند به درستی که این ماهی است که خدا آن را بر ماههای دیگر فضیلت داده و حرمت آن را عظیم نموده و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده.

پس گفتم یا ابن رسول الله! اگر در باقیمانده این ماه روزه بدارم آیا به بعضی از ثواب روزه داران آن فایز می گردم؟ فرمود: ای سالم! هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سكرات (سختی های) مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه روزه دارد بر صراط به آسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه دارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم به او عطا کنند» (۱).

و در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود:

مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ عَشْرَةَ أَيَّامٍ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ جَنَاحَيْنِ أَحْضَرَيْنِ مَنْظُومَيْنِ بِالْأُذُنِ وَالْيَأْقُوتِ يَطِيرُ بِهِمَا عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ إِلَى الْجَنَانِ وَيُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِ حَسَنَاتٍ وَكُتِبَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْقَوَامِينَ لِلَّهِ بِالْقِسْطِ وَكَأَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَلْفَ عَامٍ قَائِمًا .

ص: ۱۲۲

۱- ر.ك: أمالی شیخ صدوق، ص ۶۲۹، ح ۸۴۴.

صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَمَنْ صَامَ أَحَدَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ - لَمْ يُؤَافَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدٌ أَفْضَلُ ثَوَابًا مِنْهُ إِلَّا مَنْ صَامَ مِثْلَهُ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ وَمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْمًا كَسِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُلَّتَيْنِ خَضْرَ أَوْ يَنْ مِنْ سُنْدُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ وَ يُحَبَّرُ بِهِمَا لَوْ أُدْلِيَتْ حُلَّةٌ مِنْهُمَا إِلَى الدُّنْيَا لَأَضَاءَ مَا بَيْنَ شَرْقِهَا وَ غَرْبِهَا وَ لَصَارَتِ الدُّنْيَا أَطْيَبَ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ. (۱)

«هر کس ده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند عزوجل برای او دو بال سبز که با درّ و یاقوت زینت داده شده، قرار دهد که با آن مانند برق بر صراط، به سوی بهشت، پرواز کند، و خداوند بدی هایش را تبدیل به خوبی ها نماید و او را از جمله نزدیک شوندگان به عدالت - برای خدا - محسوب دارد و گو اینکه خداوند عزوجل را هزار سال در حالت ایستاده، با صبر و عبادت کرده است.

و هر کس هفده روز از ماه رجب را روزه دارد، خداوند روز قیامت بر صراط، هفتاد هزار چراغی از نور برای او قرار دهد که با این نورها به سوی بهشت رود و ملائکه او را با سلام و درود مشایعت نمایند». ۵.

ص: ۱۲۳

روزه ماه شعبان:

ابن عباس گوید: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در فضیلت روزه گرفتن در ماه شعبان فرمود:

مَنْ صَامَ سِتَّةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ كَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ جَوَازًا عَلَى الصَّرَاطِ وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ كَتَبَ اللهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

«هر که بیست و شش روز از ماه شعبان را روزه دارد خدای عزوجل گذرنامه صراط برایش بنویسد، و هر که بیست و هفت روزش را روزه دارد خدا براءت از دوزخ برایش بنویسد و هر که بیست و هشت روزش را روزه دارد روز قیامت چهره اش بدرخشد.»

استغفار در ماه شعبان:

ریان بن صلت گوید: از ابی الحسن، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

مَنْ قَامَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً أَسْتَغْفِرُ اللهُ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ كَتَبَ اللهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ جَوَازًا عَلَى الصَّرَاطِ وَ أَدْخَلَهُ [أَحَلَّهُ] دَارَ الْقَرَارِ. (۲)

ص: ۱۲۴

۱- ر.ک: امالی شیخ صدوق، ص ۷۷، ح ۴۳؛ ثواب الاعمال، ص ۶۳؛ روضه الواعظین، ص ۴۰۴؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۶۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۰۰، ح ۱۳۹۵۲.

۲- ر.ک: عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۶۲؛ جامع الاخبار، ص ۵۶.

«هر کس که در هر روز از شعبان هفتاد بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» خدا برائت از دوزخ و گذرنامه از صراط برایش نویسد».

احیای شب ۲۳ ماه مبارک رمضان:

شیخ صدوق (رَحِمَهُ اللَّهُ) به اسناد خود از امام باقر (علیه السَّلام) روایت کرده که حضرت فرمود:

مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ صَلَّى فِيهِ مِائَةَ رَكْعَةٍ وَسَعَى اللَّهُ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَ كَفَّاهُ أَمْرَ مَنْ يُعَادِيهِ وَ أَعَادَهُ مِنَ الْحَرْقِ وَ الْهَدْمِ وَ السَّرْقِ وَ مِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَ دَفَعَ عَنْهُ هَوْلَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ نُورُهُ يَتَلَأَلُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حَسَابٍ وَ يُجْعَلُ فِيهَا مِنْ رُفَقَاءِ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا. (۱)

«هر کس شب بیست و سوم رمضان را شب زنده داری کند و صد رکعت نماز در آن بگذارد، خداوند روزی او را در دنیا فراخ می فرماید و شرّ کسانی را که با او ستیزه کنند از او کفایت می فرماید و او را از سوختن در دنیا و زیر آوار ماندن و شرّ دزدان و جانوران .

ص: ۱۲۵

۱- ر.ک: فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۸؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۴۲.

دَرَنده محفوظ می دارد و بین نکیر و منکر را از او برطرف می فرماید و هنگامی که از گور خود بیرون آید پرتو چهره اش برای همه مردم محشر درخشان است و نامه عملش به دست راست او داده می شود و برای او آزادی از دوزخ و عبور از پل صراط و امان از عذاب مقرر می شود و بدون حساب وارد بهشت می شود و در آن از همنشینان پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران خواهد بود که چه نیکو رفیقانی هستند».

خوش اخلاقی در ماه مبارک رمضان:

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) به سند معتبر از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت می کند که فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوَازٌ عَلَى الصُّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ. (۱)

«مردم هر کدام از شما که اخلاق خود را در این ماه اصلاح کند، روزی که در صراط پاها می لغزد، جوازی بر صراط خواهد داشت. و هر کدام از شما که بر بنده و کنیز خود آسان بگیرد، خداوند در حساب بر او آسان خواهد گرفت»..

ص: ۱۲۶

۱- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص ۱۵۴؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۴۶.

عروبن ابی المقدام گوید: حضرت صادق (علیه السلام) این دعا را که جامع حاجتهای دنیا و آخرت است به من املا فرمود:

.... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رُوحَهُمْ وَ رَاحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ وَ أَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَ أَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ
مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ (وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (۱) وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ (لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ
يَحْزَنُونَ) (۲) وَ اجْعَلْنِي مِنَ (الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (۳) وَ تَبَيَّنِي (بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ) (۴) وَ
بَيِّرْ لِي فِي الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ وَ الْمَوْقِفِ وَ النُّشُورِ وَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَلِّمْ لِي عَلَى الصِّرَاطِ وَ أَجْزِنِي
عَلَيْهِ. (۵)

«بار خدایا! رحمت فرست بر محمد و آل محمد و زود بدانها گشایش بده و آسایش عطا کن و شادشان کن و مزه فرج آنان را
به من بچشان و دشمنانشان را از جن و انس هلاک کن و به ما در دنیا و آخرت حسنه عطا کن، و نگهدار ما را از عذاب
دوزخ و ما را از؛

ص: ۱۲۷

۱- سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۲- سوره بقره، آیه ۶۲.

۳- سوره نحل، آیه ۴۲.

۴- سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

۵- ر.ک: الکافی، ج ۲ ص ۵۸۳؛

آنها ساز که نه ترسی دارند و نه بر آنها اندوه درآید و بگردان مرا از کسانی که شکیبیا بودند و بر پروردگار خود توکل می کردند و بر جا دار مرا به گفتار پا بر جا در زندگانی دنیا و دیگر سرای، و مبارک کن برایم زندگی را و مرگ را و موقف را و نشور و حساب و میزان و هولهای قیامت را و سالم در مرا بر روی صراط و مرا از آن بگذران».

تلاوت حکمت:

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) در کتاب امالی خود روایت کرده که عبدالعظیم حسنی (رَحْمَهُ اللهُ) گوید: امام هادی (علیه السَّلام) فرمود:

حضرت موسی (علیه السَّلام) در مناجات با خداوند عرض کرد:

إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مِنْ تَلَا حِكْمَتِكَ سِرًّا وَ جَهْرًا قَالَ يَا مُوسَى يَمُرُّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ. (۱)

«پروردگارا! پاداش کسی که حکمت تو را آشکارا و پنهانی تلاوت کند چیست؟ فرمود: ای موسی! از صراط همچون برق می گذرد».

قرائت سوره قیامت:

ابوبصیر از امام صادق (علیه السَّلام) نقل می کند که حضرت فرمود: .

ص: ۱۲۸

۱- ر.ک: امالی، ص ۲۰۷؛ الجواهر السنیه، ص ۱۱۲؛ بحار، ج ۹۲ ص ۱۹۷، ح ۳.

من أدمن قراءه لا- اقسام و كان يعمل بها بعثه الله عز و جل مع رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) من قبره في أحسن صورة و
ببشره و يضحك في وجهه حتى يجوز على الصراط و الميزان. (١)

«كسی که بر تلاوت سوره «لااقسم» مداومت کرده و به (مفاهیم) آن عمل نماید، خداوند او را با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و با زیباترین سیما از قبر برمی انگیزد، و رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) او را مژده می دهد، و به رویش لبخند می زند تا از صراط و میزان عبور کند».

پرستاری از مریض:

شیخ صدوق (رَحْمَهُ اللهُ) از امام صادق (عليه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود:

مَنْ قَامَ عَلَى مَرِيضٍ يَوْمًا وَ لَيْلَةً بَعَثَهُ اللهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (عليه السلام) فَجَازَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ. (٢)

«کسی که یک شب و روز، پرستاری بیماری را بر عهده بگیرد، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم خلیل (عليه السلام) محشور می سازد و از پل صراط به سرعت برق خواهد گذشت».

ص: ۱۲۹

۱- ر.ک: ثواب الأعمال، ص ۱۲۱.

۲- ر.ک: ثواب الأعمال، ص ۲۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴۳، ح ۲۱۷۱۷.

از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت شده است که فرمود:

إِذَا اجْتَمَعَ الْخَلْقُ عَلَى الصِّرَاطِ قِيلَ لِلْعَالَمِ: قُمْ ههنا فاشفع لمن احببت فانك لا تشفع لاحد إلا شفعت مقام الانبياء. (۱)

«چون مردم بر صراط جمع شوند به عالم گفته شود: اینجا نشین و شفاعت کند برای هر کس که دوست می داری، که برای احدی شفاعت نکنی مگر اینکه شفاعت مقام انبیاء داده شود».

این نکته را نیز متذکر شوم که صراط برای عالمان هم سخت تر است و هم باریک تر. در توصیه های اخلاقی حضرت امام خمینی (قدس سره) به طالبان علوم دینی آمده است:

صراط طالبان علوم دینی دقیق تر و باریک تر است

هان ای طالبان علوم و کمالات و معارف، از خواب برخیزید و بدانید که حجت خداوند بر شما تمامتر است و خدای تعالی از شما بیشتر بازخواست فرماید، و میزان اعمال و علوم شما با میزان سایر بندگان خیلی فرق دارد، و صراط شما باریکتر و دقیق تر است، و مناقشه در حساب شما بیشتر شود. وای به حال طالب علمی که علوم در قلب او کدورت و ظلمت آورد، و باید دانست که این نور حقیقی که در قلوب اهل ایمان و عمل است چون از انوار عالم آخرت است، در آن عالم به مقتضای فعالیت نفس ظهور به نورانیت حسیه نماید، و همین نور است که صراط را روشن نماید. و یک دسته نورشان .

ص: ۱۳۰

مثل نور شمس، و دیگری مثل نور قمر، تا برسد به آنکه فقط نورش جلو پایش را روشن نماید» (۱).

... بکوش، و از حيله های نفسانی غافل مشو که نفس و شیطان در کمین هستند، و در پی فرصت می گردند که انسان را از راه حق برگردانند. هیچ گاه به کمالات خود مغرور مشو، که غرور از شیطان است. همیشه به خود بدبین باش، و از سوء عاقبت در ترس و هراس باش. و اگر دیدی در تو از این علوم اعجاب و خودبینی و خودپسندی حاصل شده است، بدان که طعمه ابلیس شدی و از راه سعادت دور افتادی. و آن گاه نظر کن بین جز پاره [ای] اصطلاحات بی مغز، چه در دست داری؟ آیا می توان با این اصطلاحات، ملائکه الله غلاظ و شداد را جواب داد؟ آیا می شود با هیولی و صورت و معانی حرفیه و مانند این ها، خدای عالم را بازی داد؟ گیرم در این عالم که کشف سرایر نمی شود، بتوان به بندگان خدا تذلل و تکبر کرد و با آنها با تحقیر و توهین رفتار کرد، آیا می توان در قبر و قیامت هم باز با همین پای چوبین رفت صراط هم می توان با این پای چوبین گذشت؟

علم قرآن و حدیث، باید اصلاح حال تو را کند و اخلاق دوستان خدا را در تو ایجاد کند، نه پس از پنجاه سال تحصیل علوم دینی، به صفات شیطانی تو را متصف کند. به جان دوست قسم که اگر علوم الهی و دینی، ما را هدایت به راه راستی و درستی نکند و تهذیب باطن و ظاهر ما را نکند، پست ترین شغلها از آن بهتر است، چه که شغلهای دنیوی .

ص: ۱۳۱

۱- نک: چهل حدیث، ص ۳۷۸.

نتیجه های عاجلی دارند و مفسد آنها کمتر است، ولی علوم دینی اگر سرمایه تعمیر دنیا شود، دین فرو است و وزر و وبالش از همه چیز بالاتر است.

حقیقتاً چقدر کم ظرفیتی می خواهد که به واسطه دو سه تا اصطلاح بی سر و پا که ثمرات شیطانی نیز دارد، انسان به خود بیالذ و عجب کند.....» (۱).

حق مال را ادا کردن:

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: «در قیامت صاحب مالی را می آورند که خدا را درباره آن اطاعت کرده و مال او در پیش روی اوست، و چون به صراط می رسد هرگاه رفتن بر او مشکل شود مالش به او می گوید: بگذر که تو حق خدا را در من ادا کردی. سپس دنیا داری را می آورند که خدا را اطاعت ننموده، دلش نزد اوست، و چون بخواهد از صراط بگذرد و رفتن نتواند مال او گوید: وای بر تو چرا حق خدا را در من نپرداختی؟ و پیوسته چنین خواهد بود تا به عذاب و جهنم افتد و هلاک شود.» (۲).

استفاده از دسترنج خود:

و فرمود: «هر کس که از دسترنج خود بخورد، از صراط برق آسا بگذرد.» (۳).

ص: ۱۳۲

۱- همان.

۲- ر.ک: علم اخلاق اسلامی، ج ۲، ص ۶۷.

۳- همان، ص ۲۳۴.

شرم از خداوند متعال و راضی به قضای الهی

از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) روایت شده که فرمود:

«چون روز قیامت شود، خدای تعالی گروهی از ائمت را بال و پر آفریند تا از گورهای خود به بهشت پرند، و در آنجا هر گونه بخواهند تمتع و تنعم نمایند، ملائکه به آنان گویند: آیا جایگاه حساب را دیدید؟ گویند از حساب چیزی ندیدیم، گویند: آیا از صراط گذشتید؟ گویند: ما صراطی ندیدیم، گویند: دوزخ را دیدید؟ گویند: ما چیزی ندیدیم. فرشتگان گویند: از امت که اید؟ گویند: از امت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، گویند: شما را به خدا بگوئید اعمالتان در دنیا چه بود؟ گویند: دو خصلت در ما بود، و خداوند به فضل و رحمت خود ما را به این مرتبه رسانید، گویند: آن دو خصلت چیست؟ گویند: یکی آنکه در خلوت از خدای تعالی شرم داشتیم که معصیت کنیم، و دیگر آنکه به اندکی که ما را داده بود راضی و خرسند بودیم، فرشتگان گویند: حق است شما را این مرتبه».(۱)

قربانی کردن

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود:

اسْتَقْرَهُوا ضَحَايَاكُمْ فَإِنَّهَا مَطَايَاكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ.(۲)

«قربانی هاتان را از نوع سالم و فربه و نفیس و بی عیب انتخاب کنید، زیرا که آنها در قیامت مرکب سواری شما بر فراط صراطند.»

ص: ۱۳۳

۱- ر.ک: علم اخلاق اسلامی، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲- ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۲۱۹۰؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۳۸.

فلسفه عبور از صراط

شاید برای برخی سؤال شود، علت این که انسان‌ها در آخرت ملزم به عبور صراط هستند، چه می‌باشد؟ در جواب گوئیم:

همان گونه که در صفحات پیشین نیز اشاره شد، صراط راه عبور برای رسیدن به بهشت می‌باشد، و این خود می‌تواند احترامی ویژه برای بهشتیان باشد، چرا که ملائکه آن‌ها را با احترام و سلام و تحیت دادن خاصی در این راه مشایعت می‌کنند که این خود باعث سرور و شادمانی دو چندان بهشتیان می‌گردد.

از طرفی دیگر، مجرمان نیز باید از راه عبور نمایند، در گذرگاه‌های آن‌ها به پرسش‌های ملائکه الهی، پاسخ گویند. از اعمالی که در این دنیا کردند، از فرائضی که آن‌ها ترک

نموده و محرمات بسیاری که انجام داده اند و مسائل دیگر که قبلاً بدان ها اشاره نمودیم.

حال، این راه عبور می تواند آغازگر خواری و ذلت و ترس بیشتر برای جهنمیان باشد، چرا که از طرفی آتش هولناک دوزخ را در پایین مشاهده می نمایند و ترس وجود آن ها را فرا می گیرد و از طرفی دیگر می دانند که هر لحظه ملائکه الهی آماده اند که آنان را در نهایت خواری به صورت داخل آتش اندازند.

لذا این آتش ترس و دلهره ای است برای مجرمان، و برای صالحان سرد و سلامت می شود. (۱)

نخستین کسی که بر صراط می رود، کیست؟

ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا (علیه السلام) و آن حضرت از پدران بزرگوار خویش (علیهم السلام) روایت کرده که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اینچنین به من فرمود:

... أنت أول من يحوز الصراط معي و ان ربي عزوجل اقسام بعزته انه لا- يجوز عقبه الصراط إلا- من معه براءه بولايتك و ولايه الائمه من ولدك. (۲)

«یا علی! توئی اول کسی که از صراط با من بگذرد و پروردگار به عزت خود قسم یاد کرده که احدی از آستانه .

ص: ۱۳۸

۱- می توانید به کتاب «جهنم کمینگاه بزرگ»، اثر دیگر نگارنده مراجعه فرمائید.

۲- ر.ک: عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۶۳.

صراط نگذرد مگر آنکه به سبب دوستی تو و دوستی ائمه و اولاد تو (عَلَيْهِمُ السَّلَام) برائت از آتش جهنم حاصل کرده باشد».

و الحمد لله ربّ العالمين

تمام شد در تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۸۶

قم مقدسه، علیرضا زکی زاده رنانی

ص: ۱۳۸

- قرآن کریم

- حضرت امام خمینی (قدس سره)، آداب الصلوه، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، چاپ هفتم ۱۳۷۸ شمسی.

- حسین غفاری ساروی، آیین بندگی و نیایش، نشر بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۵ شمسی.

- شیخ محمد طاهر قمی، اربعین فی امامه الائمه الطاهرين، تحقیق: سیدمهدی رجائی، نشر محقق، الطبعة: الاولى ۱۴۱۸ قمری.

- حسین بن ابی الحسن دیلمی، إرشاد القلوب، دو جلد، انتشارات اسوه، ۱۴۱۷ قمری.

ص: ۱۳۸

- شيخ صدوق، الاعتقادات، يك جلد، تحقيق عمام عبد السيد؟

- حسين بن ابى الحسن ديلمى، أعلام الدين، يك جلد، مؤسسه آل البيت (عليهم السّلام)، قم ١٤٠٨ قمرى.

- شيخ غالب سيلوى، انوار الساطعه من الغراء الطاهره خديجه بنت خويلد (عليها السلام)، چاپ اول ١٤٢١ قمرى، نشر مؤلف.

- شيخ صدوق، الامالى، يك جلد، انتشارات كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٢ شمسى.

- سيدعلى بن موسى بن طاوس، إقبال الاعمال، يك جلد، دارالكتب الإسلاميه تهران، ١٣٦٧ هجرى شمسى.

- علامه مجلسى، بحار الانوار، ١١٠ جلد، مؤسسه الوفاء بيروت - لبنان، ١٤٠٤ قمرى.

- سيدمحسن خرازى، بدايه المعارف الالهيه، دو جلد، مؤسسه نشر اسلامى، چاپ هشتم ١٤٢١ هجرى قمرى.

- عمادالدين طبرى، بشاره المصطفى، يك جلد، چاپ كتابخانه حيدريره نجف، ١٣٨٣ هجرى قمرى.

- محمدبن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، يك جلد، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى قم، ١٤٠٤ قمرى.

- ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، دراسه و تحقيق على شيرى، دارالفكر بيروت لبنان ١٤١٥ قمرى.

- سيدشرف الدين حسينى استرآبادى، تأويل الايات الظاهره، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۹ هجرى قمرى.
- حسن بن شعبه حرانى، تحف العقول، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴.
- دكتر شهيدى، ترجمه نهج البلاغه.
- تفسير المنسوب بامام العسكرى (عليه السّلام)، يك جلد، تحقيق مدرسه الامام المهدي (عليه السّلام) قم المقدسه، الطبعه الاولى ۱۴۰۹ قمرى.
- ملا محسن فيض كاشانى، تفسير صافى، مشهد، انتشارات دارالمرتضى، چاپ اول.
- علامه سيد محمد حسين طباطبايى، تفسير الميزان، نشر بنياد علمى و فكرى علامه طباطبايى، چاپ پنجم ۱۳۷۶ هجرى شمسى.
- محمد بن مسعود عياشى، تفسير العياشى، ۲ جلد، چاپخانه علميه تهران.
- على بن ابراهيم بن هاشم قمى، تفسير قمى، ۲ جلد، مؤسسه دارالكتاب قم، ۱۴۰۴ هجرى قمرى.
- فضل بن حسن طبرسى، مجمع البيان فى تفسير القرآن، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول ۱۴۱۵ هجرى قمرى.

- الشيخ عبد علي بن جمعه العروسي الحويزي، تفسير نورالثقلين، مؤسسه اسماعيليان قم الطبعه الرابعه، ١٤١٢ قمرى.
- آيت الله مكارم شيرازى و همكاران، تفسير نمونه، انتشارات دارالكتب اسلاميه، چاپ شانزدهم، ١٣٧٨ شمسى.
- شيخ مفيد، تصحيح إعتقادات الاماميه، تحقيق حسين درگاهى، نشر دارالمفيد بيروت، الطبعه الثانيه ١٤١٤ قمرى.
- شيخ طوسى، تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه، ١٠ مجلد، حقه و علق عليه: السيدحسن الموسوى الخراسان، نشر دارالكتب الاسلاميه، الطبعه الثانيه ١٤١٤ هـ-ق.
- شيخ صدوق، التوحيد، صححه و علق عليه: السيدهاشم الحسينى الطهرانى، منشورات جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه بقم المقدسه.
- -----، ثواب الاعمال، يك جلد، انتشارات شريف رضى قم، ١٣٦٤ شمسى.
- -----، الخصال، دو جلد در يك مجلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٤٠٣ قمرى.
- تاج الدين شعيرى، جامع الاخبار، انتشارات رضى قم، ١٤٠٥ قمرى.
- سيدعلى بن موسى بن طاوس، جمال الاسبوع، يك جلد، انتشارات رضى قم.
- امام خمينى (قدس سره)، جهاد اكبر، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، چاپ نهم، ١٣٧٨ شمسى.

- ، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم، ۱۳۷۸ شمسی.
- شیخ حرّ عاملی، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، منشورات مکتبه المفید قم - ایران.
- محمّدرضا رمزی اوحدی، در طواف خورشید، انتشارات سعید نوین، چاپ اول ۱۳۷۸ شمسی.
- جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، دار المعرفه، الطبعة الاولى ۱۳۶۵ قمری.
- نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ۲ جلد، دارالمعارف مصر، ۱۳۸۵ قمری.
- المولی ابی الحسین سعید بن هبه الله المشهور بقطب الدین الراوندی، سلوه الحزین المعروف به الدعوات، التحقیق و النشر: مدرسه الامام المهدي، الطبعة الاولى ۱۴۰۷ هـ-ق.
- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، یک جلد، دارالذخائر للمطبوعات، قم.
- احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، نشر مکتبه القدسی مصر، ۱۳۵۶ قمری.
- علامه حلّی، الرساله السعديه، تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، نشر کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی (رَحِمَهُ اللهُ) قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۰ قمری.

- محمد بن حسن فتال نيشابورى، روضه الوعظين، انتشارات رضى قم.
- محمد بن حسن فتال شيرازى، روضه الواعظين، ترجمه ي دكتور محمود مهدوى دامغانى، نشر نى، چاپ اول ۱۳۶۶.
- سيدعلى طباطبايى، رياض المسائل، ۱۱ مجلد، مؤسسه النشر الاسلامى جامعه المدرسين بقم، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ-ق.
- حسين بن سعيد كوفى، الزهد، ۱ مجلد، المطبعة العلميه قم، ۱۳۹۹ قمرى.
- محمد بن إدريس الحلّى، السرائر، مطبعة مؤسسه النشر الاسلامى الطبعة الثانيه، ۱۴۱۰ قمرى.
- ترمذى، سنن ترمذى، انتشارات دارالفكر، ۱۹۸۳ ميلادى.
- مولى محمد صالح المازندراني، شرح أصول الكافي، ۱۲ مجلد.
- ابن ابى الحديد معتزلى، شرح نهج البلاغه، دار احياء الكتب العربيه عيسى البابى الحلبي و شركاه الطبعة الاولى ۱۳۷۸ قمرى.
- عبدالرزاق گيلانى، شرح مصباح الشريعه و مفتاح الحقيقه، انتشارات پیام حق، چاپ اول ۱۳۷۷ شمسى.
- القاضى ابى الفضل عياض يحصبى، الشفا (بتعريف حقوق المصطفى)، ۲ جلد، نشر دارالفكر بيروت، ۱۴۰۹ قمرى.

- علیرضا زکی زاده رنانی، شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا، چاپ اول، ۱۳۸۴ شمسی.
- بخاری، صحیح بخاری، انتشارات دارالقلم بیروت، ۱۹۸۷ میلادی.
- النووی، صحیح مسلم بشرح النووی، ۱۸ مجلد، نشر دارالکتب العربی بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۷ هـ-ق.
- شیخ صدوق، صفات الشیعه، یک جلد، انتشارات اعلمی تهران.
- سیدعلی بن موسی بن طاوس، الطرائف، یک جلد، چاپخانه خیام قم، ۱۴۰۰ قمری.
- سیدجلال الدین مرتضوی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه ی جامع السعادات)، ۳ مجلد، انتشارات حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ شمسی.
- ابن بطریق یحیی بن حسن حلی، العمده، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ هجری قمری.
- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی، ۴ جلد، انتشارات سیدالشهداء (ع) قم، ۱۴۰۵.
- شیخ صدوق، علل الشرایع، یک جلد، انتشارات مکتبه الداوری قم.
- -----، عیون أخبار الرضا (علیه السَّلام)، ۲ جلد در یک مجلد، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ هجری قمری.

- ابي الحسن على بن عمر دار قطنى، العلل الوارده فى الاحاديث النبويه، ١١ مجلد، تحقيق محفوظ الرحمن زين الله السلفى، نشر دار طيبه رياض، الطبعة الاولى ١٤٠٥ قمرى.

- ابن بطريق يحيى بن حسن حلى، العمده، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٤٠٧ قمرى.

- شيخ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثه، تحقيق ميرزا غلامرضا عرفانيان، نشر دار الحجج البيضاء دار الرسول الاكرام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، الطبعة الثانيه ١٤١٢ قمرى.

- ابن بابويه القمى، فقه الرضا (عليه السّلام)، تحقيق: مؤسسه آل البيت (عليهم السّلام)، نشر المؤتمر العالمى للإمام الرضا (عليه السّلام).

- سيدبن طاووس حسنى، فلاح السائل؟

- محمدبن على بن عمرو النقاش، فوائد العراقيين، تحقيق مجدى السيد ابراهيم، نشر مكتبه القرآن القايره.

- سيدعلى اكبر قرشى، قاموس قرآن، هفت جلد در سه مجلد، انتشارات دارالكتب السلاميه، چاپ ششم ١٣٧١ شمسى.

- ثقه الاسلام كلينى، الكافى، ٨ جلد، دارالكتب الإسلاميه تهران، ١٣٦٥ هجرى شمسى.

- جعفر بن محمد بن قولويه، كامل الزيارات، ١ مجلد، تحقيق شيخ جواد القيومى، مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة الاولى ١٤١٧ هـ-ق.

ص: ١٤٦

- علامه حلى حسن بن يوسف، كشف اليقين، يك جلد، مؤسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۴۱۱ هجرى قمرى.

- على المتقى بن حسام الدين الهندى، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله بيروت ۱۴۰۹ قمرى.

- ابن منظور، لسان العرب، ۱۵ مجلد، نشر أدب الحوزه، الطبعة الأولى ۱۴۰۵ قمرى.

- محمد بن أحمد بن الحسن بن شاذان القمى، مائه منقبه فى فضائل و مناقب أمير المؤمنين و الائمه من ولده (عليهم السّلام)، مدرسه الامام المهدي (عليه السّلام) الطبعة الاولى ذى الحجه، ۱۴۰۷ قمرى.

- حسن بن سليمان الحلى، مختصر بصائر الدرجات، منشورات المطبعة الحيدريه فى النجف الطبعة الاولى ۱۳۷۰ قمرى.

- احمد بن محمد بن خالد برقى، المحاسن، يك جلد، دارالكتب الإسلاميه قم، ۱۳۷۱ هجرى قمرى.

- حسن بن سليمان الحلى، المحتضر، منشورات المطبعة الحيدريه فى النجف، الطبعة الاولى، ۱۳۷۰ قمرى.

- سيدهاشم بن سليمان بحراني، مدينه معاجز الائمه الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر، مؤسسه المعارف الاسلاميه، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ قمرى.

- حاج شيخ على نمازى، مستدرک سفينه البحار، مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه.

ص: ۱۴۷

- محدث نوري، مستدرک الوسائل، ١٨ جلد، مؤسسه آل البيت (عليهم السّلام) قم، ١٤٠٨ قمرى.
- شيخ عزيز الله عطاردى، مسند الامام الرضا (عليه السّلام)، مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوى (مشهد)، ١٤٠٦ قمرى.
- احمد بن حنبل، مسند احمد، انتشارات دارالمعارف مصر، ١٩٨٠ ميلادى.
- شيخ صدوق، معانى الاخبار، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٣٦١ شمسى.
- -----، من لا يحضره الفقيه، ٤ جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٤١٣ قمرى.
- شيخ مفيد، المقنعه، يك جلد، انتشارات كنگره جهانى شيخ مفيد قم، ١٤١٣ هجرى قمرى.
- علامه حلى، منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، التحقيق: قسم الفقه فى مجمع البحوث الاسلاميه، نشر مجمع البحوث الاسلاميه، ايران مشهد، الطبعه الأولى ١٤١٢.
- محمدفؤاد عبدالباقي، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول ١٤٢٠ هـ-ق.
- سليمان بن أحمد الطبرانى، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، نشر مكتبه ابن تيميه القاهره، ٢٥ مجلد، الطبعه الثانيه.
- سليمان بن أحمد الطبرانى، المعجم الاوسط، ٩ مجلد، تحقيق ابراهيم الحسينى، نشر دارالحرمين.

- ملاحمد نراقى، معراج السعاده، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ هجرى شمسى.
- محمدبن حبان البستى، المجروخين من المحدثين و الضعفاء و التاركين، ۳ مجلد، تحقيق محمود ابراهيم زايد.
- على بن أبى بكر الهيثمى، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مكتبه القدسى بالقاهره دارالكتب العلميه بيروت - لبنان.
- شيخ فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، شش مجلد.
- احمدبن محمدبن خالد برقى، المحاسن، يك جلد، دارالكتب الإسلاميه قم، ۱۳۷۱ هجرى قمرى.
- زيدبن على بن الحسين ابن على بن ابى طالب (عليهم السّلام)، مسند الامام زيد، منشورات دار مكتبه الحياه بيروت لبنان.
- ابوالفضل على بن حسن طبرسى، مشكاه الانوار، يك جلد، كتابخانه حيدريره نجف اشرف، ۱۳۸۵ هجرى قمرى.
- شيخ طوسى، مصباح المتهدج، يك مجلد، مؤسسه فقه الشيعه بيروت - لبنان، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ هـ.ق.
- شيخ عباس قمى (رَحْمَهَ اللهُ)، منازل الاخره، انتشارات انصارى، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۷ هجرى شمسى.
- ابن شهر آشوب مازندرانى، مناقب آل أبى طالب (ع)، ۴ جلد، مؤسسه انتشارات علامه قم، ۱۳۷۹ هجرى قمرى.
- احمد سياح، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۷ شمسى.

- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۵ جلد با ترجمه، انتشارات دارالحدیث، ویرایش سوم ۱۳۷۷ شمسی.
- علی مقدادی اصفهانی، نشان از بی نشان ها، انتشارات جمهوری، چاپ دهم از جلد اول، ۱۳۷۶ شمسی.
- ابن الأثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ۵ مجلد مؤسسه اسماعیلیان قم، الطبعة الرابعه ۱۳۶۴ شمسی.
- زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الايمان، تحقیق سید أحمد حسینی، نشر مجتمع امام هادی (علیه السّلام) - مشهد، الطبعة الأولى ۱۴۱۸ قمری.
- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ قمری.
- شیخ سلیمان ابن شیخ ابراهیم معروف بخواجه کلان، ینایع الموده، ۳ جلد در یک مجلد، منشورات مؤسسه اعلمی للمطبوعات بیروت، چاپ اول ۱۴۱۸ هجری قمری.

ص: ۱۵۰

- معراج پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، انتشارات موعود اسلام.
- شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا.
- معجزان سر مقدس امام حسین (علیه السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۱۷۰ پرسش در محضر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۱۱۰ پرسش در محضر امام علی (علیه السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۴۰ پرسش در محضر امام حسن (علیه السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۱۰۰ پرسش در محضر امام حسین (علیه السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۵۰ پرسش در محضر فاطمه زهرا (علیها السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۱۲۰ پرسش در محضر امام زمان (علیه السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۲۰۵ پرسش در محضر امام هادی (علیه السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- ۱۳۰ پرسش در محضر امام حسن عسکری (علیه السَّلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- حکمت های حضرت مسیح (علیه السَّلام)، انتشارات پرتو خورشید.
- (کلمات قصار) سه کلمه ای های حضرت علی (علیه السَّلام)، انتشارات پرتو خورشید.
- (کلمات قصار) دو کلمه ای های حضرت علی (علیه السَّلام)، انتشارات پرتو خورشید.
- شمیم رحمت «گلچین اشعار مناجاتی و ماه مبارک رمضان، انتشارات پرتو خورشید.

- حضرت علی (علیه السلام) در آئینه معراج، انتشارات پرتو خورشید.

- یکصد موضوع از قرآن کریم، انتشارات پرتو خورشید.

- پژوهش و بررسی روایات سخن گفتن حضرت علی (علیه السلام) با حیوانات، انتشارات حدیث نینوا.

- جلوه طه «گلچین مدایح و مناقب امام زمان (علیه السلام)، انتشارات حدیث نینوا.

- آرامش ابدی، مرکز پخش کتاب هفت.

- جهنم کمینگاه بزرگ، مرکز پخش کتاب هفت.

- صراط، مرکز پخش کتاب هفت.

آثار در دست انتشار:

۱- جامع تفسیر العیاشی (اسانیده، مستدرکاته و شرح غرائب)، عربی: ۴ جلد.

۲- تصحیح و تعلیقه بصائر الدرجات، عربی؛ ۳ جلد.

۳- پژوهشی در علوم اهل بیت (علیهم السلام)، فارسی: ۲ جلد.

۴- مواظب المسیح (علیه السلام)، عربی: ۱ جلد.

۵- موسوعه المعراجیه، فارسی: ۲ جلد.

۶- در محضر امام جواد (علیه السلام).

۷- در محضر امام سجاد (علیه السلام).

۸- سرنوشت اصحاب باوفا.

ص: ۱۵۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

